

گفتگویی با دکتور سید مسعود اسناد دانشگاه کابل



- عوامل و پیامدهای سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای روسیه و دفعه امکانات بهره‌برداری از منابع معدنی افغانستان چالش‌ها و پیامدها
- مشارکه (شرکت) په اسلامی بانک‌کنو کې

غضنفر گروپ ګامی به سوی فردای روشن



فهرست مطالب

سخن ماه
صلح در افغانستان

اقتصادادی

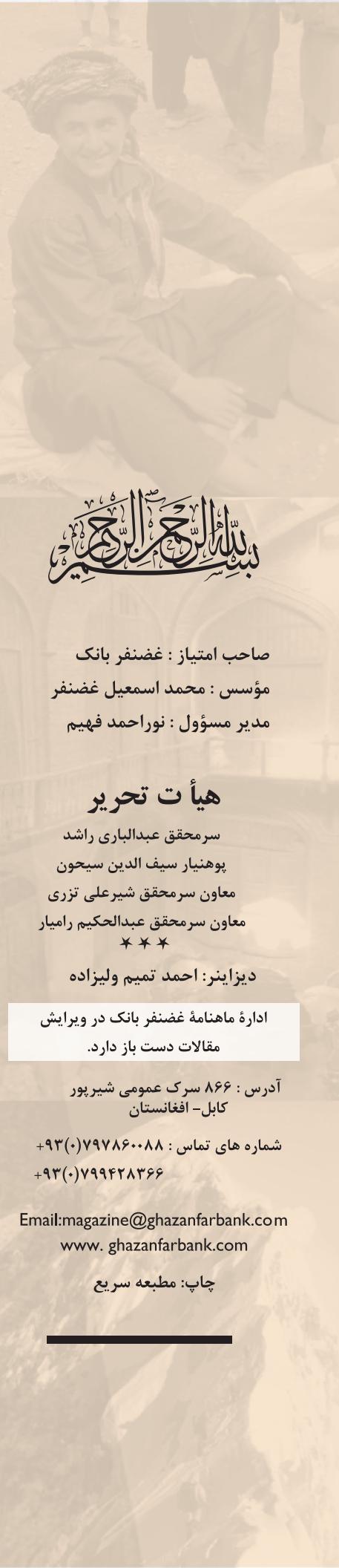
- ٧ گفتگوی با نخبگان دانش
- ١٢ عوامل و پیامدهای سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای رو به توسعه
- ١٨ امکانات بهره برداری از منابع معدنی افغانستان چالش‌ها و پیامدها
- ٢٠ مرکزی بانک، دندی او د بانکی سیستم سره د هغی اړیکې
- ٢٢ مشارکة (شراكت) په اسلامي بانکونو کې
- ٢٥ جایگاه زکات در اسلام
- ٢٩ منابع مالی و ضرب سکه در عصر تیموریان
- ٣٢ اهمیت روابط ترانزیتی افغانستان و پاکستان
- ٣٤ اخبار اقتصادی

اجتماعی

- ٣٧ گرامیداشت هشت ثور از سوی وزارت امور زنان
- ٣٨ بازدید سرپرست وزارت امور زنان از خانه‌های امن
- ٤٠ اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند
- ٤٤ دشواریهای رفتاری و نیازهای روانی جوانان
- ٤٧ بخشی از خدمات بنیاد غضنفر
- ٤٩ مجتمع شرکت‌های غضنفر گروپ
- ٥٠ راههای افزایش اعتماد به نفس
- ٥٤ امیر علی شیر نوایی
- ٥٦ آشنایی با آثار استاد چشتی

ادبی

- ٥٧ کشف المحبوب هجویری
- ٦٠ نیستان (ویژه شعر و ادب)
- ٦٢ جمله‌های طایی
- ٦٥ اصل تورکی سوزلر
- ٦٦ محاورة اوزبیکی
- ٦٩ حکایت



صاحب امتیاز : غضنفر بانک
مؤسس : محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسؤول : نوراحمد فهیم

هیأت تحریر

سرمحقق عبدالباری راشد
پوهنیار سیف الدین سیحون
معاون سرمحقق شیرعلی تزری
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار
* * *

دیزاینر: احمد تمیم ولیزاده

ادارة ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس : ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

شماره های تماس : +۹۳(۰)۷۹۷۸۶۰۰۸۸
+۹۳(۰)۷۹۹۴۲۸۳۶۶

Email:magazine@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپ: مطبعه سریع

دو ز جهانی ګراندھا ټرین هدیه الهی (داد) مبارک باد!

(هیأت رهبری غضنفر بانک)





صلح در افغانستان

سرمحلق عبدالباری راشد

به ادامه این تلاش های خیر خواهانه ملی، تدویر کنفرانس صلح نیز مؤید نیاز اشد و تأخیر نا پذیر ملت افغانستان به تأمین صلح و امنیت و اعاده فضای عادی زندگی در افغانستان دانسته میشود.

من فکر نمی کنم که هیچ انسان عاقل و با شعور کافی سیاسی مخالف روند صلح و امنیت در کشور باشد. به استثنای کسانی مغرض که با همه درک ضرورت صلح و امنیت، تنها به خاطر دسترسی به مقاصد شوم مادی شان در پی تخریب جریان های مربوط صلح آنهم در قالب الفاظ و بیان میشوند. اگر دقت شود این دسته اشخاص که با حرکت های صلح طلبانه به نحوی اظهار مخالفت می نمایند نه مرد جنگ و مقابله با عوامل جنگ اندونه مرد آشتبانی. بناءً سخنان غیر مسؤولانه ایشان در مقابل اهل مصالحه و مذاکره، کاملاً واهی، بی اثر و بی معنی و حتی در تعارض با کلام خداست (ج) زیرا انسان مسؤول موضعگیری های خویش بر اساس نیت خود است نه ضامن نتایج تلاش هایش که به موفقیت بینجامد و یا به شکست مواجه شود.

موضوع صلح در افغانستان مالامال از ویژگیها و پیچیدگی ها و دشواری هایی است که باید به آنها با تعمق و ژرف اندیشه پرداخت تا بتوان چگونگی رسیدن به صلح را دریافت.

یکی از دشواری های امر تأمین صلح و امنیت در کشور آنست که در اینجا جهات جنگ به معنی اصلی کلمه وجود ندارد. چنانکه دولت اسلامی افغانستان اصلاً علیه هیچ گروه، حزب، قوم و طایفه ای اعلان جنگ نداده است. همینطور ملت افغانستان

مسئله صلح از دیدگاه اسلام الله الحمد آنقدر روشن است که انسان در این مورد حرفی برای گفتن ندارد. بنابراین من هم با تکیه به آیات قرآنکریم یکبار دیگر اذعان می دارم که صلح در اسلام با تأکید خیلی جدی مورد توجه قرار دارد. و در این امر هیچ انسان منصف روی زمین نمیتواند شک کند.

همینسان مبرمیت صلح در جوامع انسانی برای ایجاد یک حیات عادی، آبرومند و فاقد مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی وغیره نیز چنان به تجربه ثابت شده است که حتی قدرت های مت加وز و آشوبگر هم نمی توانند از نقش و اهمیت صلح در زندگی انکار نمایند.

بناءً صلح به عنوان یک ضرورت عینی در افغانستان نیز برای فرد فرد این ملت معذب و مظلوم به آیده آلی گمراه مبدل گشته است. چنانکه به منظور رسیدن به این آرمان فردی و جمعی دولت، نهاد های ملی و اجتماعی و حتی رجال مهم دست بکار آند تا راهی را برای نیل به صلح و امنیت در کشور دریابند.

تدویر سمینار ها و کنفرانس های ملی و منطقه ای، ایجاد نهادهای چون کمیسیون عالی صلح در مدت تقریباً سال گذشته، رفت و آمد و دید و وا دید های علمای و دانشمندان و سایر هیأت های صلح به پاکستان و افغانستان بیانگر مواضع ملت و دولت افغانستان در قبال مسایل صلح و امنیت کشور و منطقه است.

کودکان بسیار مهربان بود، کودکان را در بغل می گرفت و به آنان احترام می گذاشت هرگاه در راه با کودکان روبرو می شد به احترام آنها توقف می کرد، آنها را در آغوش می گرفت و بر پشت و شانه خود سوار می کرد و به اصحاب نیز توصیه می کرد که چنین کنند. و می فرمود: «از ما نیست، کسی که به اطفال رحم نکند».

کودکان نسبت به هر گروه دیگر آسیب پذیرتر هستند، نیاز به حمایت و مراقبت شدید دارند اما متأسفانه که گاهی بزرگسالان به دلایل مختلف به جای حمایت از کودکان آنها را مورد آزار جسمی، روانی و سوء استفاده قرار می دهند. کارشناسان امور اجتماعی، مهتمرین علل این برخورده را نا آگاهی والدین، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، بیماری های روانی والدین و مشکلات خانوادگی توصیف کرده و بر این باور اند که: «رابطه محبت آمیز و محترمانه میان اعضای یک خانواده بویژه پدر و مادر با یکدیگر و با فرزندان، توجه کردن به جزئی ترین حرکت، سخن و مهارت فرزند زمینه ساز رشد سالم ذهن کودک و بروز خلاقیت در میان آنهاست».

مسئولیت پدر و مادر تنها به فراهم کردن نیاز های مادی و تأمین نیازهای جسمانی کودک محدود نمی شود، بلکه رفع نیازهای عاطفی و روانی کودک و توجه به ابعاد تربیتی وی نیز بر عهده والدین است. در ضمن والدین باید بدون تفکیک دختر و پسر هر دو را یکسان پذیرند و در انتخاب نام خوب، برای شایسته برای کودکان غفلت نکنند زیرا انتخاب نام خوب، برای کودک اهمیت بسیار دارد، نامها در ایجاد غرور و یا حقارت فرد سرافرازی و شخصیت نماید. همچنان والدین باید حرکات مثبت فرزندان خود را بر جسته کنند، فضای مهربانی، صمیمیت، اعتماد و عدالت میان فرزندان را در محیط خانواده فراهم کنند تا زمینه رشد سالم کودک از نظر ذهنی مساعد و با مبارزه در برابر هرگونه انحراف به موفقیت و پیروزی دست یابند.

سخن ماه به اسفهال از روز جهانی کودک

اول جون برابر با یازدهم جوزا مصادف با روز جهانی کودک است. در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور حمایت از کودکان مرکز یونسکو را که در ابتدا به نام انجمن بین المللی کودکان سازمان ملل متحد یاد می شد، ایجاد کرد. در سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه شماره ۸۳۶ از یونسکو خواست که به همه کشورهای عضو توصیه کند از سال ۱۹۵۶، روزی به نام روز جهانی کودک را سازماندهی و پایه گذاری کنند که بیانگر همبستگی و درک کودکان سرتاسر جهان از یکدیگر باشد و تأکید شد که این اختیار به کشورها داده شود که روزی را که بر می گزینند مناسب با وضعیت ویژه کشورشان باشد. گرچه این روز هم مانند بسیاری از روزها محدود به چوکات تقویم است اما وسیله است برای آنها که قلب شان برای آینده کودکان و شادی روح آنها می تبد و واقعاً در بی حل مشکلات آنها هستند.

خانواده نخستین مبدأ و جایگاهی است که پایه های شخصیت و اخلاق انسان ها در آن شکل می گیرد و در نحوه تربیت انسانها نقش بسزایی دارد، در این میان والدین به عنوان ارکان اصلی خانواده، نقشی اساسی و ارزشمند در شکل دهی سرش و اخلاق مثبت و یا منفی فرزندان دارند. اگر والدین در پرورش فرزندان احساس مسؤولیت کنند، با یک برنامه جامع، اصولی و سرشار از محبت از فرزندان شان استقبال کنند، اخلاق آنها چنان پی ریزی خواهد شد که در طول زندگی شان با تکیه بر مهارت های مشتبی که از والدین خویش آموخته اند، هرگز به انحراف و کثرراهه نخواهد رفت. دین مقدس اسلام نیز به رعایت حقوق کودک و احترام به کودکان تأکید کرده است. چنانچه پیامبر اکرم (ص) با



کویی جانب طغیانگر و سرکش بی نصیب اند. فلهذا تنها با نیک و موعظه و دست دعا نمی توان مصالحه را تحقق بخشد. و مطابق این امریه خداوند (ج) ترجمه: ایحاب می نماید تا جانب سرکش را سرکوب نمایند. که این عمل بدون شک در عهده گروه های مصلح بیدفاع نیست.

فلهذا پیشنهاد من به همه مصلحین و نهاد های مصالحه گر این است تا نخست شناخت دقیق با تعریف واحد، جامع و مانع از دشمن ارائه بفرمایند. و بعد خود را ارزیابی نمایند که آیا توافقی سرکوبی یکی از طرفین قضیه را در صورت ضرورت دارند یا خیر؟

اگر این توأم‌نندی را در خود سراغ دارند، لطفاً به کار عملی اقدام نمایند. و اگر داشتنند که از عهده چنین کاری بدر آمده نمی توانند بعداً به سراغ کسانی بروند که چنین امری برای شان ساده است.

به نظر بنده از آنجا که تأمین امنیت سرتاسری و حاکمیت ملی در انتظار جامعه و رهبری نظامی امنیتی کشور از ۱۵ سال قبل به یک امر ناممکن اگر نگویم دست کم یکد مشکل جلوه کرد و بناءً ایشان تصمیم گرفتند تا از قدرت های نظامی سیاسی خارجی دعوت نمایند که به آن مععضله نقطه پایان بگذارند. آن نیروها نیز به همکاری اینان در اسرع زمان دست به کار شدند و در ظرف چند ساعت یا روز سطح آنچه را طالب و القاعده نام کرده بودند بر چینند.

اکنون نیز نیروهای بین المللی با تمام قدرت و تسلطی که بر اوضاع نظامی امنیتی کشور و منطقه و جهان دارند یقیناً می توانند به این بازی پایان بخشند.

فلهذا بر حلقات مصلح کشور است تا با درک این واقعیت های عینی یکبار دیگر از تمامی مراجع ذیصلاح بین المللی و مخصوصاً نیروهای خارجی مستقر در کشور رسماً و با اصرار بخواهند تا در این راه به وظایف و وجایب موعود خود عمل نمایند. در غیر آن مسؤولیت این وضع اسفبار و عواقب بدتر از آن را بردوش خود بپذیرند.

هم چنان نهاد ها و شخصیت های اصلاح گر جامعه باید از ریاست های محترم امنیت امریکا، پاکستان و امنیت کشور بخواهند تا تعريف جامعی از قضیه و مشکل افغانستان و راه حل های آن ارائه نمایند.

در غیر آن تلاش های مخلصانه حلقات مصلح تنها دارای اجر اخروی از مدرک نیست شان خواهد بود نه نتیجه ای عملی در راستای صلح در افغانستان.

با درک این واقعیت ها به نکاتی مهم از آیه کریمة ۹ سوره حجرات توجه باید کرد که: ترجمه: "و اگر دو گروه از مومنان با هم جنگ کنند، پس اصلاح کنید میان ایشان، پس اگر تعدی کرد یکی از این دو گروه بر دیگری پس جنگ با آن گروه کنید که تعدی می کند تا که رجوع کند به سوی حکم الله، پس اگر رجوع کرد پس اصلاح کنید میان ایشان برایر و عدل کنید به تحقیق الله دوست دارد عدل کنند گان را"

- خداوند متعال (ج) در این آیات به سه گروه اشاره می کند: الف: دو گروه مسلمان در گیر جنگ.

ب: گروه مصلح که باید در میان دو گروه اول مصالحه نمایند.

- گروه مصلحان کسانی باید باشند که از دو نیروی کافی مادی و معنوی بهره مند باشند

- نخست قدرت تشخیص حق از باطل یعنی داشتن علم کافی و ایمان کامل تا مرتب خبط و اشتباه در جریان مصالحه شوند و خلاف اصول حق و عدالت در قضیه قرار نگیرند.

- دوم، این گروه باید دارای نیروی کافی نظامی و اقتصادی و اجتماعی باشند تا جانب ملامت و مت加وز را تا حدی سرکوب کرده بتوانند که به امر خدا (ج) یعنی صلح و عدالت تسليم شوند. در غیر آن تلاش های شان برای تأمین صلح فاقد ضمانت اجرایی خواهد بود.

ترووریستان مجھول الهویه نمیتوانند خود را به هیچ یکی از این عنوانی مذهبی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی نسبت دهند! زیرا چنین مصادفی را برای خود در افغانستان ثابت کرده نمی توانند.

اما جنایات ترووریستی جاری در طول ۱۵ سال اخیر علیه همه اقوام، ولایات، احزاب و مذاهب اسلامی افغانستان صورت گرفته و می گیرد. فلهذا کلمه باندهای ترووریستی بر مجموعه فاقد هویت ملی، سیاسی، مذهبی، زبانی، انتیکی و جغرافیایی کاملاً مصاداق دارد که هیچ کس در روی زمین حاضر نخواهد بود تا خود را به نام باند ترووریستی به عنوان بک مشخصه سیاسی، مذهبی یا قومی وغیره معروف کند.

با مرور کوتاه بر اوضاع و احوال نظامی امنیتی کشور باید گفت: هیچ گروه مصلح چه دولتی چه غیر دولتی در سطح کشور وجود ندارد که کاملاً واجد شرایط مصالحه فی مابین مردم و دولت و آشوبگران نا شناخته (باند های ترووریستی) باشد، فلهذا عرضم به پیشگاه کلیه نهادهای صلح جو و افراد افغانستان از شر دهشتگران و وحشت گران و سایر هایی منیث یک وظیفه و وجیه بگذارند که از عهده آن بدر آمده بتوانند.

به طور مثال اگر بر هر گروه مصلح دست بگذاریم گیریم همه شرایط مصالحه را دارا باشند دست کم از شرط اصلی مصالحه یعنی توان سر

بناءً با قاطعیت باید گفت چیزی به نام طالب و القاعده جز باند های ترووریستی تحت هبری سازمان های فاسد استخبارات بین المللی در افغانستان وجود ندارد.

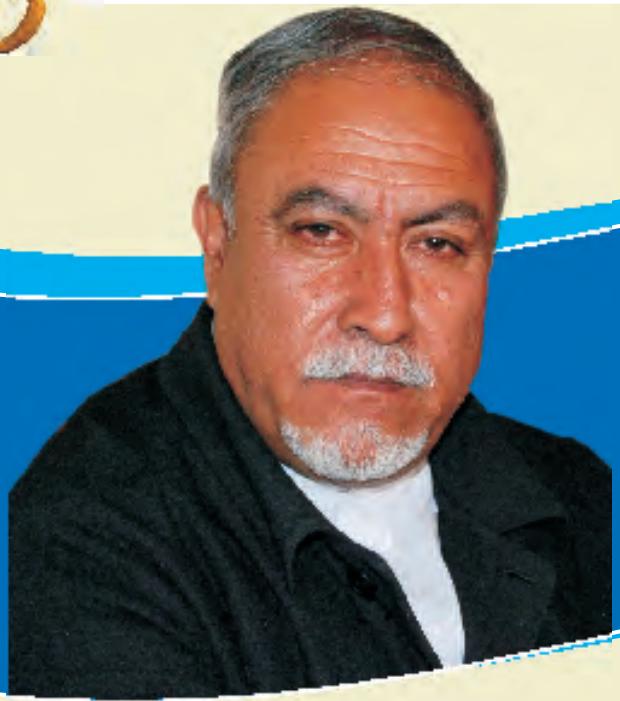
بنابر این تعریف، ملت ما پذیرفته نمی تواند که ترووریستان یک گروه قومی اند. زیرا هیچ قومی در افغانستان وجود ندارد که با جریان های ترووریستی مخالف اند که همه روزه رنج مظلالم و بی امنیتی های مرموز باندهای ترووریستی فاقد هویت مشخص را به جسم و جان می کشنند.

امر مصالحه زمانی به نتیجه می رسد که طرفین جنگ شناخته شوند و با ایشان تماس برقرار شده بتوانند، مواضع هر دو طرف روشن باشد، رهبری هر دو طرف جنگ مشخص و معلوم باشند. آرمان ها، ادعاهای داعیه هر یک تعریف شده باشد و موضوع جنگ به عنوان علت آن واضح گردد.

امراً مصالحه زمانی به نتیجه می رسد که طرفین جنگ شناخته شوند و با ایشان تماس برقرار شده بتوانند، مواضع هر دو طرف روشن باشد، رهبری ادعاهای داعیه هر یک تعریف شده باشد و موضوع جنگ به عنوان علت آن واضح گردد.


صلح در افغانستان

متأسفانه قضیه صلح در افغانستان با مجموعه ای از ابهامات مواجه است که هیچ کس نمیداند، آنچه به نام اتحاری، انفجاری و القاعده طرف جنگ در رسانه ها تبلیغ می گردد که ها هستند؟ چه داعیه ای دارند؟ به کدام حزب و جایگاه اجتماعی و قومی مربوط اند؟ رهبری ایشان در دست چه کسی و در کجا است! کمک های نظامی اقتصادی و سیاسی و اطلاعاتی مافوق تصور ارگان های امنیتی و افغانستان را از کجا دریافت می کنند! و آنها از این جنگ ها چه می خواهند؟



گفتگویی با نخبگان دانش

ماهنامه غضنفر بانک در نظر دارد به منظور روشن شدن هرچه بهتر و بیشتر ابعاد بانکداری و تحقق فرهنگ استفاده از بانکداری اسلامی در کشور، مسائل، قوانین و شیوه عملکرد بانکداری عمومی و بانکداری اسلامی را با علماء، دانشمندان و کارشناسان امور اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار دهد. بر این اساس گفتگویی داریم با محترم پوهندوی دکتور سید مسعود استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل که توجه خوائندگان محترم را به آن جلب می کنیم.

- پرسش : بفرمایید اندکی پیرامون اهمیت معاملات بانکی و روند تکامل آن در یک دهه اخیر معلومات ارایه نمایید؟

بانکداری در کشور هستیم که اصلًا توقع چنین حرکاتی را در بخش بانکداری نداشتیم، این حرکت ها نه تنها در کشور بلکه در منطقه درخشید و سرمایه های هنگفتی از منابع داخلی و خارجی از طریق این بانک ها به اقتصاد افغانستان تزریق شد. البته نتایج این حرکات از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ خورشیدی فوق العاده بود، یک همانگی بسیار خوبی میان سکتور خصوصی و سکتور دولتی وجود داشت، سکتور دولتی، سکتور خصوصی را حمایت می کرد و حرکت ها را به خاطر باز کردن امکانات تسبیت سکتور خصوصی رهبری می کرد، به همین خاطر بودجه دولت ۲۲ درصد رشد داشت. بعد از ایجاد بانکداری سکتور خصوصی، تشکیل غضنفر بانک و بانکهای دیگر هر کدام به نوبه خود یک نوع تأثیرات ممیزی را روی اقتصاد افغانستان گذاشتند، سکتور های معینی را حمایه کردند و تنوع در حرکت ها به وجود آمد. در همین سالها بانک ها رفتند به سوی ایجاد بانکداری اسلامی که در حقیقت تا آن وقت تنها روی ایده و کاغذ محدود بود. بانکداری اسلامی عملًا آغاز یافت و تا هنوز هم بسیار موفق هستند. از این رو من فکر می کنم بعد از آمدن دمکراسی در کشور در بخش بانکداری یکنouج چهش حرفه و مهارت در تاریخ بانکداری افغانستان به وجود آمده است.

- پرسش : فعالیت بانکهای خصوصی بویژه غضنفر بانک را در افغانستان چگونه ارزیابی می کنید و چه نقشی در رشد اقتصاد کشور دارد؟

پاسخ : بانکداری خصوصی یکی از حرکت های بسیار جالب اقتصادی عصر حاضر است، هر نهاد اقتصادی هم خوبی ها و مزایایی دارد و هم کاستی هایی دارد. من فکر می کنم که بانکداری خصوصی در کنار

حساب مضاربت معادل

این حساب بانکی بین مشتریان و غضنفر بانک در روشنایی شریعت اسلامی و پیروی از اصول معیارهای فقه مضاربت انجام میابد. مفاد حلال این حساب بانکی که از سرمایه گذاری در پروژه های مشروع واسلامی به دست می آید، بعد از سپری شدن زمان قانونی آن که در قرارداد میان طرفین قید شده است، به حساب مشتری انتقال میابد. مدت قانونی این حساب بانکی از شش ماه تا یک سال می باشد.



غضنفر بانک پیشناز در بانکداری اسلامی



در جاهایی که دارای ریسک بلند باشد، سرمایه گذاری کنند، امکان تلف شدن پول مردم و افالاس بانک ها وجود دارد. از این رو من فکر می کنم که غضنفر بانک رهبری بسیار خوبی دارد، تصامیم مشترکاً اتخاذ می گردد، یکنفر به خاطر حفظ منافع خود یکه تازی نمی کند. بر این اساس من فکر می کنم که سرمایه گذاری در غضنفر بانک برتری دارد. با وجودی که من بانک های دیگر را نیز در برخی موارد مورد تأیید قرار می دهم اما در بسیاری از موارد الیت سکتوری را تا هنوز نتوانسته اند تشخیص بدند که کدام سکتور باید زود تر و بیشتر حمایت شود. اگر آگاهی دهی بیشتر شود در سکتور هایی که کمتر سرمایه گذارش شده خصوصاً سکتور زراعت و بانک ها در ایجاد پروژه های زراعتی پیشقدم شوند، بهتر خواهد بود. اما در غضنفر بانک من یک روز عملاً حضور داشتم که نباتات وحشی افغانستان مورد بحث قرار گرفت که چگونه می توانیم آن نبات را کمک کنیم تا نتایج مطلوبی از آن بدست آید. این امر بیانگر سهم گیری غضنفر بانک در تطبیق و انجام پروژه های ملی می باشد.

• پرسش : پوششی چیست و بانک ها چه مسؤولیتی در برابر این عمل دارند؟

پاسخ : پوششی یک اصطلاح و ترمونولوژی است که بعد از اوج قاچاق مواد مخدر در جهان به وجود آمد. این مسأله در افغانستان بسیار مطرح است. افغانستان را امپراتوری بزرگ کشت و صدور مواد مخدر می خوانند، که این یک انها به کشاورز و دهقان ما است در حالی که دلالان و قاچاقبران کشورهای منطقه و بین المللی در این امر دخیل اند و از این بابت منافع هنگفتی را می بینند. بانک ها پول های ناشی از حرکات اقتصادی و تجاری را می پذیرند و اگر پول از یک حرکت غیرمشروع و غیر رسمی نشأت گرفته باشد، پول سیاه نامیده می شود و از پذیرش آن خودداری می کنند. بر این اساس در تمامی جداول بانک ها یک خانه جدید اضافه شده برای معلوم شدن منبع پول. این کار بسیار خوب و مناسب است اما قانونی که برای پول شویی ساخته شده کامل نیست، باید بازنگری شود زیرا قاچاقبران راه دیگری را در پیش گرفته اند یعنی با پول مواد مخدر خانه می خرد و بعد خانه را می فروشند و منبع پول خود را فروش خانه اعلام می کنند. به نظر من باید برای جلوگیری از این گونه حرکات قانون پوششی باید بازنگری شود و بعد از بازنگری و تعدل قانون این گونه حرکات باید خوب بررسی و مانیتورنگ شود.

زیرا در مسیری حرکت می کند که با شرایط ذهنی و عقاید مردم سازگار است، به نظر من تنها این دستاوردها کافی نیست باید همچنان تکامل داشته باشد و میتوود های جدیدی را به کار ببرد و ساحه فعالیت خود را گسترش بدهد. یکبار دیگر تأکید می کنم که یکی از کارهای برآنده غضنفر بانک تشکیل بخش بانکداری اسلامی است زیرا مردم از نظر عقیدتی و ذهنی آماده همکاری هستند. بسیار جالب است چند روز پیشتر در یکی از مساجد جامع ملا امام مسجد در حمایت از بانکداری اسلامی غضنفر بانک تبلیغ می کرد، این عمل نشان می دهد که ملت مسلمان افغانستان از معاملات بانکداری اسلامی در کشور استقبال می کند. من آرزو دارم که بانک های دیگر افغانستان نیز در این راستا گام بردارند تا بتوانیم پول هایی را که در کیسه ها و خانه ها نگهداشی می شوند، به بانک ها انتقال بدهیم و بانک های آنها را به کار اندازند در این صورت ما می توانیم بسیار سریع رشد کنیم که نظیر آن در منطقه وجود نخواهد داشت.

• پرسش : غضنفر بانک به منظور توسعه تجارت و رشد اقتصاد کشور امکانات قرضه دهی مناسب را در اختیار مشتریان خویش قرار داده است، بفرمایید این قرضه ها چه نقشی در اشتغال زایی، توسعه اقتصاد کشور و در نهایت فقرزدایی دارد؟

پاسخ : من در حقیقت به این امر موفق نیستم که تمامی بانک ها چنین کارهایی را انجام داده اند که باعث رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور شده باشد، سکتور هایی را اولویت داده باشند که ما به آن نیاز داریم. ۴/۳ درصد کریدتی که به سکتور زراعت اختصاص یافته کافی نیست، سیستم بانکداری ما باید علاوه بر سکتور صنعتی و تجاری، سکتور زراعت را تا ۴۰ درصد تقویت می کرد. حتی اگر به بیلانس غضنفر بانک توجه شود، بیشتر روی صنعت و تجارت بخصوص مواد نفتی سرمایه گذاری کرده است که این هم در حقیقت یکنوع بانک پیشنهاداتی را ارائه کرند مبنی بر این که بخشی از بانک باید به بانکداری اسلامی اختصاص باید. هیأت رهبری غضنفر بانک شجاعانه در این راستا گام نهادند و موفق هم شدند. ایجاد بخش بانکداری افغانستان سوق دهنده پول ها به سوی سرمایه گذاری بوده، ولی متأسفانه زمینه ها برایش میسر نشده که در جای معینی سرمایه گذاری نماید. این مسأله بسیار مهم است زیرا بانکداری و بانکها جز اساسی سیستم اقتصادی و سیستم اقتصادی جز اساسی نظام است و نظام ما در اسلام اصلًا امکان تشکیل بانکداری وجود ندارد. اما غضنفر بانک با تشكیل بخش بانکداری اسلامی نشان داد که انجام معاملات بانکی در بانکداری اسلامی به مراتب موفق تر و بهتر از بانکداری عمومی امکان کنند. بلکه در جاهایی سرمایه گذاری می کنند که دارای ریسک کمتری باشد اگر چه سود آن کم باشد. تجربه نشان داده است که اگر بانک ها

شود زیرا نشر پول سرمایه هنگفتی نیاز دارد. بانک های خصوصی برای رشد و توسعه اقتصادی نقش ویژه را ایفا نمودند. در طول ده سال اخیر خصوصاً بعد از سال ۱۳۸۳ رشد و توسعه اقتصادی نتایج مطلوبی در پی نداشت، اگر این دهه را به سه حصه تقسیم کنیم، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ سالهایی است که در حقیقت باید صنعت کشور ایجاد می شد اما از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ سرمایه صنعتی به سرمایه تجارتی انتقال یافت و از سال ۱۳۸۶ تا امروز متأسفانه یکنوع انتقال سریع از سرمایه تجارتی به سوی دارایی های ثابت به حرکت در آمد که در حقیقت وضع اقتصادی خوبی را نشان نمی دهد. ولی در شرایطی که ما قرار داریم نقش بانک ها بسیار مثبت و عالی است که توانسته اند اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کنند. البته سیستم بانک افغانستان بسیار جوان است آرزو دارم بتوانند حرکت هایی خود را در مقابل رقبات قاتلانه خارجی بخصوص رقابت قاتلانه بانک های منطقوی که سخت تلاش می ورزند بانک های افغانستان را به زانو درآورند و تمام اطلاعات پولی افغانستان به دست آنها برسد، همانگ کنند و از این گونه توطئه ها جلوگیری کنند.

• پرسش : بعد از تشکیل حکومت موقت غضنفر بنک در راستای ایجاد بانکداری اسلامی پیشقدم شد و برای تحقق استفاده از بانکداری اسلامی تلاش های زیادی را به خرج داد به نظر شما این اقدام غضنفر بانک چه نقشی در رشد اقتصاد کشور و حفظ ارزشها اسلامی دارد؟

پاسخ : من از روز اول با فعالیت های غضنفر بانک آشنا هستم، روزهایی که لوگوی آن (GB) فقط روی کاغذ بود. زمانی که غضنفر بانک ایجاد شد، خانواده غضنفر توانست که حرکت های اقتصادی معینی را در ساحه پولی انجام بدهد، در آغاز گروپ کاری ایجاد غضنفر بانک پیشنهاداتی را ارائه کرند مبنی بر این که بخشی از بانک باید به بانکداری اسلامی اختصاص باید. هیأت رهبری غضنفر بانک شجاعانه در این راستا گام نهادند و موفق هم شدند. ایجاد بخش بانکداری اسلامی از چند نگاه مورد تأیید قرار گرفت. اول اینکه قوانین کشور ما براساس قانون اسلامی استوار است و این اقدام از نظر قانون و ارزشها اسلامی مورد احترام مردم قرار دارد. گرچه بعضًا گفته می شود که گویا در اسلام اصلًا امکان تشکیل بانکداری وجود ندارد. اما غضنفر بانک با تشكیل بخش بانکداری اسلامی نشان داد که انجام معاملات بانکی در بانکداری اسلامی به مراتب موفق تر و بهتر از بانکداری عمومی امکان کنند. بلکه در جاهایی سرمایه گذاری می کنند که دارای ریسک کمتری باشد اگرچه بانک ها هستند. تنهای حکومت نوی حکومت های آمریکا و غرب را می توانیم انجام بدھیم، در آن کشور ها پول کمتر در انجام می دهند. پول در بانک ها است. تنها حرکت های حسابی انجام می شود یعنی روی کاغذ ها حرکت و معامله می کنند. میلیارد ها دالر خرید و فروش می شود ولی از یک حساب به حساب دیگر می رود، بدون اینکه پول رد و بدل شود. از هزینه نشر پول هم پس انداز می

بانکداری دولتی اگر درست تقویت و حمایت می شد، بیش از امروز دستاوردهای داشت. بانکداری خصوصی در حقیقت یک عامل بسیار عمده جهت بازسازی و ایجاد فرهنگ بانکداری در افغانستان بوده، تا جایی که مردم اصلًا باور نداشتند که به این زودی یک محل با اعتمادی در کشور ایجاد شود که بتوانیم پول های خود را در آن بگذاریم و پول ما مصون باشد. در حقیقت امنیت احساسی مردم در برابر بانکداری از میان رفته بود. با وجود آمدن بانکهای خصوصی یکی بی دیگری با حرکت های بسیار جالبی که آنها انجام دادند، اعتماد مردم را کسب کردند و سرمایه هنگفتی را به جریان انداختند. این بانکها ضمن آنکه فرهنگ پس انداز کردن و سرمایه گذاری را مجددًا زنده ساختند، یک حقیقت بسیار جالبی را به وجود آوردند که نحوه تبلیغات اقتصادی در سطح بالایی بود که این امر کاملاً یک پدیده نو در افغانستان می باشد. ما هرگز تبلیغات تجارتی در این سطح نداشتم، اما طی ده سال اخیر تبلیغات اقتصادی آنچنان اوج گرفت که ما اصلًا تصور آن را نداشتمیم. از سوی دیگر هیچگاه تصور نمی شد باورمندی که کاملاً از میان رفته بود، دو باره این چنین سریع به وجود بیاید. که یک جوالی و یک دکاندار کشور پول خود را در یکی از بانک ها بگذارد. درجرقه که در این اواخر در سیستم بانکداری ما بوجود آمد، بانک مرکزی و دولت حرکات معقولی را در این خصوص انجام دادند، گرچه زمزمه های جریان داشت مبنی بر این که بانک مرکزی کشور در مسایل بانکهای خصوصی دخالت کند، اما من بسیار طرفدار این حرکت ها هستم زیرا حمایت دولت از بانکهای خصوصی به نفع مردم است. از اینکه سرمایه های جمع آوری شده در بانکهای خصوصی در مسیر مناسبی سرمایه گذاری شده یا خیر، حرف جدایه است. ولی جمع آوری پول های پراکنده مردم در بانک های یک دستاورده بزرگ است. پول هایی که در افغانستان وجود دارد اگر به صورت درست مدیریت شود می تواند یک منبع خوبی در راستای سرمایه گذاری شود. طبق گزارش یک تحقیق کمپنی «مارکیت واج» که من در رأس آن قرار دارم، در حدود ۳۷ میلیارد دالر در داخل افغانستان در نزد مردم وجود دارد، اگر ما بتوانیم این پول ها را به بانک های سازیز کنیم، در حقیقت نوع حرکت های آمریکا و غرب را می توانیم انجام بدھیم، در آن کشور ها پول کمتر در انجام می دهند. پول در بانک ها است. تنها حرکت های حسابی انجام می شود یعنی روی کاغذ ها حرکت و کارت های ذخیره معاملات خود را بدون اینکه پول رد و بدل شود. از هزینه نشر پول هم پس انداز می



همکاری دیگر بانک ها در بخش زراعت کشور سرمایه گذاری نمایند. چون دولت اشتباهات و ضعف های بزرگی در این بخش داشته است، نه تنها زراعت و صنعت ما رشد نکرد بلکه بانک زراعتی، بانک صنعتی و بانک رهنی و تعمیراتی را از بین برده است. بر این اساس سکتور خصوصی باید به بخش زراعت که یک حرکت ملی است، توجه کند و خلای بانک های زراعتی، صنعتی و رهنی و تعمیراتی را پر کنند.

پرسش: چه پیامی برای مردم افغانستان در خصوص استفاده از خدمات و تسهیلات بانکداری دارید؟

پاسخ: یکی از عمدۀ ترین عاملی که می تواند دست ما را از گدایی کوتاه کند، عملکرد دقیق سیستم بانکداری است. مردم ما باید به سیستم بانکداری کشور اعتماد داشته باشند. در حال حاضر قدرت جذب اقتصاد ملی ما ۵ تا ۶ میلیارد دلار است در حالی که ما حدود ۳۷ میلیارد دلار در کشور داریم اگر این مبلغ به بانک ها انتقال یابد و در مسیر سرمایه گذاری شود که ریسک کمتری داشته باشد، نه تنها نیازی به گدایی نخواهیم داشت بلکه از واستگی به کشور های دیگر نجات خواهیم یافت. در صورتی که منابع سرمایوی داشته باشیم و آن را در مسیر مناسب به کار ببریم یقیناً ثبات کاری ایجاد می کند. ثبات کاری، ثبات اجتماعی ایجاد می کند و ثبات اجتماعی ثبات سیاسی ایجاد می کند. در این صورت ذخیره سربازگیری جنگویان تضعیف خواهد شد. مردم باید به بانک های خصوص اعتماد داشته باشند و در صورت ضرورت به تمویل پروژه های خود از امکانات آن استفاده نمایند. دولت هم از سکتور بانکی حمایت کند. متأسفانه بنا بر تفسیر غلطی که از نظام مارکیت در کشور می شود، سکتور خصوصی تضعیف شده است، از یک طرف در قانون اساسی می گوییم رهبری حمایة اقتصاد ملی باید به سکتور خصوصی واگذار شود و سکتور خصوصی حمایت شود، نه تنها حمایت نش بلکه ۱۰۰۰ دستگاه تولیدی با صد هزار نفر کارگر آن را به خاطر همین سیاست اشتباه آمیز از دست دادیم و ۲۵۰۰ دستگاه بوت دوزی را با ۱۵۰۰ کارگر ماهر آن از دست دادیم، ۲۷۰۰ کارگر دولتی را از دست دادیم در حالی که باید آنها بیشتر حمایت می کردیم. همین طور اگر بانک های خصوصی را دولت حمایت کند، یقیناً مردم نسبت به آنها اعتماد می کنند، تمام سرمایه های خود را به بانک ها انتقال می دهند، در این صورت رشد اقتصادی ما تضمین می شود.

-۲ تنظیم بیلانس تادیات: در اینجا هدف سوق دادن بیلانس تادیات یک کشور به سوی نقطه مطلوب است. البته گاهی بیلانس تادیات مثبت و گاهی منفی برای ما مطلوب است که این عمل را باید بانک مرکزی کشور تنظیم کند. ما در حال حاضر یک کشور وارداتی هستیم اما این مهم است که چیزی را باید وراد کنیم. بانک مرکزی باید سکتور های خصوصی را تشویق به تولید کند تا صادرات را تقویت کند و واردات را کاهش دهد. ارزش بولی را طوری تنظیم کند که صادرات و واردات ما در حد مطلوب باشد و دارای یک بیلانس تادیاتی مطلوب باشیم.

-۳ مسأله استخدام: بسیاری از مردم بر این باور اند که مسأله استخدام مربوط به وزارت کار و امور اجتماعی است در حالی که مسأله استخدام جز اساسی وظایف بانک مرکزی کشور است.

به هر صورت اگر صلاحیت ها و ساحه کاری بانک های خصوصی محدود شود، دخالت در امور بانک ها به شمار می رود و اگر دست آنها را کاملاً باز بگذاریم در حقیقت یکنوع انارشی باشکی را به وجود می اوریم که این امر بسیار مضر و مخرب است. البته باید میان بانک مرکزی و بانک های خصوصی یکنوع تقاضه و همانگی وجود داشته باشد و بانک مرکزی باشکه های خصوصی را به سوی یک هدف معینی که منافع ملی را در پی داشته باشد، سوق دهد.

پرسش: چه پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد غضنفر بانک دارید؟

پاسخ: من به هیأت رهبری غضنفر بانک پیشنهاد می نمایم چنانچه در بخش بانکداری اسلامی پیشناز هستند و دستاوردهایی هم داشته اند، به بخش بانکداری اسلامی بیشتر توجه کنند، میتودهای جدیدی را به کار ببرند که مطابق به شرایط ما باشد. در گام نخست تجربه کسب کردند و نشان دادند که می توانند بانکداری اسلامی را به نحو احسن اجرا کنند. از سوی دیگر جامعه ما آماده پذیرش فرهنگ بانکداری اسلامی هستند. باید نمایندگی های بانکداری اسلامی را گسترش بدene، آگاهی دهی را در این بخش افزایش بدene و با

- پرسش: بانک مرکزی افغانستان چه نقشی در رهبری بانکها و حفظ و ثبات ارزش پول دارد؟

پاسخ: بانک مرکزی در سراسر جهان وظایف مشخصی دارد، اما متأسفانه تفسیر نادرست از مواد قانون اساسی در افغانستان باعث شده است که در سیستم بانکداری ما یکنوع خواب برده‌گی، غفلت و تنبیه به وجود بیاید و در حقیقت اصل اساسی که اصل نظارت بانکی است، از بین برود. چون دانش بانکی ما فوق العاده بلند نیست حتی بانکهای خصوصی نظارت از بانک ها را به معنای تداخل وظیفوی و مداخله در امور بانک های خصوص می پندازند. در حالی که این طور نیست. دونوع نظارت از سوی بانک مرکزی صورت می گیرد، نظارت کمی و نظارت کیفی. نظارت کمی این است که باید چه مقدار کریدت داده شود تا انفلاسیون به وجود نیابد، البته تا ۳ درصد رشد قیم که منجر به تشویق تجار به سرمایه گذاری می شود، خوب است. منظور این است که به سوی انفلاسیون سریع و لگام گسیخته نزد. نظارت کیفی به این منظور صورت می گیرد که بانکداری خصوصی باید تشویق به سرمایه گذاری در بخش های مورد نظر شود. یعنی در یک سکتور معینی که در آنجا منافع ملی آن کشور در آن مطرح است، بیشتر سرمایه گذاری کنند. از سرمایه گذاری در جاهایی که ریسک بلند دارد جلوگیری شود تا حقوق فردی حفظ شود. از سوی دیگر بانک مرکزی با روابط تنگاتنگی که با صندوق وجهی بین المللی دارد، حرکات مناسبی را درجهت ثبات نسبی ارزش بولی انجام می دهد. البته در برخی موارد ارزش بالا و در برخی موارد ارزش پایین مطلوب است، نباید در یک تعادل ارزشی حرکت کنیم، قیمت مطلوب، ارزش مطلوب و استخدام مطلوب. بانک مرکزی سه وظیفه اساسی ذیل را انجام می دهد:

- کنترول قیم: کنترول قیم از طریق حرکات ارزشی بول تنظیم می شود. یعنی با استفاده از عوامل سیاست های پولی می تواند ارزش بول را بالا و پایین ببرد و این دو عمل مستقیماً روی قیمت ها اثر گذار است و قیمت ها را به یک مسیر مطلوب به حرکت در می آورد.



۴. استفاده از امتیازات مختلف اقتصادی درین کشورها مانند برخورداری از مواد اولیه و نیروی کار ارزانتر و تسهیلات مالیاتی.

۵. بعضی ملاحظات سیاسی مانند: کمک به تحکیم نفوذ کشور سرمایه‌گذار در کشور سرمایه‌پذیر.

۶. برخی ملاحظات اجتماعی، مانند: فشار مردم در کشورهای صنعتی روی سرمایه‌گذاران برای حفظ محیط زیست، باعث می‌شود که بعضی از صنایع بخصوص صنایع آلوده کننده به کشورهای را به توسعه انتقال داده شودند.

در مورد آثار و نتایج این سرمایه‌گذاریها نیز نظریات متعدد موافق و مخالف وجود دارد. موافقین سرمایه‌گذاریهای خارجی به این باور هستند که فعالیت سرمایه‌های خارجی در کشورهای را به توسعه عامل مثبت در جهت رشد و توسعه اقتصادی این کشورها می‌باشد. آنها چنین استدلال می‌کنند که مهمترین موافع رشد اقتصادی در کشورهای را به توسعه کمبود شدید سرمایه و تکنولوژی است که شرکتهای خارجی با سرمایه خود می‌توانند به رفع این موافع کمک کنند. علاوه از آن شرکتهای مذکور با فعالیت خود درین کشورها شیوه‌های جدید مدیریت صنعتی را نیز به این کشورها منتقل می‌کنند. همچنان از طریق ایجاد رقابت باعث فعالتر شدن شرکتها و مؤسسات داخلی این کشورها می‌شوند و بالاخره باعث ارتقای بازدهی اقتصادی، تنظیم بازار و بهبود رفاه در این کشورها می‌شوند. اما مخالفین سرمایه‌گذاریهای خارجی با دید دیگر به این فعالیت‌ها نگریسته و به این باور هستند که فعالیت سرمایه و شرکتهای خارجی در کشورهای را به توسعه باعث تداوم عقب مانده گی و وابستگی این کشورها شده و تصاحب منابع این کشورها روند توسعه اقتصادی این کشورها را تحت کنترول خود در می‌آورند و آنرا به سمت وابستگی دائمی سوق می‌دهند. و مهمترین این نظریات عبارتند از:

جهانی چهار مرحله را طی می‌کند: در مرحله اول در یک کشور صنعتی محصول جدید تولید شده و بازار داخلی عرضه می‌شود. در مرحله دوم بازار داخلی اشباع می‌شود و آن محصول به کشورهایی که تقاضای بلندی در آن وجود داشته باشد صادر می‌شود. در مرحله سوم بعد از اینکه بازار خارجی توسعه یافته این محصول از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم در آنده کشورهایی که زمینه فروش بیشتر وجود دارد تولید می‌شود و در مرحله چهارم محصول تولید شده در کشورهای خارجی دوباره به کشور مبدأ یعنی کشوری که خود تولید کننده اولیه آن کالا بود، بر می‌گردد.

نظریات متعدد دیگری نیز وجود دارند که هر کدام این نظریات بر یک یا چند متغیر دخیل در سرمایه‌گذاری خارجی تأکید کرده‌اند. لاتن وجه مشترک همه این نظریات باور داشتن به نوعی (مزیت نسبی) برای فعالیت سرمایه در خارج از کشور است. و هر یک ازین نظریات بخشی از علل اقتصادی سرمایه‌گذاریهای خارجی و گسترش فعالیتهای شرکتهای فراملیتی را توضیح می‌دهد. در پہلوی آن می‌توان به عوامل اقتصادی دیگری از قبیل دسترسی ساده تر و ارزانتر به مواد اولیه در کشور سرمایه‌پذیر نیز اشاره کرد. و همچنان بعضی علل و ملاحظات سیاسی و اجتماعی را نیز نباید از نظر بدور داشت.

درمجموع مهمترین علل سرمایه‌گذاری در کشورهای روبه توسعه را می‌توان ترکیبی از علل و ملاحظات اقتصادی و سیاسی قرار ذیل یاد آور شد:

۱. موجودیت سرمایه اضافی در کشورهای صنعتی و تمایل این سرمایه به فعالیت در خارج کشور بخصوص در جاهایی که فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاریهای سودآور وجود دارد.

استفاده از نیروی کار ارزان در کشورهای روبه توسعه. ۲. عده دیگر علت صدور سرمایه را محدودیت بازار فروش داخلی قلمداد نموده استدلال می‌کنند که با سرمایه‌گذاری در خارج چون چرا و به صورت طبیعی این سرمایه‌ها به سمت خارج حرکت می‌کنند.

۳. بعضی هم برای سرمایه‌گذاری در خارج یک شکل زمینه بهتر فروش محصولات تولید شده وجود دارد. وسیع تر برخی از محصولات تولیدی شرکتهای خارجی وجود دارد.

درمورد اینکه چرا کشورهای پیشرفته صنعتی به طور عمده به سرمایه‌گذاری در مناطق خاص می‌پردازند نظریات متعددی وجود دارد که محتواهای این مقاله نیز روی همین موضوع می‌چرخد تا علل و عوایق این سرمایه‌گذاریها روشن شود.

چنانچه عده به این باور هستند که صدور سرمایه نتیجه طبیعی نظام سرمایه داری و ادامه روند ابانت سرمایه است. توسعه تولید سرمایه داری ایجاب می‌کند که به طور دامدار بر میزان سرمایه به کار گرفته شده در یک واحد صنعتی افزوده شود. چنین کاری مستلزم تداوم سودآوری سرمایه است، اما با گسترش سرمایه و روابط‌های ناشی از آن روز بروز زمینه برای سود آوری سرمایه تنگتر می‌شود. درین حالت دو راه برای سرمایه‌گذاران وجود دارد:

یکی ادغام سرمایه‌ها و کاستن از رقابت بین آنها (انحصاری شدن سرمایه داری) و دیگری جستجو زمینه‌های سرمایه‌گذاری در خارج (صدر سرمایه) با این استدلال مخالفین سرمایه‌گذاریهای خارجی تلاش صاحبان سرمایه برای دستیابی به نیروی کار ارزان تر و بازار فروش وسیعتر در خارج مزهای کشور متبع خویش دانسته‌اند.

لکن برخی دیگر علت صدور سرمایه را در تفاوت نرخ بازدهی سرمایه می‌دانند، آنها استدلال می‌کنند که اگر بازدهی سرمایه (سود) در خارج از کشور صاحب سرمایه بیشتر باشد بدون چون چرا و به صورت طبیعی این سرمایه‌ها به سمت خارج حرکت می‌کنند.

عده دیگر علت صدور سرمایه را محدودیت بازار فروش داخلی قلمداد نموده استدلال می‌کنند که با سرمایه‌گذاری در خارج گاهی هم غیر مستقیم به فعالیت اقتصادی در کشور سرمایه‌پذیر دست می‌زند. در بسیاری اوقات در حالت غیر مستقیم، سرمایه خارجی به صورت کمکهای مالی یا وام به دولت یا مؤسسات خصوصی کشور می‌بین داده می‌شود، تا آنها خود دست به فعالیت اقتصادی بزنند.

عوامل و پیامدهای سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای روبه توسعه

معاون سرمحقق شیرعلی تزری



توضیح در زمینه اقتصاد داخلی کشورهای روبه توسعه بدون توضیح فعالیت سرمایه خارجی در این کشورها نا مکمل خواهد بود. لذا درین مقاله خواستیم تا به صورت اجمال این موضوع را به بحث گرفته جنبه‌های مثبت و منفی موضوع را از نظر موافقین و مخالفین سرمایه‌گذاریهای خارجی در کشورهای روبه توسعه بررسی و روشن نمایم.

میرهن است که سرمایه‌مانند آب روان به جایی می‌رود که بتواند از آن منفعتی را حاصل نماید. آنچه در مباحث اقتصاد سیاسی بین المللی به صدور سرمایه مسمماً است، ریشه در این خصوصیت سرمایه و نظام سرمایه داری دارد. صدور سرمایه اشکال مختلف دارد، گاه به صورت مالی و زمانی به شکل تجهیزات سرمایه‌ی و یا هم ترکیبی از هر دوی این هاست. گاه مستقیم است و گاهی هم غیر مستقیم به فعالیت اقتصادی در کشور سرمایه‌پذیر دست می‌زند. در بسیاری اوقات در حالت غیر مستقیم، سرمایه خارجی به صورت کمکهای مالی یا وام به دولت یا مؤسسات خصوصی کشور می‌بین داده می‌شود، تا آنها خود دست به فعالیت اقتصادی بزنند.



رویه‌مرفته از آغاز دهه ۱۹۷۰ میزان استقراض و بدیهی‌ای کشور های رو به توسعه به شدت افزایش یافت. که مهمترین عل آن عبارتست از: افزایش عرضه پول از سوی محافل مالی بین المللی (وام دهنده‌گان) و همچنان افزایش تقاضا برای دریافت وام در میان کشور های رو به توسعه بود.

خصوصیات قرضه پرداختی به کشور های جهان سوم این بود که قسمت بزرگ این وامها به عنوان کمکهای مالی به کشور های رو به توسعه داده می شد و بیشتر این کمکها در سالهای ۱۹۷۰ دولتی بودند و هدف آنها هم کمک به حل معضلات حاد کشور های قرضه گیرنده بود؛ مانند کمبود مواد غذایی، کمکهای نظامی و امنیتی، و همچنان کمک به توسعه اقتصادی این کشور ها بود. اما بعد از دهه ۱۹۷۰ دیگر وامها با انگیزه کمک به حل مسایل مذکوره اعطانی شد، بلکه به صورت یک فعالیت اقتصادی (مالی) سود آور برای مؤسسات مالی و پول وام دهنده تلقی می شد. بویژه اینکه روز به روز سهم مؤسسات خصوصی در اعطای این وامهای اضافه می شد.

بکی دیگر از ویژگیهای این وامها اینست که وام دهنده گان همواره نقش مهم و تعیین کننده ای در گزینش وام گیرنده‌گان و همچنین زمینه های مصرف این وامها دارند. بنابر این وام دهنده چه دولتی و چه خصوصی همواره منافع و مصالح سیاسی و اقتصادی خود را در نظر دارند. به طور مثال: تقریباً تمامی قرضه های اعطای شده طی چند دهه اخیر به کشور های داده شده است که هم به لحاظ سیاسی - نظامی و هم لحاظ رویکرد های اقتصادی در بلوكی که تعهد بیشتری به الگو های توسعه سرمایه داری و یا استراتیژی های سیاسی - امنیتی غرب داشته اند.

حجم قرضه های برخی از این کشور ها به اندازه بود که گاه بیش از کل ارزش تولید نا خالص داخلی و یا بیش از پنج برابر کل ارزش صادراتی سالانه این کشور ها را تشکیل می داد.

سرمایه و شرکتهای فرامیلتی در کشور های رو به توسعه هم استفاده از نیروی کار ارزان آنها است.

به صورت کل گسترش سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی و فعالیت شرکتهای فرامیلتی در کشور های رو به توسعه از یکسو فرصتها و امکانات جدیدی را برای این کشور ها گشوده است واز سوی دیگر آنها را با مسائل جدیدی رو برو کرده است. همین جنبه خارجی از آثار و پیامدهای مثبت و منفی برخوردار می باشد که هردوی این آثار باید به طور بی طرفانه مورد بررسی قرار گیرند.

- از معافیتهای مالی به مثابه مشوق سرمایه گذاری مانند تنظیم منابع داخلی و هدایت آن به طرف سرمایه گذاری می

تواند بخشی از این سرمایه را جریان کند. البته موانع و محدودیتهای زیادی در این راه وجود دارد. چرا که در بسیاری از کشور های رو به توسعه این منابع بسیار ناچیز بوده و فقر بیداد می کند. سطح پایین در

- همواره مراقب فعالیت شرکتهای خارجی بوده و با ضعف پس انداز و سرمایه گذاری به نوبه خود باعث کاهش عاید و استمرار فقر می گردد. تامین سرمایه از طریق صادرات مواد اولیه در این کشور ها نیز با مشکلات آتی مواجه است: اول اینکه این کشور ها بر بازار جهانی کنترول چندانی ندارند و معمولاً قیمت مواد اولیه و نرخ تبادله به ضرر شان تغییر می کند. دوم اینکه به دلیل ویژه گیهای اجتماعی و سیاسی این کشور ها معمولاً بخش اعظم عواید ناشی از صادرات مواد اولیه در آنها صرف واردات کالا های مصرفی یا تسهیلات نظامی می شود و چیزی برای واردات کالا های سرمایوی باقی نمی ماند. بنابر این می توان گفت که سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فعالیت شرکتهای چند ملیتی یکی از محدود راه های تامین سرمایه برای کشور های رو به توسعه می باشد.

این عقیده هم وجود دارد که سرمایه گذاری های خارجی حداقل در زمینه ایجاد فرصتهای شغلی نقش اساسی در کشور های مالی کشورها و سازمان های مالی بین المللی قرضه اخذ نمایند.

مجموعه از ارزشها و الگوهای رفتاری و معاشرتی را با خود به این کشور های می برنند که با فرهنگ بومی این کشور ها نا سازگار است.

دیده می شود که هر یک از این دو دیدگاه مخالف بیشتر به یک جنبه از پیامدها و آثار فعالیت شرکتهای خارجی در کشور های رو به توسعه توجه کرده است، در حالیکه سرمایه گذاریهای خارجی از آثار و پیامدهای مثبت و منفی برخوردار می باشد که هردوی این آثار باید به طور بی طرفانه مورد بررسی قرار گیرند.

هیچ شکی وجود ندارد که کشور های رو به توسعه برای رشد و توسعه خویش شدیداً به کمیو سرمایه مواجه اند، اما راه تأمین این سرمایه باز کردن در های این کشور ها به روی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیست. بلکه دولت از طریق اعمال سیاستهای مناسب مانند تنظیم منابع داخلی و هدایت آن به طرف سرمایه گذاری می

تواند بخشی از این سرمایه را جریان کند. البته موانع و محدودیتهای زیادی در این راه وجود دارد. چرا که در بسیاری از کشور های رو به توسعه این منابع بسیار ناچیز بوده و فقر بیداد می کند. سطح پایین در

- آمد مانع عدمه در راه پس اندازه و سرمایه گذاری بوده و بالمقابل سیاستهای موثری را برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط داخلی در پیش گیرند و همچنان درصد جلب شرکتهای کوچک خارجی باشند.

- همواره مراقب فعالیت شرکتهای خارجی بوده و با عقد قرارداد اولیه با این شرکتها و ظیفه خویش را تمام شده تلقی نکنند، بلکه تا زمانی به آنها اجازه فعالیت بدنهند که ادامه کار آنها ضرری به منافع ملی کشور وارد ننماید.

با درنظر داشت مطالب فوق الذکر اقتصاد کشور ها بخصوص کشورهای عقب مانده ضرورت دارد که در پهلوی تشویق و به کارگیری سرمایه های مستقیم خارجی، خود هم در امور اقتصاد عامه سهیم و نقش ایفا نماید که این سهمگیری نیاز به منابع مالی دارد. چنانچه در بالا مذکور شدیم که در کشورهای عقب مانده سهم این عقیده هم وجود دارد که سرمایه گذاری های خارجی

حداقل در زمینه ایجاد فرصتهای شغلی نقش اساسی در کشور های مالی کشورها و سازمان های مالی بین المللی قرضه اخذ نمایند.

- سرمایه هایی که به وسیله شرکتهای خارجی به کشور های رو به توسعه وارد می شود به مقایسه با آنچه که از این کشور ها در اثنای فعالیتهای خود به اشکال مختلف به کشور خود بر می گردانند، بسیار ناچیز است. به طور مثال این شرکتها در مقابل سرمایه گذاری اولیه اندک از راه های مختلفی مانند استقراض (استفاده از اعتبارات کشور میزبان)، سرمایه گذاری مجدد در عملیات مالی شرکتهای تابعه در دیگر کشور و به همین ترتیب انتقال سود خالص، باعث خروج مستقیم سرمایه از کشور میزبان می شوند. همچنین از راه های مختلفی مانند حساب سازی و استفاده از قیمتیهای انتقالی (قیمتیهای که در مبادلات داخلی شرکتها اعمال می شودو با قیمت بازار متفاوت است) از زیر بار مالیات در کشور میزبان فرار می کند و در موارد زیادی از معافیتهای مالیاتی و دیگر امتیازات در این کشور ها نفع می برنند.

- سرمایه های این شرکتها معمولاً در بخش های به کار می افتد که ارتباط چندانی با نیاز های اقتصادی اصلی کشور های میزبان ندارند. این سرمایه ها و شرکتها معمولاً در بخش های معدن و استفاده از منابع طبیعی کشور های متذکره به کار می افتد.

- فعالیت سرمایه ها و شرکتهای خارجی در کشور های رو به توسعه در بسیاری موارد نه تنها باعث فعالتر شدن و ترقی موسسات داخلی این کشور ها نمی شود، بلکه سبب تضعیف و ورشکستگی آنها نیز می شوند، چراکه سطح بالای سرمایه، تکنولوژی و مدیریت بازاریابی آنها امکان رقابت را از شرکتهای داخلی می گیرد.

- حضور سرمایه ها و شرکتهای خارجی علاوه بر تسلط اقتصادی باعث نفوذ و تسلط سیاسی بر کشور های میزبان می شود. این شرکتها از طریق دادن رشوت تلاش می نمایند تا نفوذ و تسلط خود را بر دولت مردان این کشور هامستحکم سازند.

- بالاخره حضور و فعالیت شرکتهای خارجی در کشور های رو به توسعه باعث ایجاد برخی تشهیای اجتماعی و تعارضات فرهنگی در این کشور ها می شود، زیرا عوامل این شرکتها معمولاً

تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک تجارت و اقتصاد شما را استدکام و رونق می بخشد

تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک

غضنفر بانک با سرمایه گذاری و پیشکش امکانات و تسهیلات وسیع مالی و قرضه دهی جهت توسعه و ترقی تجارت در افغانستان از طریق بانکداری اسلامی و بانکداری عمومی و ارایه خدمات سریع، مطمئن و با کیفیت، افتخار خدمت به شما را دارد.

چگونگی قرضه ها و پیش پرداخت ها:

الف - قرضه دهی بانکداری عمومی

- قرضه های بزرگ (قرضه های میعادی، اضافه برداشت Overdraft)، قرضه اتصالی، تمویل مالی برای جایداد های ثابت ... و غیره).
- قرضه های متوسط (قرضه های میعادی، اضافه برداشت Overdraft)، تمویل جایداد های ثابت ... وغیره)

ب - سرمایه گذاری / تمویل مالی اسلامی:

- تمویل مالی / سرمایه گذاری های بزرگ به اساس (مشارکه، مشارکه تنقيصی ، مرابحه و غیره).
- تمویل مالی / سرمایه گذاری های متوسط به اساس (مشارکه ، مشارکه تنقيصی ، مرابحه و غیره).

ج - تمویل تجارت

- گرفتنی نامه های بانکی
- صدور اعتبارنامه های بانکی (لیتراف کریدت)



اهمیت نیست. اصولاً بحرانهای اقتصادی واجتماعی در مراحل حاد خود به بحرانها سیاسی تبدیل می شوند.

بی ثباتی و نا آرامی های سیاسی در داخل این کشورها به عنوان عکس العملی در مقابل بحرانهای اقتصادی و اجتماعی همواره محتمل است. در اصل توسعه اقتصادی مبتنی بر استقراض خارجی در کشورهای رو به توسعه بیش از پیش کنترول انبیاشت و هدایت سرمایه و به پیروی از آن کنترول اقتصادی این کشورها را از دست دولت و جامعه ملی خارج نموده و آن را به دست کشورها و مؤسسات خارجی می دهد. و آنها را وابسته به کشورهای قرضه دهنده می سازد، لذا باید دراستفاده از سرمایه گذاریهای خارجی محظاطانه عمل نموده و سیاستهای مناسبی اقتصادی در زمینه تنظیم و عملی شود. در غیر این صورت به جای کاهش فقر و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی دهه ها مشکل را در پی خواهد داشت.

لکن کشورهای متذکره در باز پرداخت قرضه و ربح آن نا توان بودند. ناتوانی آنها در باز پرداخت و امها و تعهدات شان باعث کاهش تمایل بانکها و مؤسسات بین المللی پرداخت وامهای جدید به این کشورها شد. بر علاوه با نکهای قرضه دهنده بعضاً تا چند برابر سرمایه و دارایهای خود وام پرداخت کرده بودند که این عمل آنها را با مشکلات زیادی مواجه کرد و باعث شد تبارای به دست آوردن دوباره قروض خویش در قدم اول از گسترش بیشتر بحران و تبدیل آن به یک مسئله مهم سیاسی جلوگیری کنند. و به کشورهای مغروض نشان می دادند که چاره جز انجام تعهدات خود ندارند، لذا آنها را وادر می کردند تا سیاستهای ریاضت کشانه (کاهش واردات و افزایش صادرات) به منظور باز پرداخت وامهای خویش در پیش گیرند و از دادن قرضه های جدید خود داری می کردند. بر عکس رهبران کشورهای روبه توسعه تلاش داشتند تا بحران را به یک مسئله ملی تبدیل کرده و مسؤولیت آنرا به دوش کشورهای قرضه دهنده انداخته از آنها بخواهند تا از اخذ قروض خویش صرف نظر نمایند. آنها استدلال می کردند که از یک طرف اقتصاد ضعیف و ورشکسته کشورهای مغروض امکان باز پرداخت این قروض را ندارد و از سوی دیگر بخش بزرگ قرضه های دریافتی کشورهای مغروض به اشکال گوناگون دوباره به کشورهای قرضه دهنده برگشته است. لاکن این تلاشها به جایی نرسید و نتوانست مشکلات را حل کند. صرف به شکل مقطعي می توانست بحران را کاهش دهد.

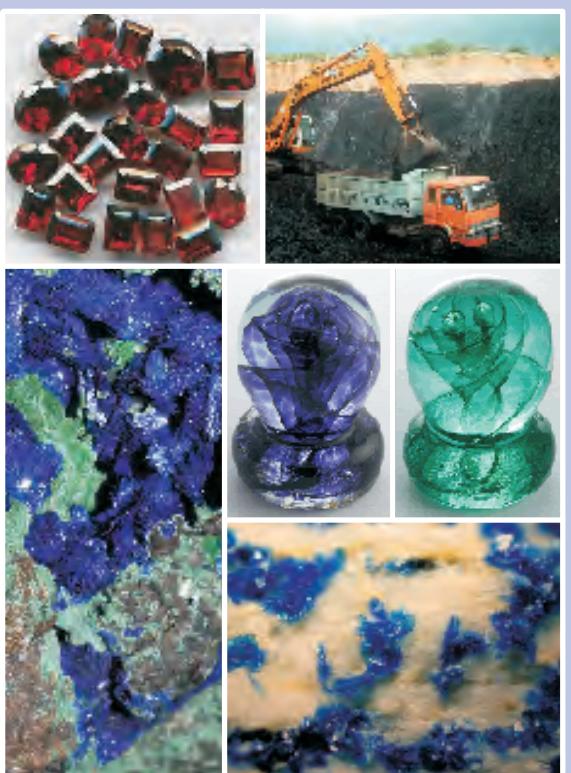
مسایل ناشی از استقراض و بدھیهای خارجی در کشورهای رو به توسعه در محدوده اقتصادی باقی نمانده، بلکه آثار خود را در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشورها نیز نشان داد. تورم فوق العاده (همراه با رکود)، باعث تشید فقر گردیده و زمینه ساز بروز سایر نابسامانیهای اجتماعی مانند فساد و فحشا درین کشورها گردید. آثار و عواقب سیاسی این بحران نیز کم



افراد در بخش های تخصصی و عادی تولیدی، توسعه فناوری و جلب تکنولوژی معاصر، فرآگیری مدیریت نوین و گذار به صنعتی شدن و تجارتی شدن اقتصاد می باشد.

اثر قطبی این سرمایه گذاری ها شامل توسعه سایر بخش های اقتصادی مانند ایجاد زیر ساخت ها، به هدف حمل نقل مواد، تهیه انرژی، ایجاد شهرک ها و مؤسسات مرتبط به آن، توسعه زیرساخت های شهری، گسترش نهاد های اجتماعی آموزشی و فرهنگی را در بر می گیرد.

سر انجام با تحول در گستره کاربرد منابع طبیعی، مافع ملی نیز شکل گرفته و بر مبنای درآمد های حاصل از کاربرد این منابع وحدت اعتتماد به نفس و انکا به خود در کشور تامین گردیده و مردم افغانستان با کار وسیع و همه جانبه خود آمال و آرزو های شان را برای بر پایی نظام اقتصادی حافظ منافع ملی، تبارز خواهند داد.



افغانستان با توجه به وضعیت کنونی و ورشکسته خویش نمی تواند از این همه داشته های طبیعی و ثروت خویش به طور بهینه و مؤثر بهره برداری کند و نیاز مند جلب مؤسسات و نهاد های بیرونی برای استخراج و بهره برداری منابع معدنی و زیرزمینی خود می باشد.

کشور ما برای مشارکت در این پروژه های عظیم اقتصادی و فنی کادر لازم توانا و هدفمند را نیاز مند است که اولاً دارای سطح عالی تخصص در بخش های فنی و کارشناسی بوده و همزمان تعهد عمیق و پیوند مستحکم با منافع ملی را نیز از خود داشته باشند. مطالعه تختیکی و اقتصادی هر یک این معادن را با جزئیات تنظیم نموده و در روشنی قوانین معیاری و دقیق نیز توانایی تحلیل و ارزیابی قرارداد ها و طرح پروژه های پیشنهاد شده را نیز فرا گرفته باشند.

قوانين معیاری حافظ منافع ملی گام دیگریست که به این فرایند زمینه تحقق و اجرایی شدن را مساعد می سازد، قوانینی که معافیت مالیاتی، تضمینات مطمئن، انتظام دقیق امور کلی و جزئی پرسوه، فراهم آوری فرصت های سرمایه گذاری با توجه به ایجاد زیرساخت های مطمئن، انتقالات مصیون، احداث خط آهن، تامین انرژی و آب را زمینه ساز گردد.

مسلمانًا چالش هایی در مسیر عملیاتی شدن و اجرایی نمودن قرارداد های بهره برداری از معادن نیز متصور است که بیش از همه امنیت شکننده و ناتوانی در حفظ امنیت مسیر تردد و نقل انتقال پرسونل و مواد قابل انتقال مورد ضرورت این پروسه را نیاید دست کم گرفت زیرا دشمنان مردم افغانستان "پاشینه آشیل" آن یعنی حمله بر تأسیسات و گروگان گیری افراد ملکی مؤسسات جانب قرارداد دولت افغانستان را نیز انجام داده اند که در این مورد همکاری نهاد های امنیتی و حمایت مردم از پروژه ها و منافع مستقیم شان می بايست بر جسته گردد.

جلوگیری از فساد در روند سرمایه گذاری، شفافیت و حساب دهی به مردم، مدیریت و رهبری مدیرانه، جلوگیری از نفوذ عوامل غارت گر داخلی و خارجی، رویکرد به داوطلبی های شفاف، جلوگیری از آلودگی محیط زیست، توانمند سازی نهاد های حافظ منافع ملی و اولویت قایل شدن به آنان در قرارداد ها در صورت تبارز توانایی ها، از مسائل اصلی و عمده ای اند که به سالم سازی این پروسه می انجامد.

پیامد تسریعی سرمایه گذاری روی معادن و منابع طبیعی افغانستان عمدها در بر کیرنده ای از دیاد در آمد و تمویل سرمایه از منابع ملی، تامین مالی بودجه برای مصارف عادی و توسعه ای، از دیاد اشتغال

افغانستان با کمبود جدی سرمایه مالی از در آمد داخلی مواجه بوده و این محدودیت بر فرایند بهره برداری از منابع آبی و ایجاد زیر ساخت های ممد توسعه در سال های اخیر تاثیر ناگواری وارد آورده است. زیرا کشور های کمک کنند مایل به راه اندازی و تحقیق پروژه های زود ثمر و مقطعی بوده و از اعطای کمک به بخش های اشتغال آور و در آمد زای اقتصادی تا کنون انصراف ورزیده اند. با توجه به نیاز مندی میرم وجود منابع سرشار معدنی در افغانستان اکنون این زمینه قسمًا فراهم آمده است تا با معرفی داشته های طبیعی خود، جریان انباشت سرمایه و اتکا به خود را در بخش معادن و سایر داشته های طبیعی مورد توجه قرار دهیم.



بنابر سروی ها و مطالعات زمین شناسی گذشته و کنونی، افغانستان دارای معادن بزرگ آهن، مس، طلا، سرب، کوبالت، کرومیت، جست، بیرایت، لیتیم، زغال سنگ، نفت، گاز، احجار قیمتی و نیمه قیمتی، نمک، سلفر، یورانیم و ... می باشد که از حیث داشتن تنوع منابع معدنی، امتیاز بیژه ای را دارا است. سروی های انجام شده توسط نهاد های بیرونی با احتیاط ارزش تخمینی این منابع را بالغ به یک هزار میلیارد دلار پیشیبینی می کنند که این یافته ها نیز مبتنی بر سروی کلی و همه جانبه جغرافیایی کشور نمی باشد. ارزیابی های کارشناسان داخلی ارزش نهفته این منابع را بیش از سه هزار میلیارد دلار تخمین نموده اند که در واقعیت ارزش اقتصادی و پیامد های بهره برداری آن به مراتب بیشتر از این محاسبات کمی می باشد.

امکانات بهره برداری از منابع معدنی افغانستان چالش ها و پیامد ها

پوهنیار سیف الدین سیحون

منابع طبیعی توأم با سایر عوامل دیگر مانند نیروی کار، سرمایه، فناوری، مدیریت و اجرایی کردن سیاست های هدفمند ملی، عامل توسعه اقتصادی بوده و با کاربرد بهینه و مؤثر این منابع امکانات انباشت سرمایه به هدف سرمایه گذاری در بخش های گوناگون اقتصادی و اجتماعی فراهم می گردد. بهره برداری منابع طبیعی در پیشرفت و توسعه صنعتی، دگر گونی جغرافیایی و ایجاد شبکه های حمل و نقل، رشد مهارت های فنی و تخصصی نیروی انسانی نیز مؤثر بوده و موجب تسلط بیشتر انسان بر محیط پیرامون و بهره برداری مفید سایر منابع می گردد.

اثر بخشی منابع طبیعی بر توسعه از یک سو شامل استخراج و عرضه این منابع به سایر کشورها و تدارک وجوه برای سرمایه گذاری در سایر رشته ها را اختوا کرده و از سویی می تواند کاربرد مصرفی برای تولید فراورده های داخلی نیز داشته باشد، که در هردو مورد شرایط توسعه اقتصادی را برای کشور فراهم می سازد. تردیدی نیست که وفور منابع طبیعی در توسعه اقتصادی نقش مهم داشته و کشور می تواند در آمد حاصل از فروش این منابع را در بخش های عمرانی به مصرف برساند. افغانستان که با کمبود سایر منابع مؤلد و محدودیت سرمایه از جانبه است، بهربرداری از منابع طبیعی نیز عامل مؤثر بودن سرمایه گذاری روی اعمال انسانی و رشد فنی و علمی بهره برداری صورت نگیرد، منابع طبیعی به تنها عامل رفاه و آسایش انسانی پنداشته نمی شود.

منابع طبیعی مانند زمین، آب ها، مواد معدنی فلزی، سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی، معادن نفت و گاز، از یک سو در فرایند رشد اقتصادی کاربرد تولیدی و فنی داشته و از سویی عامل جلب سرمایه به هدف تحقق توسعه اقتصادی برای ایجاد تاسیسات عمومی، ساختمان ها، کار خانه ها، تهیه ماشین آلات تولیدی بخش های کشاورزی و صنعتی و از دیگر مواد خام مؤثر بوده دسترسی اقتصاد را به رشد بیشتر مساعد می گردد.



اقتصاد کې د پیسو د تنظیم لپاره پر اغیزمنې تقاضا تأثیر واردوي پولی سیاستونه بولی. پولی پالیسی. دندہ لري تر خود هغه پیسو پر حجم چې په جريان کې دی کنترول ولري او اداره بې کړي. د لوري او پرله پسې بوختیا، دوامداره اقتصادي وده، پیسو ته د پېرلو معقول خواک ورکول، د بیو ثبات، په تکت پوليو او په مالي بازارونو کې ثبات، د خارجي سوداګری پراختیا او د مثبت بیلانس را منځنه کول د هری پولی پالیسی. اهمی دندې دي. د پولی سیاستونو عملی کول او د هغې موخي پیاده کول خانته وسیلې او د عمل لاري لري، چې د هغې جملې نه چې د پیسو ارزښت په ساتلو کې مهمه ونډه او اغیزه لري، د پرانیستې بازار وسیلې ده. دا وسیلې چې زموږ په هیواد کې په کال ۱۳۸۲هـ. کې د مرکزی بانک (افغانستان بانک) او سوداګریزو بانکونو د دندو د جلا کیدو نه وروسته د افغانستان بانک له خوا د (افغانی) د ارزښت د ساتلو په خاطر دیره کارول کېږي، په تولنه کې په جريان کې پیسو د را تولو په خاطر د اسعارو لیلام دی. د تر لاسه شوېو معلوماتو په اساس د افغانستان بانک هره میاشت دوه درې څله هر وارد ۱۰۰ نه تر ۱۲۰ ملیونه دالر آزاد بازار له لاري لیلامو. دا عمل په دېرو هیوادونو کې د یوې وسیلې په توګه کارول شوی او ممکن او س هم تری کار واخیستل شي. نو مونږ هم د رغافونی د بهير د پرمخ بیولو لپاره د هغى کارولو ته او و او کیدای شي ئینې وختونه په وروسته کې هم اړينه وسیلې وي، اما نه د تل لپاره، زما په نظر زموږ غوندی هیواد چې اقتصاد بې استهلاکي اقتصاد دی د دېرې مودې لپاره ددې وسیلې نه کار اخیستل مثبته پايله ناري مونږ باید د تولیدي اقتصاد د بنستونو د اینښو د په لته کې شو او هڅه وکړو د ملي عوایدو د لاسته راولو او زیاتولو له لاری د خپلو ملي پیسو ارزښت لوړ کړو څکه چې اته کاله وشول چې مونږ دالر لیلامو او د (افغانی)، ارزښت په تصنيع بنه ثابت ساتو. هغه ګټه او عواید چې د ملي زیرمو له درکه لاسته راخې، ددې په خای چې د راتلونکی اقتصاد بنستونو د پیاوړی کولو په خاطر ولګول شي په دې لاره کې لګول کېږي.

خرنګه چې په دې تیرو کلونو کې د بهرنه د پریمانه پیسو د راتګ سرسره مونږ ونشوای کولای د تولیدي اقتصاد د بنستونو تاداو کېږدو. نشي چې سبا د خورو لپاره دی پیسو ته اړ شو او بیا به د (افغانی) د ارزښت د ثبات لپاره خه کوو؟

په نړۍ کې د هیوادونو د بیلابیلو سیاسي-اقتصادي سیستمنو په نظر کې نیولو سره د یو کل په توګه مرکزی بانکو لاندې دندې په غاره لري:

- د دولت لپاره بانکی عمليات تر سره کول
- بانکنوت او سکې نشرول
- وروستني پور ورکونکي
- د پولی سیاستونو جورونکي او اجرا کونکي
- د بانکونو پر چارو باندې نظارت کونکي
- د پیسو او اعتبار د سیستم کنترولونکي
- د سوداګریزو بانکونو تر منځ د معاملاتو پر مخ بیونکي
- چې په کال ۱۳۱۱هجري شمسی کې د دولت او یوه ډله سوداګروله خوا د سهامي شرکت په بنه تأسیس شو او پنځه کاله وروسته په د ۱۳۱۶هـ ش کال کې د یوه بانک په بنه بې په فعالیت پیل وکړي. دې بانک د نورو بانکی دندو د پرمخ بیولو سربیره، د مرکزی بانک دندې لکه د پیسو نشرول او د اسعارو پېړ او پلور تر سره کاوه. په ۱۳۱۸هـ. کال کې د مرکزی بانک د دندو د پرمخ بیولو په موخه د افغانستان بانک تأسیس شو چې لمونې پانګه بې ۱۲۰ میلونه افغانی وه او په پیل کې ددې پانګې یوه اندازه ملي بانک ورکړي وه چې وروسته بیا د ملي بانک ونډه دولت واخیسته. د افغانستان مرکزی بانک د افغانستان همدي وجه ده چې ویل کېږي چې مرکزی بانک دولت بانک د تاریخی خپل تأسیس له وخته د ۱۳۸۲هـ. کال د وړی تر ۲۷ مې چې په هیواد کې د مرکزی بانک قانون نافذ شو د یوه مرکزی بانک د دندو ترڅنګ د سوداګریزو بانکونو دندې هم پر مخ بیولی دی، په دې معنا چې د بانکی تسویو او تجارتی داخلی او خارجی معاملاتو، د بانکنوت د نشوولو ترڅنګ بې خصوصي او دولتي سپارني منلي او اورډ مهاله بورونه بې وګړو، خصوصي او دولتي سوداګریزو، صنعتي او خدماتي تصدیو ته ورکړي دی او دولت بې د بودجې د کسر په وخت کې خه نا خه تأمین کړي دی.

همدا راز مرکزی جوته کوي چې د مرکزی بانکونو د رامنځته کیدو نه مخکې بانکونو تولی بانکی چارې په بنه د خان سره وساتي او کله چې کوم یو بانک د نغدو پیسو د ستونزو سره لاس او ګریوان شي او په آزاد بازار د پیسو بازار خڅه د تکتاني د لوړوالي او نور عواملو له کبله د خپلې او پیا وړانګه تر لاسه نشي کړاي مرکزی بانک هغه ته د هغه د خپل حساب نه اعتبار وکړي. په دې توګه مرکزی بانک ورستني پور ورکونکي شمیل کېږي.

خرنګه چې ویل شول مرکزی بانک د پولی پالیسيو جورونکي او عملی کونکي دی نو اقتصاد پوهان او د نظر خاوندان هغه لارو چارو او پریکړو ته چې پولی مقامات د هغه له لاري په

مرکزی بانک، دندې او د بانکی سیستم سره د هغې اړیکې

خپلنوال : عبدالحکیم رامیار

مرکزی بانک هغه بانک ته ویل کېږي چې په یوه هیواد کې د پولی پالیسيو د تنظیم او پرمخ بیولو دندې ور په غاره وي، په داسې حال کې چې سوداګریز بانکونه هغه بانکونه دی چې د خپل خانګوله لارې سپارني تولوي او بانکی آساتیاوې او خدمتونه وړاندې کوي. د ډیرو انسانی لاسته راونو په خیر بانکونه هم د ایجاد او بشپړیدو په موخه اوږد بهير تیر کړي دی. هغه مهال چې د بانک په نوم اړگان او جوړښت نه و جوړ شوی، او بانکنوت نه وو شر شوی د قیمتی فلټات او هغه شیانو چې د پیسو په توګه کارول کېدل، راکړه ورکړه د زرګرانو او صرافانو له خوا تر سره کیده او تر ډیرو ختنه پورې د صرافانو او زرګرانو هغه رسیدونه چې د امانت اینښو د شویو بانکونو دندې تر سره کولې.

هر خومړه چې انسانی ژوند پر مخ ولار او په اقتصادي او تولنیز اړخونو کې وده او پرمختګ راغې، د راکړې ورکړې د سیلې یانې پیسو ستونزې هم زیاتې شوې چې ددې ستونزې د حل په خاطر هڅو د هغه بڼو او کیفیت بدل کړ او دیر هغه شیان چې بخوا به بې د پیسو دندې اجرا کوله لکه مالګه، تباکو، مس، وسپنه او نور له نظره وغور خیل او خای بې سرو زرو او سپینو زرو و نیو. وروسته بیا بانکنوت پېږي ور زیات شو او د لمړۍ او د وهمي نړیوالې جګړې تر منځ کلونو کې سره او سپین زر د پیسو په بنه د عمل د پکړ خڅه وايستل شول. او خای بې بانکنوتونو چې د سل په سلو تر خو سلنۍ د سرو او سپینو زرو پشتوانه بې درلوډ و نیو. چې ورو، روا د معاصرو خواکمنو مرکزی دولتونو او مرکزی بانکونو په جوړیدو سره فلزي پشتوانه هم یوې خوا ته پرښو د شوه او خای بې د دولت او مرکزی بانک ضمانت ونیو.

د بانکداری په تاریخ کې لمړۍ مرکزی بانک چې د بانکنوت د نشر انحصار بې درلوډ د سویلن ریکر بانک ګنل کېږي چې د په ۱۶۵۶م کال کې تأسیس شوې دی. او وروسته په نورو هیوادونه کې هم بانکونه (مرکزی بانکونه) بې په بل پسې جوړ شوې دی.

خرنګه چې شلمه پېړې په تولو هیوادونو کې د ملي پیسو د رواج کیدو وخت دی د لمړۍ نړیوالې جګړې نه مخکې او وروسته لسیزې په نړیواله کچه د پیسو او بانکداری اړونده عرصو د بې نظمیو او ګډو ډیو کلونه ګنل کېږي، چې د وخت د بانکونو کړنې په اقتصادونو کې د منځته راغلیو بدلونو سره خان همغېږي نه شوی کولای.



ارخ د شریک له ناغیری او ناکاره توب په آن د تاوان او نورو زیانونو مخه ډپ کري.

په اسلامي بانکونو کې د مشارکي دوه ډولونه:
۱- ثابته مشارکة (شراحت):

د اهله مشارکة ده چې د یوې اقتصادي پروژې په پانکونه کې اسلامي بانک یوه اندازه ونډه اخلي، د خپل پانګیزی ونډې په اندازه بیا د هماغه پانګول شوي اقتصادي پروژې په اداره او سرپرستی کې هم ورگد وي. همدارنګه د نوموري پروژې په ګټه او تاوان کې هم د تاکل شوي اندازې په کچه د مشارکي د قرارداد سره سم ورگد وي.

پدغه شان پروژو کې چې په مشارکة (شراحت) سره ولاره وي، هر یو ورگه لوري او ارخ د پروژې د مودې او یا شراحت تر پاي ته رسیدو پورې چپله ثابته برخه لري.

۲- تبییدونکي مشارکه او یا په خاوند توب باندي پاي ته رسیدونکي مشارکه:

دا مشارکة پداسې ډول وي چې شریک د پروژې په شراحت کې له اسلامي بانک خخه د هغه ملکیت او خاوند توب برخه په یوځای او یا د مختلفو قسطونو په بدل کې څرنګه چې دواړو لوريو ترمنځ پرې هوکړه شوي وي، پيری. چې پدې توګه سره اسلامي بانک له مشترکي پروژې ووځۍ او اقتصادي پروژه په ټولیزه توګه د اسلامي بانک خخه د هغه شریک ته پاته شي. دغه شان مشارکي ته څکه تبییدونکي او تنبیصي مشارکة وايې چې دا له دوو لوريو خخه په پاي کې یوه لوري ته پاته کېږي. هغه پداسې شکل چې اسلامي بانک په تدریسي ډول خپل برخه پانګه له خپل شریک خخه لاسته رواړي او همدا لړي ترڅه روښه وي چې په پاي کې دا پروژه د شریک په یوازې سر خاوند توب ته ورسیږي.

په مشارکي باندي ده مالي تمويل بنښتونه:
په اسلامي بانکونو کې د مشارکي پربنست مالي تمويلونه له څینو لاندنسیو ربوا سره مخ کېږي:

* شریک څینې وختونه هغه د مشارکي او شراحت معاملې پتیو چې د ګټې رینښتنې خیره نښي.

د مشارکي (شراحت) د قرارداد دوه اړخونه:
لومړي ارخ: (مالی تمويل شوي ګډونوال

دا ګډونوال له اسلامي بانک سره شریک بلل کېږي چې د همدي قرارداد بل لوري هم دي. پداسې توګه چې مالي تمويل غوبنتونکي شخص اسلامي بانک ته د داسې یوې اقتصادي پروژې د مالي تمويل له غوبنتونکي سره ورشي چې د مشارکي (شراحت) پربنست ولاره وي. په یاده شوي اقتصادي پروژه کې به د مالي تمويل غوبنتونکي شخص برخه اخیستل هم د هري پروژي او سوداګریز کاروبار په نظرکې نیولو سره جو تېږي او پاته نوره پانګه به د اسلامي بانک له لوري ورته چمتو کېږي. له دغه پړاو خخه وروسته بیا د اسلامي بانک اداره مالي تمويل شوي شخص د تولې ګډې اقتصادي پروژې د سرپرستي او خارنې لپاره د خپل استازې په توګه ګوماري، څکه چې په ډېري حالاتو کې مالي تمويل غوبنتونکي د ګډې پروژې د کاروبار کارپوه او یا غښتلي کاروونکي وي. دا بیا پدې معنا نده چې د اسلامي بانک اداره به د ډاډې شوي ګډې اقتصادي پروژې په اداره او چلونه کې کومه ونډه نلري، بلکې په پرله پسې توګه به د ګډې پروژې داسې خارنې کوي چې اداره بې د شوتنټيا ترپولې په سمه توګه پرمخ بوتلل شي او دغه لړي د اسلامي بانک د ادارې لپاره د ډاه، برياليتوب او اطمینان خاي وي. بله خورا اړينه موخه به د بانک د ادارې له خارنې دا وي داسې غورې دل او پراختیا ده چې له سودي او ناروا هړه دل بل چې د مشارکي پربنست ولاره اقتصادي پروژه د قرارداد او ترپون له ټولو بندونو او لارښونو سره سمه پرمخ ځې ترڅو په دغه کړنې سره بانک د خپل حساب لرونکو پيسې او شتمني خوندي وساتلاني شي.

دوهم اړخ: (د اسلامي بانک اداره)

د مالي تمويل شوي اقتصادي پروژې اساسی شریک همدا د اسلامي بانک اداره ده چې په ټوله پروژه کې تاوان او ګټه ترمیماتو، سوداګریزو چارو او داسې نور لوريو کې کاریدلاي شي، چې پدې کاریدنه یې د هیواد او سیمې اقتصادي پراختیا او وده مومي. اقتصادي حالت یې مخ په لوري روانېږي او په مشارکة باندي دلګول شوي پانګې کچه تر لوري پولې پوري او چتېږي.

* الله تعالى د النساء سورت په ۱۲ آيت کې مهرباني کوي: ترجمه: (که چيرته دوي له دې زيات وو نو هغوي په ثلت کې شريکان دي).

* دالله تعالى سپیخلي استازې حضرت محمد صلي الله عليه وسلم په هغه روایت کې چې ابوھيره رضي الله عنه یې له هغه مبارک خخه نقل کړي داسې راغلي دي: ترجمه: (الله تعالى فرمادي زه د د شريکانو دريم يم ترهجه پوري چې هغوي له یو بل سره خيانت پيل نکړي، کله یې چې خيانت پيل کړ زه دهغوي له منځ خخه وزم. دا حدیت ابوداود، البیهقي او الحاکم روایت کړي دي).

* داسلام د سپیخلي دین د علمای کرامو اجماع هم په همدي ده چې مشارکة (شراحت) په اسلامي تولنه مشروعیت لري. دا موضوع ابن قدامه په خپل کتاب المغني کې راوري ده.

د مشارکي د مشروعیت حکمت:

د مشارکي پربنسته د راکرو ورکرو او د مالي تمويل قراردادونو دمشروعیت لوی حکمت په اسلامي تولنه د هر اقتصادي بهير داسې غورې دل او پراختیا ده چې له سودي او ناروا هړه دل بل چې د مشارکي پربنسته ولاره اقتصادي پروژه د قرارداد او ناوره اغیزو ژغورلي پاتې شي. همدا لوی لامل دي چې د راکرو ورکرو په ډګر کې اسلامي بانکونه له غير اسلامي بانکونو جلا کوي. مشارکة (شراحت) هغه د حلالي معاملې لپاره هغه اصل دي چې په خورا آسانه توګه ترینه کاراخیستل کیدای شي او له دې سره داهم خورا اړينه او ارزښتناکه خبره ده چې د مشارکي اصل په زياتو کاروباري لوريو لکه: صنعت، تعمیراتو، سوداګریزو چارو او داسې نور لوريو کې کاریدلاي شي، چې پدې کاریدنه یې د هیواد او سیمې اقتصادي پراختیا او وده مومي. اقتصادي حالت یې مخ په لوري روانېږي او په مشارکة باندي دلګول شوي پانګې کچه تر لوري پولې پوري او چتېږي.

مشارکه (شراحت) په اسلامي بانکونو کې

محب الله شريف

مشارکة (شراحت) د او سنیو اسلامي بانکونو په ورخنیو بانکی راکرو ورکرو کې له هغه ډول تپون او قرارداد خخه عبارت دي چې دیوہ اسلامي بانک او د یوہ مالي تمويل غوبنتونکي حقیقي يا حقوقی شخص ترمنځ د شرعی اصولواو د دواړو لوريو ترمنځ د تاکل شویو شرطونو پرس پرته له سود (ربا) خخه منځنه رائي. په داسې توګه چې اسلامي بانک له مالي تمويل شوي حقیقي يا حقوقی شخص سره د ګډ کاروبار په ګټه او تاوان کې شريکوی.

* د ټټې په حال کې به د مشارکي (شراحت) پربنسته ولارې پروژې خخه لاسته راغلي ګټه د شريک او اسلامي بانک ترمنځ د هريوہ لوري د پانکونې په هغه ټولیزه برخه باندي پيشل کېږي، چې په یاده شوي کاروباري بروژه کې کارول شوي وي اويا په داسې کچه سره چې مخکې له مخکې پري د دواړو لوريو ترمنځ هوکړه راغلي وي.

* د تاوان په آن به ګډې پروژې ته رسیدلی تاوان په یاده شوي پروژه کې د دواړو اړخونو د پانکونې دکچې پربنسته د بانک او مالي تمويل شوي شخص ترمنځ پيشل کېږي.

د مشارکي (شراحت) د قراردادونو مشروعیت په اسلام کې:

د مشارکي قرارداد په ټولیزه توګه د شرکتونو ترمنځ پرمخ بیول کېږي. د مشارکي د قرارداد مشروعیت او رواوالي د اسلام په مقدس دین کې د الله تعالى په وينا، نبوی احاديثو او د اسلامي امت په اجماع سره ثابت دي.

اجماع امت:

تمام مسلمانان در تمام اعصار به فرضیت زکات اجماع نموده اند و صحابه کرام اتفاق دارند به اینکه اگر کسی زکات ندهد باوی باید جهاد و قتال صورت گیرد.

در صحیح البخاری کتاب الزکاتیاب اثیم مانع الزکات از ابوهریره رضی الله عنہ روایت است: زمانیکه رسول اکرم صلی الله علیہ وسلم وفات نمود، ابوبکر صدیق (رض) خلیفه انتخاب گردید، درین هنگام یک تعداد مردم مرتدگردیدند. حضرت عمر (رض) گفت: چرا با مردم قتال می نمائی درحالیکه رسول اکرم (صلی الله علیہ وسلم) فرموده: ترجمه: من امر شده ام که با مردم مقاتله نمایم تا که بگویند کلمه توحید را، پس کسیکه این کلمه را گفت مال و نفس او از جانب من در امان خواهد بود مگر به حق وحساب ایشان با الله است.

ابوبکر صدیق گفت: سوگند به الله که با کسی مقاتله خواهم نمود که میان زکات و نماز فرق قایل گردد، زیرا زکات حق مال است. سوگند به الله اگر آنها عنانی (بزغاله ای) را که در عهد رسول الله (صلی الله علیہ وسلم) اداء می کردند، اداء ننمایند، پس با ایشان با این منع شان مقاتله خواهیم نمود. حضرت عمر (رض) فرمود: سوگند به الله که الله تعالی سینه ابوبکر را منتشر نموده، پس دانستم که ایشان بر حق هستند.

ادوار فرضیت زکات:

در تمام ملت های انبیای گذشته زکات فرض بوده است، الله تعالی در حق ابراهیم (ع) فرموده: ترجمه: آنان را پیشوایانی قراردادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.^(۷)

همچنان در دورمکی دادن صدقه به فقراء وجود داشت الله تعالی درین موردی فرماید: ترجمه: پس نخواست که از گردنه بالارود توجه میدانی که عقبه چیست. بنده ای را آزادکردن یا در روز گرسنگی طعام دادن. به یتیم خویشاوند. یا بینای خاک نشسته.^(۸)

در بعضی آیت های مکی برای فقراء در اموال اغیانه حق معلوم تعیین گردیده است. الله تعالی درین مورد فرموده: ترجمه: آنها که در اموال شان حق مشخص و معلومی برای سوال کننده و محروم وجود دارد.^(۹)

درمجموع اهتمام به امر فقراء و سدحواج آنها در تمام ادیان الهی وجود داشت مگر به کیفیت ها و طریقه های مختلف یا به شکل

جاپگاه زکات

در سیسم مالپاپی اسلام

زکات در لغت:

زکات در لغت به معنای نماو رشد، زیادت، صلاح، طهارت، برکت و مرح (۱) و در اصطلاح عبارت از حق است که در مال واجب می گردد: (۲)

علمای مالکی زکات را چنین تعریف نموده اند: زکات عبارت از اخراج جزء مخصوص مال است که به نصاب رسیده و یک سال برآن گذشته باشد. و به مستحقین آن باید داده شود.

علمای حنفی زکات را چنین تعریف نموده اند: زکات عبارت از تمیلک حصه ای از مال مخصوص است برای شخص مخصوص که شریعت آنها را تعیین کرده باشد، خاص به خاطر رضای الله تعالی. (۳)

علمای شافعی زکات را چنین تعریف نموده اند: زکات اسمی است برای مالی که به وجه و طریقه مخصوص از مال و بدن داده می شود.

علمای حنبلی زکات را چنین تعریف نموده اند: زکات عبارت از حق واجبی است در مال مخصوص برای طایفه و گروه مخصوص در وقت مخصوص.^(۴)

حکم تکلیفی زکات:

زکات فرضیه ای از فرایض اسلام و رکنی از ارکان دین محسوب می شود و قرآنکریم، احادیث نبوی و اجماع امت بر فرضیت آن دلالت دارند.

دلالت قرآنکریم به فرضیت زکات:

الله تعالی در قرآنکریم سوره بقره آیت ۴۳ فرموده: ترجمه: بر پا دارید نماز را و بدھید زکات را.

در سوره توبه چنین فرموده: ترجمه: اگر توبه نمودند، نماز را بر پا داشتند و زکات را دادند پس برادران شما در دین هستند.

دلالت احادیث نبوی به فرضیت زکات:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم - فرموده: ترجمه: اسلام به پنج بناء استوار است یکی از ان زکات را یاد نمودند.^(۵)

وقتی پیغمبر صلی الله علیه وسلم معاذین جبل رضی الله عنہ را به مین فرستاد برایش چنین گفت: ترجمه: به آنها خبر ده و آگاه شان ساز که الله تعالی در اموال شان زکات را فرض نموده که از اغیانه شان گرفته شده و به فقرای شان داده شود.^(۶)

لاربسوونه کوی چې خپل مالونه او شتمنی ژغورلې
وساتي.



اسلامی بانک په د هغه شریک په شخصیت کې چې
مالی تمویل ورته ترسره کوی دا لاندې تکی خامخا په
نظرساتي:

- د شریک اسلامی اخلاق، کردار او په تولنه کې د هغه شهرت او پیژند ګلوي.

- په ګډه اقتصادي پلان کیدونکې پروژه کې د شریک مهارت او کاري ورتياوي.

- د پروژې په اداري چاور او سمبالولو کې د شریک توان او عملی ټواکمنی.

- د ګډي اقتصادي پروژې د برياوو لپاره د شريکیدونکې شخص پوهنیزی، عملی او کاري تجريبي.

- د اقتصادي ګډي پروژې لپاره د شریک له خوا د غوره شوي څای مناسبوالي او هلته د نوموري پروژې د برياليتوب شونتنياوي.

- د شریک له لوري اسلامی بانک ته داسې ارزښتمند مالی ضمانتونه چمتو کول چې که چېرته ګډه مالی

- تمویل کیدونکې پروژه د شریک له نا اهلی او ناکاره توب له امله له زيانونو سره مخ شي، ترڅو وکړي شي

- چې د لګول شوې پانګې تاوانونه پرې بيرته را وګرځوي.

- د شریک ټول ضمانتونه به د هرې مالی ګډي اقتصادي پروژې له خرنګوالي او ارزښت سره تراو

- ولري. داسې ضمانتونه به وي چې په حتمي توګه د هرډول تاوانونو دمخته چې د شریک له ناغیپري او

- ناکاره توب راپورته شوي وي، ډپ کړي.

والله اعلم بالصواب



منزل سکونت، وسایط نقلیه، سلاح اگر ضرورت باشد، کتاب های علمی برای اهل آن، وسایل و آلات اهل کسب و حرفه. (۲۱)

درکن زکات:
رکن زکات عبارت از اخراج حصه ای از نصاب اموال است طوریکه از ملک مالک بیرون و به مستحق و فقیر و یا نایب وی تمیلک و تسليم گردد. (۲۲)

ادامه دارد ...

مأخذ :

- ۱- فقه الرکا / قرضاوی ج، ص ۵۵ طبع قاهره
- ۲- در المختار ج، ص ۸، مراتق الفلاح ص ۱۲۱
- ۳- الفقه الاسلامی وادله / الزحلی ج، ص ۱۷۸۸
- ۴- الفقه الاسلامی وادله ج، ص ۱۷۸۹

۵- رواه البخاری کتاب الإيمان باب بنی الإسلام علی خمس حدیث نمبر ۸ و مسلم کتاب الإيمان باب اركان الإيمان ودع ائمه الطاظم حدیث نمبر ۱۹ به روایت ابن عمر.

۶- روا البخاری کتاب الزکات باب وجوب الزکات حدیث نمبر ۱۳۹۵

۷- الانبیاء: ۷۳:

۸- بلد: ۱۱ - ۱۶

۹- معارج: ۲۴ - ۲۵

۱۰- الفقه الاسلامی وادله ج، ص ۱۷۸۸

۱۱- رواه ترمذی کتاب الزکات باب ما جاء فی کاتمال الیتم شماره حدیث: ۶۴۱ به روایت عبدالله بن عمر و بن العاص رض.

۱۲- موسوعة فتاوی المعاملات المالية للمصارف والمؤسسات المالية الإسلامية : ج ۱۶ ممبخت زکات، ۱، مرکز الدراسات الفقهية والاقتصادية

۱۳- آل عمران: ۱۰۸: رواه البخاری فی کتاب الزکات حدیث نمبر ۱۴۰۳ والنسائی فی کتاب الزکات حدیث نمبر: ۲۴۸۲ و مالک فی کتاب الزکات حدیث نمبر ۵۹۶

۱۴- رواه الطبراني فی الأوسط ج، ص ۲۶ والحاکم فی المستدرک

۱۵- رواه ابن ماجه حدیث نمبر ۴۰۱۹ والحاکم فی المستدرک کتاب الجہاد ج، ص ۱۳۶

۱۶- رواه البیهقی فی الشعب ج، ص ۲۷۳، والحمدی فی مستنده ج، ص ۱۱۵

۱۷- رواه الطبراني فی الدعاء عن عبادة بن الصامت، و فی مسند الشاميين ج، ص ۳۴

۱۸- فقه الرکات/ القرضاوی ج، ص ۱۱۳

۱۹- الدرالمختار ج، ۲-۵، ۱۲-۱۳ فتح القدير ج، ص ۴۸۷

۲۰- معجم اللغة الفقهاء ص ۴۸۰ حرفة النون

۲۱- الفقه الاسلامی وادله / الزحلی ج، ص ۱۷۹۵

۲۲- البائع: ج، ۲، ص ۳۹

عقوبت و سزا مانع الزکات در دنیا:

احادیث نبوی تنها به عذاب اخروی در مورد مانع زکات اکتفاء نکرده است، بلکه درین مورد به عذاب دنیوی و شرعی نیز وعده داده است.

یغمبیر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده: ترجمه: قوم و ملتی که زکات اموال خود را ندھنده اللہ تعالیٰ ایشان را به گرسنگی و قحطی مبتلا می سازد. (۱۴)

در حدیث دیگری می خوانیم: ترجمه: کسانی که زکات اموال خود را ندھنده از باران آسمان محروم می شوند واگر بهائم و چهار پایان نمی بودند، خداوند اصلاً باران را فرود نمی آورد. (۱۵)

در حدیث دیگری می خوانیم که یغمبیر (صلی الله علیه وسلم) ارشاد نمودند: ترجمه: وقتی که زکات به اموال خلط گردد، اموال را فاسد می سازد. (۱۶)

همچنان در حدیث دیگری می خوانیم که یغمبیر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: ترجمه: مال تلف نشد در بر و یا بحر مگر به سبب ندادن زکات آن. (۱۷)

زکات برکی فرض است:

تمام علمای اسلام به این امر اتفاق دارند که زکات بر مسلمان، عاقل، آزاد و مالک نصاب فرض می باشد. (۱۸)

سبب فرضیت زکات در نزد احناف:

سبب زکات در نزد علمای احناف ملک مقدار نصاب نامی، حولان حول (گذشتن یک سال) بر نصاب قرض دار نبودن وزاید بودن از حوابی اصلیه می باشد. (۱۹)

نصاب:

نصاب در لغت اصل ورسیدن را گویند. در اصطلاح مقداری از مال را گویند که به آن واجب تعلق می گیرد. (۲۰)

حوابی اصلیه:

حوابی اصلیه عبارت از امور و اموالی است که در زندگی روزمره خود انسان به آنها ضرورت داشته باشد مثل لباس های بدن، اثاث منزل،

پنجم: با دادن و ادائی زکات از جانب مردم مادر و غنی، نشاطات و حرکت های اقتصادی در جامعه تشدید پیدا نموده و همگی در کار و تحرک می افتدند، از یک طرف مشکلات اقتصادی مردم رفع می شود و از جانب دیگر زمینه کار و روزگار به مردم مساعد می گردد.

درین مورد یغمبیر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده: ترجمه: کسیکه از یتیمی سر پرستی می نماید که مال هم دارد، پس در مال وی تجارت نماید و نگذارد که صدقه مال وی را تمام نماید. (۱۱)

ششم: با دادن و ادائی زکات به جهات و مصارف هشت گانه، ضروریات و حوابی آنها پوره گردیده و بالآخر مفاسد اخلاقی و اجتماعی که به سبب ضعف اقتصاد به وجود می آیند، از بین رفته و مردم به دور از فساد زندگی می نمایند. (۱۲)

هفتم: با دادن زکات یکنou توزن و تعادل میان جامعه و افراد آن به وجود می آید و از فقر فقیر جلوگیری صورت می گیرد و همچنان با دادن زکات یکنou مودت و الفت میان بشر ایجاد و کینه وحدت و بخل از میان می رود.

حکم مانعین زکات:

آیات و احادیث وجود دارد که مانعین زکات را به عذاب شدید و عده نموده است و این عذاب هم در دنیا است و هم در آخرت، تا با این عوید ها قلب های غافل آگاه و نفس های بخیل به بذل و انفاق تشویق شوند.

عذاب اخروی:

ابوهریره رضی الله عنہ می گوید که رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) ارشاد نمودند: ترجمه: کسی را که الله تعالیٰ مال اعطاء نماید و زکات آن را اداء نماید، در روز قیامت الله تعالیٰ این مال وی را مثل مارک و بیدون موی می سازد که دارای دو نقطه سیاه بر سر چشمان اش است (واین خبیث ترین مارها است) و برگردان آن شخص طوق می گردد و بعد از هر دو جهت سرش گرفته و می گوید من مال تو هستم و من خزانه و کن توام. (۱۳) بعداً یغمبیر (صلی الله علیه وسلم) این آیت را تلاوت نمود: "گمان نبردن کسانیکه در مال خود بخل می نمایند.

مالی را که الله تعالیٰ از فضل خود به ایشان داده است، که برایشان خیر است بلکه برای شان شراست و در روز قیامت آنچه در آن بخل ورزیده بودند به گردن های شان طوق می گردد.

وجوب یا به شکل فرض و یا به شکل استجواب، به همین گونه در اسلام نیز در دور قبل از هجرت همدردی و همکاری باقراطه ایشان اسکال مختلف وجود داشت، آنچه مورد اتفاق تمام دانشمندان دینی است، اینست که زکات به شکل فعلی و در چوکات فرضیت بعد از هجرت سال دوم هجری ماه شوال، فرض گردیده است. (۱۰)

فضیلت زکات:

زکات از چندین وجه فضیلت خاصی دارد:

۱- اینکه الله تعالیٰ زکات را با نماز یکجا ذکر نموده است و در جایی که امر به نماز صورت گرفته به زکات نیز امر صورت گرفته است الله تعالیٰ در سوره بقره آیه ۱۱۰ چنین فرموده: ترجمه: بر پا دارید نماز را و بدھید زکات را. به همین خاطر ابویکر صدیق(رض) گفت: سوگند به الله تعالیٰ که باکسانی خواهم جنگید که میان زکات و نماز فرق گذارند.

۲- اینکه زکات سومین پایه اسلام است چنانچه در حدیث مشهوری که از رسول الله منقول است زکات را پایه سوم اسلام قرار داده است.

حکمت و فلسفه زکات:

صدقه و انفاق در راه الله تعالیٰ و دادن زکات دارای حکمت و فلسفه های است که شاید بعض آنها را ما درک توانسته باشیم و از درک بعض دیگر آنها شاید عاجز باشیم که اینک به چند حکمت و فلسفه آن به طور مختصر می پردازیم:

اول : دادن زکات و انفاق در راه خدا نفس را از بخل و محبت بامال که سردار گناهان است پاک و تطهیر می سازد.

دوم : بادادن زکات مشاعر انسان زندگ گردیده و از محبت دنیا بدور و حسن مودت و انسان دوستی را در شخص زکات دهنده ایجاد می نماید.

سوم : با دادن زکات جامعه و مردم را کمک نموده ایم و نفس و اموال خود را تزریک و پاک می سازیم.

الله تعالیٰ درین مورد فرموده: ترجمه: از اموال شان صدقه اخذ نمای تا به این کار پاک گردیده و تزریک شوند.

چهارم : در دادن زکات مصلحت فرد و اجتماع در نظر گرفته شده و حوابی و ضروریات های فرد و جامعه معرفه می گردد. الله تعالیٰ اغیان را ملزم و مکلف به دادن زکات نموده و مقدار آن را تعیین نموده است که در تعیین مقدار آن نیز حکمت و فایده ای وجود دارد زیرا اگر مقدار آن تعیین نمی بود، درین صورت بعضی ها در دادن زکات یا افراط می نمودند و یا تغیریت می کردند.



منابع مالی و ضرب سکه در عصر فیلمورپان

سرمحق محمد اسلام افضلی

مالیات یک ولایت یا شهر گمارده می شدند و کارگزینانی که مسؤول گرد آوری مالیات بودند که آنان را (محصل) می نامیدند، این تشکیلات جزء دیوان استیفا بود. در این دوران مانند عصر مغول، مالیات گوناگونی وجود داشت که قسمت اعظم آن بر دوش دهاقین و رعایا قرار می گرفت. از اراضی کشاورزی دو نوع مالیات گرفته می شد، یکی به نام مبنی (قسمتی از محصول کشت شده) و دیگری بر مبنای مساحت زمین به صورت نقدی. طبق بعضی از مدارک، این مالیات عمدتاً با یک سوم محصول برابر بود.^(۵)

نوعی دیگر مالیات موسوم به (مالیات سردرختی) بود که به باغات میوه تعلق می گرفت و از باغداران اخذ می گردید.

عبدالرازاق سمرقندی در مطلع السعدین و مجمع

الحرین نیز از این نوع مالیات یاد کرده

است. از دیگر مالیات می توان از مالیات

(سرانه) نام برد که از همه افراد اعم از شهری و روستایی، اخذ می گردید

و در واقع نوعی مالیات سرانه بود. نوع دیگر مالیات (تمغا) بود که از قرن

هشتم تا دهم هجری قمری از تجار و صنعت گران گرفته می شد و عنوان

تمغا داشت. این واژه یک اصطلاح ترکی است که به معنای مُهر و نشان

پادشاه می باشد.^(۶)

دومین منبع درآمد، کشاورزی بود که برخی از سلاطین از جمله: تیمور، شاهزاد و سلطان حسین باقرا به آبادانی و رونق کشاورزی توجه و اهتمام خاص داشتند.

اسفزاری در باره آبادانی زمین های بایر و ایجاد کanal ها و نهرهای آبیاری در زمان سلطان حسین باقرا توضیحاتی دارد. امیر علیشیرنویی نیز راجع به این موضوع توجه خاصی از خود نشان داد.^(۷)



در نیمة دوم قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی برابر با اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن نهم هجری قمری امپراتوری تیموری با سرزمین وسیع، که از سرحد چین در شرق تا سواحل مدیترانه در غرب و از هند در جنوب تا روسیه جنوبی در شمال وسعت داشت.^(۸) امیر تیمور محدوده ای ۲۷ کشور کنونی جهان را مرحله به مرحله به تصرف در آورد و آنها را در یک دولت واحد متحد ساخت و سیستم اقتصادی و دارایی نواحی تحت حکومت خود را به صورت درست سازماندهی کرد. او پادشاهی بود که درباره چگونگی اداره کردن سرزمین های تحت تسلط خود از لحاظ اقتصادی و همچنین نحوه رشد درآمد عمومی سالانه و پرداخت مالیات به خزانه دولت و مسائل مرتبط به آن می اندیشید و با نصائح و توصیه ها، دیدگاه های خود را مطرح می کرد. گاهی تجارب پادشاهان گذشته را ملاک عمل خود قرار می داد و به نتایجی نیز می رسید.^(۹)

امیر تیمور از همان آغاز حملات خود به سایر سرزمین ها، درباره اهمیت اقتصاد برای مملکت تأکید می کرد و در ترکات می نویسد: «دولت و سلطنت به ملک و خزانه و لشکر، قایم می باشد»^(۱۰) تیمور در مردم سلامت وزیران و کسانی که با امور مالی سر و کار دارند، نصائح و پندهایی دارد، از جمله در ترکات خود این چنین می آورد که: «امر نمودم که

مال و خراج از رعیت به نحوی بگیرند که موجب خرابی رعیت و ویرانی مملکت نشود که خرابی رعیت، باعث کمی خزانه، کمی خزانه سبب تفرقه سپاه و تفرقه سپاه، موجب اختلال سلطنت است.»^(۱۱)

منابع درآمد دولت در عهد تیموریان متفاوت بوده است، اما مهمترین درآمد در آن زمان، مالیات بود. به طور کلی در میان ماموران مالیاتی دومقام وجود داشت، گروهی که برای نظارت بر جمع اوری



د وقف حساب

ددی بانکی حساب پیسپی له هفو نغدی ورکړو لاسته راخې چې خوک خپل حساب په اسلامی بانکداری د ملن شويو نورمونو پرته وتپري او یا یې کومه اداره او شخص دافغان وکړو د ژوند دیوپ خانګړې برخې دسمون او یا ژغورنې لپاره دغه حساب ته ورسپارل شوي وي. دغه توپې پیسپی په هفو پروژو لکول کیدای شي چې د اسلامی بانکداری دخانګې له لوري یې ورتیا ملن شوې وي اوبلی شويو پروژو استناد یې د اړونده ادارو لپاره ساتل کیدی.





مأخذ:

۱- محمد اسلام افضلی، افغانستان در عصر تیموریان هرات، اکادمی علوم، کابل: ۱۳۸۶، ص ۴

۲- سید حسین مجتبی، هرات در عهد تیموریان، چاپ میثاق، نیشاپور: ۱۳۸۹، ص ۱۱۸.

۳- ترکات تیموری، ص ۲۲ گرفته شده از تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: ۱۳۴۳، ص ۱۲۱-۱۲۰.

۴- همان اثر، ص ۳۶.

۵- بابا جان غفوروف، تاجیکان، عرفان، ج ۲، دو شنبه ۱۳۷۷/۱۳۷۷، ص ۲۶۱.

۶- محمود بن حسین بن محمد کاشغی، نامها و صفت‌ها و پیوند‌های دیوان الفات الترک، ترجمه: محمد دیرسیاقي، تهران: ۱۳۷۵، ص ۵۲۰.

۷- معین الدین زمچی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات، جلد ۲، با تصحیح و حواشی محمد کاظم امام، دانشگاه تهران: ۱۳۳۹، ص ۳۷۴-۳۷۵.

۸- توختیف، عرفان، سیاست پولی و مالی تیمورخاندان او و سکه‌های آنها به کوشش بهمن اکبری، جلد اول، قم: ۱۳۷۷، ص ۲۹.

۹- سید جمال، تراپی طباطبائی، سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و کورگانی، تبریز: ۱۳۴۷، ص ۳۰.

۱۰- همان اثر، ص ۳۴.

۱۱- توختیف، ص ۳۲.

۱۲- همان اثر، ص ۳۴.

۱۳- تراپی طباطبائی، سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و کورگانی، ص ۵۵.

۱۴- توختیف، ص ۴۱-۴۶.

۱۵- محمد اسلام افضلی، افغانستان در عصر تیموریان هرات، اکادمی علوم، کابل: ۱۳۸۹، ص ۲۴.

در روی این سکه‌ها، کلمه طبیه شریف را درج کرده بودند. در چهار کنچ سکه‌ها نام خلفای راشدین ابوبکر، عمر، عثمان و علی(رض) را نگاشته بودند و در پشت سکه نام سیورغمتش خان به همراه نام تیمورآمده بود.



این سکه‌ها از جنس نقره و وزن آنها ۶ گرام بود و آنها را «تنگه» می‌خوانند. سکه‌های نقره ای ۱,۵ گرام برابر یک چهارم تنکه به نام امیر تیمور، میری خوانده می‌شد. بر روی برخی از سکه‌ها، نام شهری که سکه در آن ضرب شده بود نیز درج می‌شد،^(۱۲) به عنوان نمونه بر روی سکه یافت شده از عهد تیموری که مربوط به امیر تیمور است، این مشخصات را «جنس: نقره، وزن: ۴ گرام، قطر: ۲,۸۵ سانتی متر، متعلق به سال ۸۰۸-۷۷۱ هجری قمری، ۱۴۰۴-۱۳۶۹ میلادی» می‌بینیم. بر روی سکه دروست، آمد: «ضرب استرآباد فی سنه ست شما نی و سبع ما ه ۷۸۶ در حاشیه آن تزئینات، در پشت سکه قسمت وسط، کلمه طبیه شریف و علی ولی الله و در حاشیه نام دوازده امام به چشم می‌خورد.^(۱۳)

روی سکه‌های شاهرخ، کلمه طبیه شریف و بر چهار کنچ آن نام خلفای راشدین حک شده بود و در پشت آن عبارت السلطان الاعظم شاهرخ ضرب این سکه‌ها، درج شده بود، مانند: «السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خداوند ملکه و سلطانه ضرب استرآباد ۸۳۱ هجری قمری ۷/۸/۱۴۲۷ میلادی. تاریخ ها و شهرهای مانند یزد ۸۲۵ هجری قمری، کاشان ۸۱۰ هق، تبریز ۸۲۸ هق، شیراز ۸۴۶ هجری قمری و...، نمونه های این سکه ها هم اکنون در موزه سکه شناسی در ازبکستان نگهداری می‌شود.^(۱۴)

واحد پول در زمان شاهرخ مسکوک نقره بی به وزن مثقال، به نام شهرخی بود که بعداً مسکوک تنگجه با همان وزن یک مثقال جای آنرا گرفت، اجزای تنگجه دینار بود و شش دینار کپکی مساوی یک تنکچه بود.^(۱۵)



سکه‌های کورگانی مانند شاهرخ ویگران منقوش است. فرق عمده ای سکه‌های این دو سلسله در نوع جنس نقره و سنتوات ضرب سکه می‌باشد.

سکه‌های ایلخانی با حروف و به زبان عربی ضرب می‌شد، مانند: «ضرب فی تبریز سنه ثلا ت و ثلائین و سبعه مائه». اما در دوره کورگانی تاریخ ضرب سکه با اعداد مشاهده می‌شود، مانند: «ضرب استرآباد ۸۳۴» یا «هرات ۸۲۸».^(۱۰)

«در مردم سکه‌های دولت تیمور و چانشینان تقاضا و نیاز زیادی وجود داشت، نه فقط در شهرهای مرکزی مواراءالنهر بلکه در عراق و شهرهای استرآباد، باکو، بصره، بغداد، بامیان دامغان، بیزد، اصفهان، کاشان، کرمان، قم، محمود آباد، مشهد، هرات و چندین شهر دیگر سکه ضرب می‌شد. دولت تیمور به حکومت‌های محلی اجازه ضرب پول را داده بود، ضرب سکه با توجه خاص به وزن و خالص بودن طلا و نقره و مطابق استاندارد تعیین شده دولتی از طرف حکومت مورد نظر از دقیق قرار داده می‌شد. در عین حال سکه‌ها طریف بودند و آرایش محلی این سکه‌ها حفظ شده بود. در سکه‌های ضرب هرات، مشهد، تبریز و بغداد این خصوصیات به گونه‌ای روش و آشکار به چشم می‌خورد.^(۱۱)

سکه‌های امیر تیمور که با نقش‌های هنری و گونه‌گون همراه با ظرافتی خاص، تزئین شده بودند، آرم تمغای را به همراه داشتند. این تمغا سه حلقه کوچک چنبرک مانند بود که به گفته کلاویخو، نشانه این است که تیمور حاکم سه اقلیم می‌باشد.

در دربار تیمور هم زمان با خط عربی کهن ترکی «ایغور» نیز به کار رفته و در سکه‌های رایج از واژه‌های عربی، فارسی و مغولی استفاده می‌شد.

امیر تیمور او لین سکه‌های خود را در سال ۷۷۴ هجری قمری / ۱۳۷۲ میلادی مطابق اندازه سکه‌های خانان چفتایی ضرب کرده بود ولی در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۱ میلادی بعد از اصلاحات پولی، سکه‌های جدیدی را به نام خود ضرب کرد. از آنجا که تیمور مستقیماً از اخلاق چنگیزخان نبود، خود را به نام «امیر» می‌خواند از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۸ میلادی به نام «خان» دست نشانده سیورغمتش و پس ازاو به نام پیروی محمد خان، امور را به سرمی برد و بر سکه های آنها نام خود را افزوده و ضرب می‌کرد و در سال ۱۴۲۰ پس از فوت محمد خان، دیگر خان دست نشانده قبول نداشته و با همان نام محمد خان ضرب پول‌ها را ادامه می‌داد.

سومین منبع عمده درآمد تجارت بود. چنان که اهتمام ویژه ای سلاطین تیموری به ایجاد بازارها، ریاط‌ها و تامین راه‌ها سبب گسترش تجارت در آن عهد گردید.

از دیگر منابع درآمد، استخراج فلزات نادر مانند طلا و نقره و فروش آنها و ضرب سکه وغیره بوده است.^(۸) در آمد‌های دیگر مثل اموال بدن و ارث، جرایم مختلف و سوغات‌ها که وارد خزانه می‌شد نیز وجود داشت.

به عقیده برخی نویسندها، سیاست اقتصادی که امیر تیمور در سلطنت خود به کار گرفته بود به ویژه گسترش سیستم پولی-مالی آن، تأثیر زیادی در روند رشد اقتصادی مملکت داشته و رشد و توسعه اقتصادی و گسترش تجارت در بازارهای داخلی و خارجی را سبب شده بود.

تیمور در پرداخت حقوق کارمندان دولت از بودجه کل کشور، از پول و یا از سیستم پرداختی جنس به جای پول استفاده می‌کرده است. مهمترین تدبیری که امیر تیمور در سیاست پولی - مالی انجام داد، سیاست پولی و سکه است. با سیاست مالی تیمور چنانچه نرخ در بازار بالا می‌رفت و با پولی ارزش می‌شد، به زندگی کارمندانی که از بودجه دولت حقوق می‌گرفتند تأثیری نداشت. این موضوع نشان می‌دهد که تیمور به وضعیت اقتصادی توجه خاص داشته است. تیمور به نظرات مالی توجه ویژه داشت و به مجازات کردن دزدان و سوء استفاده کنندگان از اموال دولت دستور اکید می‌داد.

در حکمرانی تیموریان به روایت اقتصادی و بازارگانی بین المللی توجه ویژه ای می‌شد. ساخت بازارهای بزرگ در هرات، سمرقند، تبریز، مشهد و دیگر شهرها و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با شرق و غرب تأثیر این ادعا است.

تحامله مقول به خراسان واحد پول، درم (درهم) و دینار بود که از سکه‌های خلفای اسلامی و سلاطین مسلم مستفاد می‌شد. مقدار آنها بر حسب وزن و جنس مسکوک، سنجیده می‌شد، بدین ترتیب که پول‌های کم ارزش روی مس، مفرغ، برنز و متوسط روى نقره و با ارزش روی طلا ضرب می‌شد. به تدریج که خراسان از زیر سلطه عرب خارج شد، کلمات درم (درهم) و دینار روی سکه‌ها به ویژه از عهد ایلخانیان به بعد به هیچ وجه به چشم نمی‌خورد.^(۹)

شعائر اسلامی کورگانیان با دوره ایلخانی فرق چندانی نداشت و کلمه سلطان در روی تمام سکه‌ها منقوش بود. لقب بهادر در



بناءً در شرایطی که افغانستان از یک سو محاط به خشکه است و از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی آن به نحوی است که بیوند دهنده کشور های منطقه در آسیا می باشد و نظر به همین موقعیت جیوبولیتک کشور ما است که موجودیت راه های ترانزیتی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. پس احیا و اکشاف سیستم های ترانسپورتی و ایجاد سهولت ها و خدمات ترانزیتی با همکاری کشور های همسایه می توانند نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی و تجارتی در کشور بازی کنند. که برای رسیدن به این اهداف اتفاقاً قرارداد فی ماین و همچنان عمل نمودن آن با در نظر داشت منافع مشترک طرفین موثر واقع می شود، دولت افغانستان با عقد قرارداد جدید ترانزیتی می کوشد تا تخلفات و کار شکنی های کشور پاکستان را به کمترین میزان ممکن برساند.



کشور ما که در طول سال های گذشته همواره به مشکل ترانزیتی از سوی کشور های همسایه مواجه بوده و اکنون با عقد قرارداد های جدید ترانزیتی تلاش می نماید تا زیر بناهای تولیدی را در کشور احیا نماید که از یک سو واردات کشور های همسایه کم گردد و از سوی دیگر این زیر بناهای تولید خود کفایی و اشتغال را برای مردم کشور فراهم نماید.

افغانستان هم از جمله کشور های است که از مزیت عبور(ترانزیت) کالاهای بهره مند بوده و می تواند باگسترش ارتباطات ترانزیتی و ایجاد یک نظام با امن و مطمئن حمل و نقل در راستای افزایش درآمد ارزی خویش از موقعیت راهبردی خود به نحو مطلوب استفاده نماید. پس بدون شک وجود شرایطی از قبیل ثبات سیاسی، اجتماعی و امنیتی در کنار موجودیت امکانات و تجهیزات زیربنایی حمل، نقل و ترانزیت تدوین و اجرای قواعد حقوقی و مقررات تسهیل کننده تجارت و ترانزیت که منجر به ترانزیت سریع، کم مصرف و مطمئن اموال تجاری از قلمرو کشور ها می گردد حائز اهمیت فراوانی بوده و باعث رونق بخشیدن اقتصاد کشور مذبور می گردد.

وجود خواهد آمد، و به اساس این موافقنامه اموال داخل کشور از بنادر مهم دریایی کراجی، گوادر و قاسم وارد خاک پاکستان می شود و در آن جا تخلیه گردیده و همچنان تاجران افغانی می توانند اموال صادراتی خویش را از طریق دو بندر دیگر که عبارت از سوست و واگه است به کشور هند و چین صادر نمایند اما آنها نمی توانند اموال هندی را از طریق بندر واگه به افغانستان انتقال دهند. در حالیکه عبور و خروج کالا ها از بندر مذکور در قرارداد قبلی آزاد بوده ولی این آزادی در قرارداد جدید محدود گردیده است.

در قسمت تصمیم گیری مقامات پاکستانی در خصوص بندر واگه می توان دو موضوع را حسنه زد :

اول این که موضوعات سیاسی بین کشور پاکستان و هندوستان مانع باز شدن این بندر می گردد. دوم منافع اقتصادی خود کشور پاکستان مطرح است، که اگر این بندر به روی صادرات کشور هند باز گردد حمل اموال از این بندر تا کشور های آسیای میانه از چندین هفته به چند روز تقلیل میابد، همچنان اموال ساخت هند هم مانند دیگر واردات افغانستان که امروز از طریق پاکستان ترانزیت می شود از مسیر کشور پاکستان منحرف گردیده که این عمل خود باعث پائین آمدن عواید ترانزیتی کشور پاکستان می گردد.

بنابراین ملحوظات است که کشور پاکستان همواره طی سیاست های خاصی که روی دست گرفته، ابتدا خواسته کشور ما را از لحظه اقتصادی وابسته به خود نگاه داشته تا از این طریق به اهداف تعیین شده خویش نایل گردد.

پس این گونه موانع و مشکلاتی که در مقابل اموال ترانزیتی کشور ما قرار دارد. باعث آن می شود که اموال صادراتی و وارداتی در بنادر برای مدت زیاد متوقف گردد که ما شاهد این گونه حالت درسال گذشته بودیم که این عمل باعث بلند رفتن نرخ اموال گردید. بنابراین نباید مسایل سیاسی در مقابل روابط اقتصادی بین کشور های همسایه اولویت داده شود. بلکه توجه خاصی در روابط اقتصادی میان کشور ها صورت گیرد خصوصاً در بخش ترانسپورت و حمل، نقل همواره سعی گردد تا از سیستم مناسب و راه های حمل نقل که از لحظه اقتصادی کم مصرف، از لحظه زمانی در بر گیرنده وقت کم و از لحظه رفاه و آسایش دارای تجهیزات و امکانات مدرن باشد، استفاده صورت گیرد تا در انتقال اموال مشکل ایجاد نگردد، اموال به موقع انتقال یابد تا سیستم تجارتی کشور به مشکل رویه رو نشود.

بین این دو کشور وجود دارد، اما متناسبه این روابط بیشتر یک جانبه بوده و به نفع کشور پاکستان نسبت به افغانستان می باشد.

همان طوریکه تذکر داده شد خط مرزی میان افغانستان و پاکستان را که به نام خط دیورند مشهور است در زمان سلطه بریتانیا در سال ۱۸۹۳ میان هندبریتانیوی و افغانستان تعیین شده است که در آن زمان مناطقی از افغانستان به هند بریتانیوی تعلق گرفت و پس از تجزیه نیمه قاره هند و تشکیل کشور پاکستان این مناطق جز قلمرو پاکستان شمرده شد. ولی حکومت های مختلف افغانستان این مناطق را جز قلمرو رسمی پاکستان نشناخته و آن را تایید نکرده اند. اما پاکستان همواره خط دیورند را یک موضوع تمام شده دانسته و آن را خط مرزی میان این دو کشور می پنداشد. بنابر این ملحوظات در روابط تجارتی و ترانزیتی میان افغانستان و پاکستان موضع گیری های سیاسی نامناسب نسبت به همکاری های اقتصادی اولویت داشته و دارد.

متناسبه هرگاه روابط سیاسی میانه این دو کشور تیره و تار شود این تاریکی بالای روابط اقتصادی و تجارتی کشورهای مذکور نیز سایه می افکند، با وجودیکه مقامات حکومت افغانستان سهولت های متعددی را برای گسترش روابط تجارتی میان این دو کشور به وجود آورده و به راحتی بازار های کشور را در اختیار امتعه پاکستانی قرار داده

اند. اما در مقابل مقامات پاکستانی در راستای روابط تجارتی میان این دو کشور مشکل تراشی نموده و حتی در برابر ترانزیت کالا های که از طریق خاک آن کشور به کشور هند انتقال میابد، موانعی را ایجاد نموده و چنانچه چندی قبل در بندر کراچی به معروض تحریم قرار داده بود.

باوجود آن هم هرگاه ما به گذشته ها نظر اندازیم موافقنامه دوجانبه تجارتی و ترانزیتی بین این دو کشور وجود داشت که در سال ۱۹۶۵ در زمان حکومت محمد ظاهر خان به منظور تحکیم روابط اقتصادی میان این دو کشور به اساس منافع مشترک و رفع مشکلات هنگام عبور و مرور وسایط باربری حامل امتعه تجارتی این دوکشور منعقد گردیده بود. ولی با گذشت ۴۶ سال از عقد این موافقنامه طرفین نتوانسته اند که به صورت عملی مواد این موافقنامه را در قلمرو خویش تطبیق نمایند. بنابراین مشکلات و موانع تجارتی و ترانزیتی بود، که سران دول و وزرای ذیریط و اعضای جامعه تجارتی هر دو کشور خواهان عقد مجدد این موافقنامه در پرتو شرایط جدید اقتصادی و تجارتی حاکم در منطقه گردیدند. که تا اکنون به این ارتباط پنج دور مذاکرات بین مقامات مسئول این دو کشور صورت گرفته. براساس قرارداد تازه که صورت گرفته است، تسهیلات فروانی در زمینه تجارت و ترانزیت به

معاون حقوق نسرين ترين

حمل، نقل و ارتباطات از جمله مباحث کلیدی در تجارت منطقه و بین الملل می باشد. چنانچه در عصر حاضر با توجه به روند آزاد سازی تجارت، خدمات حمل و نقل و ترانزیت کارا شرط لازم موقفيت تجارت جهانی می باشد.

بنابراین گفته می توانیم که ترانزیت مجموعه فعالیت های اقتصادی در صعنت حمل و نقل بار بوده که مسافر را برای بهبود کار و افزایش بهره وری و ارائه نرخ های قابل رقابت در عرصه تجارت منطقه و جهان وادار می سازد. پس گفته می توانیم کشوریکه امکان ترانزیت را برای اموال کشور های دیگر فراهم می نماید. در پهلوی به دست آوردن درآمد ارزی از این مدرک، موجویت روابط ترانزیتی باعث افزایش اعتبار سیاسی آن کشور نیز می گردد.

افغانستان از نظر جیوبولیتکی و جیو استراتیزیکی نقطه اتصال آسیای جنوبی و آسیای مرکزی بوده و از اهمیت مهم در ترانزیت و حمل نقل اموال این کشور ها برخوردار است، ولی متناسبه این که اکثراً روابط اقتصادی ما قربانی روابط سیاسی گردیده بویژه مشکل خط دیورند پاکستان پیوسته مانع بزرگی در راه ترانزیت اموال افغانستان قرار داشته و سبب گردیده تا افغانستان شدیداً به پاکستان وابسته باشد. زیرا خط نام نهاد دیورند افغانستان را از رسیدن به راه های بحری محروم گردانیده است.

با وجودیکه پاکستان یکی از جمله کشور های است که روابط اقتصادی افغانستان با آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۷۱) خورشیدی بخصوص عداز عضویت در سازمان همکاری سارک رویه بهبود قرار گرفت، که یکی از دلایل عده این روابط موجویت بازار مناسب مصرف محصولات تولیدی پاکستان می باشد. در ضمن پاکستان نزدیکترین راه رسیدن افغانستان به آب های آزاد بوده و دیگر این که پاکستان از طریق خاک افغانستان به کشور های آسیای میانه وصل می شود. بنابراین نیازمندی مبرم به داشتن روابط نیک و حسن

سفیر ترکیه افروزد: ما به اینجا صرف به خاطر معاملات تجاری نه بلکه به خاطر ایجاد شراکت و همکاری واقعی آمده ایم آقای اسد گفت: تاجران و سرمایه‌گذاران ترکیه تلاش خواهند کرد که با توجه به منافع افغانستان در بهره برداری از فرصت‌های موجود سهم بگیرند. او تأکید نمود که کشورش بنونه همکار قابل اعتماد افغانستان به همکاری نهایش ادامه خواهد داد.

محمد قربان حقجو رئیس هیئت عامل اتاق تجارت به نمایندگی از بخش سکتور خصوصی کشور، صحبت نموده و گفت: افغانستان در مرحله‌ای قرار دارد که باید برای اعمار آن کارهای بنیادی و اساسی صورت گیرد. به گفته آقای حقجو، برای برآوردن این هدف، باید به رشد اقتصادی، از طریق بلند بردن سطح مناسبات تجاری و اقتصادی، از جمله جذب سرمایه‌گذاری‌ها در بخش معادن، زراعت و امثال آن باید توجه جدی صورت گیرد. وی افروزد: خوشبختانه دولت و مردم افغانستان و از جمله سکتور خصوصی هم تلاش هایی را در طول سالیان گذشته به خرج داده اند، تا مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری میان کشورها به خصوص کشورهای همسایه و منطقه را بلند ببرند. بنا به گفته آقای حقجو، هدف از امضای این تفاهمنامه بالا بردن سطح تجارت میان افغانستان و ترکیه می باشد، زیرا میزان تجارت دو



کشور به مقایسه به سطح تجارت با سایر کشورهای منطقه در حد نازل قرار دارد، چنانچه از جمله ۵.۵ میلیارد دلار تجارت افغانستان با کشورهای همسایه و منطقه صرف ۳۰۰ میلیون دلار آن مربوط به تجارت افغانستان و ترکیه می باشد.

طبق گزارش اتاق تجارت و صنایع افغانستان مقامات افغان و ترکی در سخنرانی‌های شان بر اهمیت توسعه روابط اقتصادی دو کشور تاکید کردند.

امضای تفاهمنامه تجاری میان اتاق تجارت و صنایع افغانستان و هیأت ترکی

تفاهمنامه ایجاد شورای تجاری افغانستان و ترکیه روز شنبه ۲۷ حمل ۱۳۹۰ خورشیدی میان مسؤولین اتاق تجارت و صنایع افغانستان و هیأت ترکیه در حضور مقامات بلند پایه دو کشور، در کابل به امضاء رسید.

آقای وحید الله شهرانی، وزیر معادن کشور ابراز امیدواری کرد که با توجه به فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در کشور، ترکیه نقش خوبی در توسعه اقتصادی افغانستان بازی کند. به گفته آقای شهرانی سه عرصه عده ای که به عنوان فرصت سرمایه‌گذاری فراروی سرمایه‌گذاران و تاجران ترکیه در افغانستان قرار دارند، عبارت از تجارت، خدمات و استخراج معادن سرشاری که در افغانستان موجود است، می باشد. آقای شهرانی وعده داد که وزارت معادن زمینه را برای

برگزاری سیزدهمین نشست بین الوزارتی انتقال لوله گاز ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند

پروژه (TAPI) از جمله پروژه‌های جیاتی در بخش اقتصادی و اجتماعی است که در تامین ثبات در کشور و منطقه تاثیرات ارزشی خواهد داشت و آغاز نوبین برای تامین روابط بهتر و تداوم همچو پروژه‌های اقتصادی و همکاری‌های منطقی خواهد بود.

همچنان وزیر معادن کشور در جریان این سفر با وزیر نفت و گاز ترکمنستان، وزیر پترولیم هندوستان و وزیر پترولیم و منابع معدنی پاکستان روى قیمت خرید و فروش گاز، موافقنامه تعین فیس ترانزیت و میزبانی افغانستان به خاطر تدویر مجلس تاختیکی برای تعین قیمت خرید و فروش گاز در ماه آینده در کابل گفتگو نمود.

علاوه‌اً در این سفر وزیر معادن کشور با وزیر پترولیم هندوستان در باره آموزش و تربیه متخصصین افغانی در بخش مدیریت نفت و گاز، جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های هندی در بخش معادن و نفت و گاز افغانستان ملاقات‌های متمر نیز داشت.

آقای شهرانی در ملاقات‌های جدایی با وزیر انکشاف منابع پسری هندوستان آقای کپیل سیبال (Kapil Sibal) درباره اهمیت کمک هندوستان به منظور ایجاد و بالا بردن ظرفیت کاری پرسونل افغانی در این بخش صحبت نمود که از طرف هندوستان پذیرفته شد و قرار شد در آینده نزدیک حکومت هندوستان در تأسیس نخستین انسیتیوت ملی معادن که در آن بیشتر روی موضوعاتی چون اقتصاد معادن، حقوق معادن و مدیریت پروژه های معادن تاکید می‌گردد، همکاری نماید تا کارمندان وزارت معادن و صد ها تن از اتباع کشور در آن آموزش یابند.

همچنان در نشستی جدایی وزیر معادن کشور با نمایندگان شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و معدنکاری هندوستان از ایشان خواست تا به منظور سرمایه‌گذاری روی معادن افغانستان در برنامه‌های دوام‌طلبی معادن افغانستان اشتراک نمایند.

خبر و گزارش اقتصادی



به تعقیب جلسات گروپ تاختیکی (TAPI) سیزدهمین نشست بین الوزارتی انتقال لوله گاز ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هندوستان در نخستین هفته ماه ثور سال روان در دهلی پایتخت هند برگزار شد.

طبق گزارش اعلامیه مطبوعاتی وزارت معادن کشور، در این نشست که از جانب دولت افغانستان محترم وحید الله شهرانی وزیر معادن کشور اشتراک داشت با وزاری نفت و گاز، پetroلیم و معادن کشورهای ترکمنستان، پاکستان و هندوستان توافق و فیصله نمودند تا موافقنامه خرید و فروش گاز (GSPA) در تاریخ ۳۱ جولای سال روان به امضا برسد.

پیمان انتقال لوله گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند توسط جلال‌النباشی رئیس جمهور افغانستان حامد کرزی، قربان فلی بردى محمدوف رئیس جمهور ترکمنستان، آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان و آقای مورلی دیورا وزیر نفت و گاز طبیعی هند در ۲۰ قوس سال ۱۳۸۹ خورشیدی به امضا رسید. برینیاد این پیمان قرار است که موافقنامه‌های ضمنی یعنی موافقنامه قیمت خرید و فروش گاز و موافقنامه تعین فیس ترانزیت این خط تا اواخر ماه جولای ۲۰۱۱ نهایی و مقدار تخمینی عواید دولت افغانستان از این بابت روش گردد.

برینیاد این پیمان قرار است کار تطبیق این پروژه در سال ۲۰۱۲ آغاز و تا ختم سال ۲۰۱۴ تکمیل گردد و سالانه جمهوری اسلامی افغانستان الی ۱۱ میلیارد متر مکعب گاز، جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری هند هر کدام الی ۱۳,۸۷ میلیارد متر مکعب گاز از این پایپ لاین استفاده نمایند.

این خط که ۱۷۳۵ کیلو متر طول دارد، ۷۳۵ کیلو متر آن از ساحات غربی و جنوب غربی افغانستان می‌گذرد، عبور این خط از خاک افغانستان زمینه کار را برای هزاران افغان مساعد خواهد ساخت و بعد از ایجاد شبکه های گاز رسانی به منظور تولید برق و استفاده عامه، مردم در شهرهای بزرگ افغانستان و پارک‌های صنعتی که در مسیر این خط قرار دارد از گاز مستفید خواهند شد.



وزارت امور زنان

هشت ثور، روز پیروزی جهاد بر حق ملت
افغانستان را گرامیداشت

هشت ثور، روز پیروزی جهاد بر حق ملت افغانستان طی محفل
شکوهمندی از سوی وزارت امور زنان در نخستین هفته ماه ثور ۱۳۹۰ خورشیدی در
کابل برگزار گردید.



در این همایش علاوه بر هیأت رهبری وزارت امور زنان،
فوژیه کوفی رئیس کمیسیون امور زنان حقوق بشر و جامعه مدنی ولسی
جرگه، خیرالنساء غمی ریس کمیسیون امور زنان و جامعه مدنی
مشاور اجرگه، اعضای بورد مشورتی، اعضای جندر یونت وزارت توان و
تعدادی از فامیل های شهداء و کارمندان وزارت امور زنان اشتراک
ورزیده بودند.

دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان در
بخشی از سخنان خود گفت: ملتی که بیش از یک و نیم میلیون انسان را
به خاطر دین، نوامیس ملی و استقلال وطن قربانی کردند، حالا بر ما
لازم است تا از بازمانده گان، خانواده ها و اطفالی که روز و شب در
وضعیت نابسامان فقر و تنگdestی به سر می بردند، دلジョیی نماییم و با
فامیل های شهداء دلジョیی و همدردی داشته باشیم.

دکتور حسن بانو غضنفر بر روان گلگون کفناکی که خون
قدس خود را به خاطر حفظ ارزش های والای اسلامی و استقلال
فکری، سیاسی و فرهنگی این خطه قهرمان پرور در راه خدا(ج) ریختند،
درود فرستاده، اضافه کردند که در آینده نزدیک سروی خانواده هایی که
تحت سرپرستی زنان بیوه و بی پساعت قرار دارند، به کمک شرکای
بین المللی در همکاری با اداره احصاییه مرکزی راه اندازی خواهد شد
که در نتیجه یک راهکار مؤثر و کارا جهت رفع نیازمندی فامیل هایی
که توسط زنان سرپرستی می گردد، بوجود می آید. وی از تمام نهادها و
موسسات خصوصی و تجاری ملی خواست تا در رفع مشکلات این خانواده
ها تلاش پیگیر و جدی نمایند.

فوژیه کوفی و خیرالنساء غمی از سخنرانان دیگر این محفل
بودند که هر یک پیرامون این روز تاریخی صحبت نمودند. همچنان در
ختم محفل کمک های نقدی برای تعدادی از فامیل های شهداء از سوی
وزارت امور زنان توزیع گردید.

ویسترن یونین (Western Union)

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای
مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک
برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت
بخش و مطمین در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.



در غضنفر بانک

غضنفر بانک از طریق ویسترن یونین
در امر انتقال پول به شما اطمینان می دهد

بنه پسرلی هげه دی چې موسکا په شونډو ویره شي
خپل کنډر موجوړ وي دوژلو ویره هیره شي
ونې د پاک نیت، لري له جنګه تل رینې کوي
سوله په نړۍ کې له جنګ لري خانګې شني کوي
کله چې تیاره شپه د وحشت په خلکو تیره شي
خپل کنډر موجوړ وي د وژلو ویره هیره شي

څه به کرم پسرلی چې خانګي وچې پاني سوي دي
شارپې د بن مئکي بوټي تندې نه وچ شوي دي
کله به د سولي هيلى موب خواته په بېړه شي
خپل کنډر موجوړ وي د وژلو ویره هیره شي

اوښکي موله سترګومدام خاخې پسرلی نه رائي
ئې پسرلی هغوته خي خزان پتي ته نه رائي
کله به پګړي کې زموږ د سرشمله را نیغه شي
خپل کنډر موجوړ وي د وژلو ویره هیره شي

دي کلي ته نه رائي پسرلی له موبه خه غواړي
ئې هغه انګړ ته خي خندا وي نورخه نه غواړي
دا له دوده ډکه تیاره شپه که په موبه تیره شي
خپل کنډر موجوړ وي د وژلو ویره هیره شي

امraldien سرحد

مورې دا ستا له محبته جار شم
ستا له دې واړه مرحمته جار شم
ې په پالنه او روزنه مصروف
ستا له دې دومره مشقته جار شم
هره لحظه زموږ په غم کې سوزې
ستا له دې دغومره دقته جار شم
کوي دعا او وړي نازونه زموږ
ستا د دعا له برکته جار شم
ستا د پېښو لاندې جنت وينمه
يم په اميد له جنته جار شم
يم به خوشحال چې خدمتگار دې اوسم
کوه بخشش ستا له رحمته جار شم
ستا په خوبنې کې مې بقا وينمه
ستا له دې دومره لوې قدرته جار شم
حفيظ مليار ستاد مقام سپيلني
ستا د مقام له لوړ صفته جار شم

حفيظ مليار

در بزم عشق شمع فروزان معلم است
مردم چو پیکوند اگر، جان معلم است
آن باغان ګلشن اندیشه های ژرف
پروردگار روح حکیمان معلم است
مردم معادن زر و سیمند در سرشت
جویای این خزائن پنهان معلم است
هر ګر ګزافه نیست که ګوییم پس از خدای
آنکس که خلق می کند انسان معلم است
ظلمات جهل را بشکافد به نور علم
حضر طریق چشمے حیوان معلم است
آری، معلمی همه عشق است و سوختن
آنرا که عشق نیست مګو کان معلم است
گویند بوده اند معلم پیغمبران
گوید((حنیف)) ایزد رحمن معلم است

محمد حنیفه نژاد

تاج از فرق فلك برداشت
نامه مادر

جاؤدان آن تاج بر سر داشتن

در بهشت آرزو ره یافتن

هر نفس شهدی به ساغر داشتن

روز در انواع نعمت ها و ناز

شب بتی چون ماه دربر داشتن

صبح، از بام جهان چون آفتاب

روی ګیتی را منور داشتن

شامگه، چون ماه رویا آفین

ناز بر افلاك و اختر داشتن

چون صبا در مزرع سبز فلك

بال در بال کبوتر داشتن

حشمت و جاه سليمان یافتن

شوکت و فر سکندر داشتن

تا ابد در اوج قدرت زیستن

ملک هستی را مسخر داشتن

بر تو ارزانی که ما را خوشتراست

لذت یک لحظه مادر داشتن

فریدون مشیری:

آنکه مهتاب شب تارم بود

آنکه جویای دل زارم بود

آنکه خواننده غم های دلم

شاهد دیده خونبارم بود

مادرم بود که چون ګوهر بود

شاد بودم که مرا در بر بود

چون نگین قلب پر از خونم را

مادرم بود که حلقة زر بود

رفت و بارفتنش نگینه من

همچو آهي نشسته در بر تاک

اشک چشمان بي فروغم نيز

همچو شبنم فتاده بر سر خاک

دوستانم فقط دو تا بودي

مادرم يک، د ګر خدا بودي

زنده بي دوست کي شود بنه

وابي از دوست ګر جدا بودي

سوز و سازی به سینه می خواهم

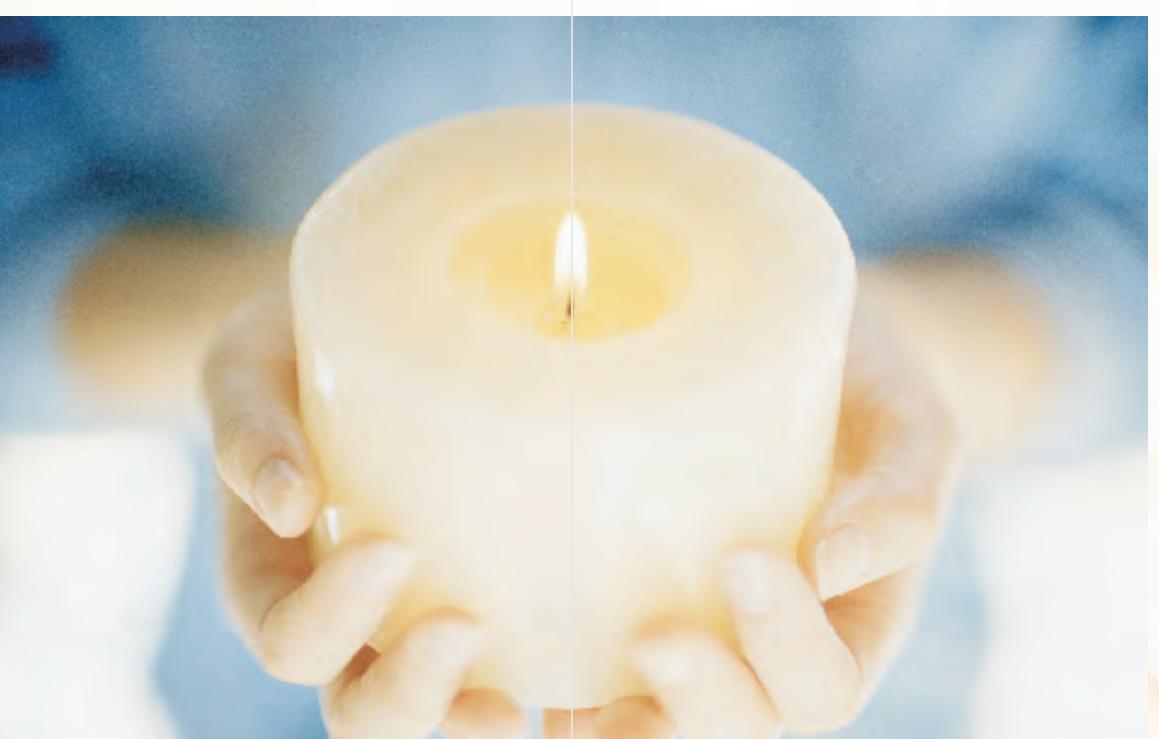
از تبار خدا و عشق خدا

مادرم! نامه ای به من بنویس

تا یایم دوباره پیش شما

نفیسه خوشنیب غضنفر

نیستان ویره شعروادب





جمله های طلایی



گردآورنده: مرسل
قسمت سیزدهم
گاهی یک جمله می تواند انسان را دگر گون سازد.
باور ندارید؟ امتحان کنید.
به قول شمس تبریزی:

کسی یک سخن شنید و در همه عمر،
از آن سوخت
جان من فدای او باد!

«مادر»

- فداکاری در راه وطن از همه دانش ها بالارزش تر است. (نایلون بنایارت)
- ایستاده مردن بهتر از زانو زده زیستن است. (آلبرت کامو)
- برای زندگی فکر کنید اما غصه نخوردید (دیل کارنگی)
- زندگی حتی با عشق گم شده نیز شیرین تر از زندگی بدون عشق است (تاگور)
- اگر زندگی با تو سر ناسازگاری دارد تو با او سازش کن (اسپارت)
- یک روز زندگی به روشن بینی بهتر از صد سال عمر در تاریکی است (بودا)
- زندگی بدون کار مردن پیش از وقت است (گوته)
- همه آنچه که در زندگی آموخته ام در یک کلمه خلاصه می شود: می گردد (رابرت فراست)
- روزی که بشر کاملاً به نادانی خود بی برد، به موفقیت بزرگی دست یافته است؛ زیرا دانش در این دنیا چیزی جز پی بردن به نادانی نیست. (موریس مترلینگ)
- هر گاه دیدی گناه شخصی آنقدر بزرگ است که نمی توانی آن را ببخشی، بدان که مشکل از کوچکی قلب تو است نه بزرگی گناه. (ناشناس)

- «علم»
- هیچ نغمه موزونی روح پرور و دلنشین تر از کلمه مادر وجود ندارد. (جبران خلیل جبران)
- در دنیا دو تصویر برای من زیبایست، تصویر گل و تصویر مادرم. (بالزاک)
- هیچ گلی عطر و رنگ و زیبایی مادر را ندارد. (ارنست همینگوی)
- تنها چیزی که موجب موفقیت من شد، آموزشها و روش تربیت مادرم بود. (ادیسون)
- تار و پود روح مادر را از مهریانی بافتند. (امرسون)
- مادر شاهکار طبیعت است. (گوته)
- مادر سازنده جهان و تابلوی آفریدگار است. (بتهوون)
- یک بوسه مادر من بود که مرا نقاش کرد. (رافائل)
- وقتی مردم از شعلم می پرسند می گوییم: قبل از هر چیز من یک مادرم. (ژاکلین جکسون)
- شاید یک مادر بتواند با فرزند بالغ خود مخالفت کند اما هرگز نمی تواند در برابر کودک خردسالش که بازویان کوچکش را به سویش دراز کرده تا او را درآوش بگیرد مخالفت کند. (ماریا فون تراپ)
- مادر والاترین شاعر، چیره دست ترین نقاش، زبردست ترین آهنگساز و ماهرترین پیکر تراش است. (اوشو)
- مادر نخستین معلم انسان ساز است. (ناشناس)
- مادر مؤثر ترین چهره در تشکیل شخصیت آدمی است. (ناشناس)

«کودک»

- فرزندان شما نماینده افکارتان هستند آنان در حکم جمالاتی هستند که عقاید شما را بیان می کنند. (بیتا رانک)
- فرزندان شما نماینده افکارتان هستند آنان در حکم جمالاتی هستند که عقاید شما را بیان می کنند. (ژاکلین جکسون)
- زمانی که یک مادر به فرزندش نگاه می کند که آرام در میان وسایل بازیش به خواب رفته است، به این فکر می کند که فردایشان هر قدر هم زیبا باشد
- هرگز نمی تواند جای آن لحظه ناب را بگیرد. (ژوان بیزن)
- یادم می آید وقتی ساعت دوی نیمه شب با صدای کودک گرسنه ام از خواب برمنی خاستم از دیدار دوباره اش تمام وجودم لبریز از شادی و عشق می گشت. (مارگارت درابل)
- ناگهان عشق چون موجی در وجودم پیچید و وادارم کرد تا به سوی گهواره بروم و آن موجود کوچک و معصوم را در آغوش بگیرم. (روزی توماس)
- اگر شناخت زن و مرد نسبت به ویژگی های درونی و بیرونی یکدیگر بیشتر گردد، کمتر دچار گسست می شوند. (أرد بزرگ)

عزیز الله ارال

اصل تورکی سوزلر

شاعر الکسا ندر بلوک « بیز کائینات نی کیزیب اوzac بیزدیک، نهایت، قیتب کیلگنیمیزده بیزندی تئیمه دیلر» دیب یازگن ایدی اوز شعرلریدن بیریده.

جهانگشته تورکی سوز لر حقیده هم عیناً شوندی دیش ممکن. تورکی تیل لردن تورلی دور لرده، تورلی سبب لر گه کوره هر خیل تیل لرگه اوتب، اوزلشیب کیتگن قچه- قنچه سوز لر تورلی- تومن اوزگریش لرگه اوچره ب، تکرار شو تیل ایگه لری گه قیتب کیلگن ده، اوز سوزلرینی تئیمه هی، او لرنی ینگی کورینیش ده قبول قیلیب، ایسلته ویرگنلر. بوندی سوزلرنی مطلق ترکی ایکن لیگی گه فکر هم قیلمه گن لر.

مثلما: " اناق" ، " آسمان" ، " توشك" ، " قروت" ، " کاپیسا" ، " قالین" ، " بیرق " کبی سوزلر عیناً فارس - دری تیل گه خاص کورینه دی. حال بوکه اولر اصلی ترکی سوز لر بولیب، فارسی گه اوزلشیب کیتگن.

بوندای سوز لر نینگ اصل نیگیزی گه دقت قیلینه دیگن بولسه، اناق- اوتراف (نشیمن)، آسمان- آسمه (آویزان)، توشك - توشش (هموار)، قروت - فوروق (خشک)، کاپیسا- کپه سای (وادی یاکه دره ی چیله مانند)، قالین- فلین(زمیم)، بیرق- بیلیناق (نشانه) بولگنی گه ایشانچ حاصل قیلینه دی.

بنه شوندای سوز لر بار که اولرنی کوریب ترکی سوز بولگنی گه اصلاً ایشانگنگیز کیلمه يدی. حال بو که بو سوز لر ترکی تیلر گه عاید توب سوز لر دیر. مثلما: آقا، من، او، هرکس، خانم، اوتو، قیچی، برابر، فاچاق، منتو، فاشق، بشقاب، قابلی، قورمه، بابه و باشقه لر ...

قوییده عیناً فارس - دری تیل گه عاید بولیب کورینگن منه بو سوزلر: (آماج، کنگاش، تمبر، گرمه) اصلی ده صاف ترکچه- اوزبیکچه سوزلر دیر. اما اولر فارس- دری تیل ی ده کینگ ایسله تیلگنی طفیلی فارسچه سوزلر دیک بولیب توپیله دی.

ترکی تیل لر عایله سیگه منسوب بولگن اوزبیک تیلی نینگ لغت بایلیگی ده بنه شوندای سوزلر بار که اولرنی مطلق پشتو تیل گه عاید دیب تصویر قیلیش ممکن. اما بوندی سوزلرنی ایککی لنمس دن اوزبیکچه سوز لر دیش گه اساس بار. مثلما:

جرگه، (جرغه)، ولس (اولوس)، لوی (اولوی - بویوک)، تکل (تک ایل)، گنر(گونر)، شاغلی(سایلنی)، جیگلک (جیده لیک)، خان (خن، هون)، انا (آن)، اتن (آتماق)، خیل (ایل)، کوچی (کوچماق) و باشقه لر ...

پشتو تیلی تمانی دن اوزشتریب آلینگن بو تورکی سوزلر پشتو تیلی ترکیبی ده هم اوز معنی سی نی سفلب قالگن. اگرده بو ساحه ده کینگ راق علمی تدقیقات ایش لری آلیب باریلسه، بوندی سوزلر سیره سی بنه ده کینگیشی ممکن. دیمگ تورلی خلق لر یانمه - یان ایناق یشه گنی کبی، سوزلر هم تورلی تیل لرده ضرورت کوره ایسله تیله وبره دی.

دوامی بار...

خدمات E- Statement

با این خدمات مشتریان غضنفر بانک می توانند پیرامون صورت حساب خویش از طریق ایمیل معلومات حاصل کنند. غضنفر بانک می تواند صورت حساب مشتریان خویش را بنابر بر تقاضای آنها ذیلاً به آدرس ایمیل شان ار سال نماید:

- روزانه
- هفتگی وار
- ماهوار
- سه ماهه
- شش ماهه
- سالانه



حساب خود را در غضنفر بانک از طریق ایمیل دریابید





ابتنیگ	
مپینیگ آتیم بابور	My name is Babur
مبنی توران بیلن تیشتریره سیز می؟	Will you introduce me to Turan?
اکم (اوکم) بیلن تیشینگ	Meet my brother
بو اوچقون بېك	This is Mr. Uchqon
السلام عليكم!	How are you doing?
سیز بیلن تیشگنیمدن خرسندمن التماس مېنى حبیب بیلن تیشترینگ	Pleased to meet you
کېچیرهسیز، آتینگیز نیمه؟	Please introduce me to Habib.
سیزیزبېگ توغرینگیزدہ عزیز میزگ دن کوپ اپشیتگن من اولکەمیزگە بیرینچى مرته کېلىشینگیز می؟	Excuse me, will you tell me your name? I have heard a lot about you from Mr. Aziz Is this your first visit to our country

منتدار چیلیک

Thanks

اظهار تشرک

رحمت	Thank you
کوپدن- کوپ رحمت	Thank you very much
ياردمینگىزدن جوده من-	My deepest gratitude for your help
دارمن	I would like to express my gratitude
اوز منت دار چیلیگىم نى بىلدىرماقچى من	You are too kind
سیز جوده مهربان سیز سیز مېنگە كىتە خذمت قىلدىنگىز	You have done me a Big favor

کنم.	
نام من پاپر است	My name is Babur
مرا با توران معرفى میکنید؟	Will you introduce me to Turan?
با برادرم معرفى شويد	Meet my brother
آقاي اوچقون هستند	This is Mr. Uchqon
السلام عليكم!	How are you doing?
از ملاقات شما خوشحالم.	Pleased to meet you
خواهش میکنم مرا با حبیب معرفی کنید	Please introduce me to Habib.
ببخشید، نام شما چیست؟	Excuse me, will you tell me your name?
دریباره شما از آقاي عزيز بسیار شنیدهام	I have heard a lot about you from Mr. Aziz
آيا اين اولين بار است كه به کشور ما تشریف آوردید؟	Is this your first visit to our country



محاوره اوزبیکی (۲)

ادامه (۱)

عزیز الله ارال

از کتاب "محاوره دری - انگلیسی - اوزبیکی"

صحبت باشلنيشي

Opening Words

آغاز صحبت

کېچيرهسیز، سیزدن بیر نرسه سورهسم میلى می؟	Excuse me, may I ask you a question?
مرحمت، سیز مېنگە ايتینگچى (لطفاً مېنگە ايتمىسىز می؟)	Will you tell me, please?
قولاغيم سیزدە	I am listening to you.
من تورکيە دن كېلديم	I came from Turkey.
سیزگە بیر التماس بار	Will you do me a favor?
کابل گە قىندهى بارىلەدى؟	How do I get to Kabul?
بوپورىنگ، ايچىرىگە كىرىنگ	Come in, please
مرحمت، اولتىرينىڭ!	Sit down, please

می بخشید، میتوانم از شما بپرسم؟

معذرلەت میخواهم، شما برايم گفتە می توانید؟

شمارا میشنوم

من از تركىيە آمدم

از شما يك خواهش دارم

بە كابل چە قىمە رفته میتوانم؟

بفرمائىد، داخل شويد

بفرمائىد، بىشىنىد!

تنيشو

Meeting people

معرفى شدن

اونى تنيشىرىش گە رخصت اپتىنگ؟	May I introduce you?
دوستىم نى تنيشىرىش گە رخصت اپتىنگ	May I introduce my friend?
اوزىم نى تنيشىرىش گە رخصت	Allow me to introduce my self

اجازە بىھىد اورا معرفى كنم؟

اجازە بىھىد دوست خودرا معرفى كنم.

اجازە بىھىد خودرا معرفى



حکایات

پادشاه و اسیر:

پادشاهی را دیدم که به کشن اسیری اشارت کرد، اسیر بیچاره و نا امید، با کلالت زبان به شاه دشنام و ناسزا می گفت.
چنانچه گفته اند هر که دست از جان بشوید هرچه در دل دارد بگوید.

دست بگیرد سر شمشیر تیز
وقت ضرورت چو نماند گریز
«سعدي»

شاه پرسید : «این اسیر چه می گوید؟»
یکی از وزیران نیک محضر گفت: ای خداوند همی گوید: که شاه را رحمت آمد و از سر خون او درگذشت. وزیر دیگر که خد او بود گفت: «در محضر شاه سخن گفتن سزاوار نیست، جز راست گفتن. این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت.»
ملک روی ازین سخن درهم آمد و گفت : «آن دروغ پسندیده تر آمد مرا زین راست که تو گفتی که هدف آن در مصلحتی بود و بنای این برخاست.» چنانکه خدمدان گفته اند : «دروغ مصلحت آمیز به ز راست فتنه انگیز»
آیا بیدارید؟:

پیزرنی به حاکم شهر شکایت برد که دزدان نیمه شب به خانه ام هجوم آورده و آنچه داشتم را به یغما برده اند، حاکم شهر به ملامت در او نگریسته و گفت؛ چرا خفته بودی که حرامیان به خانه ات وارد شوند و اموالت را به یغما ببرند. پیزرن پاسخ داد، گمان می کردم که تو بیداری!

حسن نیت:

سال ها دو برادر با هم در مزرعه ای که از پدرشان به ارث رسیده بود، زندگی می کردند. یک روز به خاطر یک سوء تفاهم کوچک، با هم جر و بحث کردند. پس از چند هفته سکوت، اختلاف آنها زیاد شد و از هم جدا شدند. یک روز صبح دروازه خانه برادر بزرگ به صدا درآمد. وقتی در را باز کرد، مرد نجاري را دید. نجار گفت: «من چند روزی است که دنبال کار می گردم، فکر کردم شاید شما کمی خرده کاری در خانه و مزرعه داشته باشید، آیا امکان دارد که کمکتان کنم؟» برادر بزرگ جواب داد: «بله، اتفاقاً من یک مقدار کار دارم. به آن نهر در وسط مزرعه نگاه کن، آن همسایه در حقیقت برادر کوچک من است. او هفته گذشته چند نفر را استخدام کرد تا وسط مزرعه را کنند و این نهر آب بین مزرعه ما افتاد. او حتماً این کار را بخاطر کینه ای که از من به دل دارد، انجام داده.» سپس به انبار مزرعه اشاره کرد و گفت: «در انبار مقداری الوار دارم، از تو می خواهم تا بین مزرعه من و برادرم حصار بکشی تا دیگر او را نبینم.» نجار پذیرفت و شروع به اندازه گیری و اره کردن الوار کرد. برادر بزرگ به نجار گفت: «من برای خرید به شهر می روم، اگر وسیله ای نیاز داری برایت بخرم.» نجار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»

هنگام غروب وقتی کشاورز به مزرعه برگشت، چشمانش از تعجب گرد شد. حصاری در کاربندی. نجار به جای حصار یک بل روی نهر ساخته بود. کشاورز با عصبانیت رو به نجار کرد و گفت: «مگر من به تو نگفته بودم برایم حصار بسازی؟» در همین لحظه برادر کوچک از راه رسید و با دیدن پل فکر کرد که برادرش دستور ساختن آن را داده، از روی پل عبور کرد و برادر بزرگترش را در آغوش گرفت و از او برای کندن نهر معدربت خواست. وقتی برادر بزرگ برگشت، نجار را دید که جعبه ابزارش را روی دوشش گذاشته و در حال رفتن است. کشاورز نزد او رفت و بعد از تشکر، از او خواست تا چند روزی مهمان او و برادرش باشد. نجار گفت: «دوست دارم بمانم ولی پل های زیادی هست که باید آنها را بسازم.

کیلیشو

Agreement

موافقه

بلی، حتماً	هه، البته Yes, certainly	پادشاهی
مسلمان، یقیناً	تورگن گپ Sure	ضد اسیر
درست است	توغري That's right	وقت ضرورت
شما حق بجانب هستید	سیز حق سیز You are right	دست بگیرد سر شمشیر تیز
درست است	یخشی (بوله دی) O.K. / Alright	چنانچه گفته اند هر که دست از جان بشوید هرچه در دل دارد بگوید.
بسیار خوب	جووده یخشی Very good	شاه پرسید : «این اسیر چه می گوید؟»
فهمیدم	توشینرلی I see	یکی از وزیران نیک محضر گفت: ای خداوند همی گوید: که شاه را رحمت آمد و از سر خون او درگذشت. وزیر دیگر که خد او بود گفت: «در محضر شاه سخن گفتن سزاوار نیست، جز راست گفتن. این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت.»
همین طور فکر میکنم	شونده‌ی دېب اویله‌یمن I think so	ملک روی ازین سخن درهم آمد و گفت : «آن دروغ پسندیده تر آمد مرا زین راست که تو گفتی که هدف آن در مصلحتی بود و بنای این برخاست.» چنانکه خدمدان گفته اند : «دروغ مصلحت آمیز به ز راست فتنه انگیز»
با احتمال قوی	احتمال شونده‌ی Most likely	آیا بیدارید؟:
شاید، متأسفم	شونده‌ی بولسه کېرمک I am afraid so	پیزرنی به حاکم شهر شکایت برد که دزدان نیمه شب به خانه ام هجوم آورده و آنچه داشتم را به یغما برده اند، حاکم شهر به ملامت در او نگریسته و گفت؛ چرا خفته بودی که حرامیان به خانه ات وارد شوند و اموالت را به یغما ببرند. پیزرن پاسخ داد، گمان می کردم که تو بیداری!
بدون شک	سوژ سیز Definitely	حسن نیت:
به هر دو دیده	کۆز اوستى گە Willingly	سال ها دو برادر با هم در مزرعه ای که از پدرشان به ارث رسیده بود، زندگی می کردند. یک روز به خاطر یک سوء تفاهم کوچک، با هم جر و بحث کردند. پس از چند هفته سکوت، اختلاف آنها زیاد شد و از هم جدا شدند. یک روز صبح دروازه خانه برادر بزرگ به صدا درآمد. وقتی در را باز کرد، مرد نجاري را دید. نجار گفت: «من چند روزی است که دنبال کار می گردم، فکر کردم شاید شما کمی خرده کاری در خانه و مزرعه داشته باشید، آیا امکان دارد که کمکتان کنم؟» برادر بزرگ جواب داد: «بله، اتفاقاً من یک مقدار کار دارم. به آن نهر در وسط مزرعه نگاه کن، آن همسایه در حقیقت برادر کوچک من است. او هفته گذشته چند نفر را استخدام کرد تا وسط مزرعه را کنند و این نهر آب بین مزرعه ما افتاد. او حتماً این کار را بخاطر کینه ای که از من به دل دارد، انجام داده.» سپس به انبار مزرعه اشاره کرد و گفت: «در انبار مقداری الوار دارم، از تو می خواهم تا بین مزرعه من و برادرم حصار بکشی تا دیگر او را نبینم.» نجار پذیرفت و شروع به اندازه گیری و اره کردن الوار کرد. برادر بزرگ به نجار گفت: «من برای خرید به شهر می روم، اگر وسیله ای نیاز داری برایت بخرم.» نجار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»
به کمال میل	جان دېب With pleasure	نگار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»
بدون شک	شبھەسیز Undoubtedly	هنگام غروب وقتی کشاورز به مزرعه برگشت، چشمانش از تعجب گرد شد. حصاری در کاربندی. نجار به جای حصار یک بل روی نهر ساخته بود. کشاورز با عصبانیت رو به نجار کرد و گفت: «مگر من به تو نگفته بودم برایم حصار بسازی؟» در همین لحظه برادر کوچک از راه رسید و با دیدن پل فکر کرد که برادرش دستور ساختن آن را داده، از روی پل عبور کرد و برادر بزرگترش را در آغوش گرفت و از او برای کندن نهر معدربت خواست. وقتی برادر بزرگ برگشت، نجار را دید که جعبه ابزارش را روی دوشش گذاشته و در حال رفتن است. کشاورز نزد او رفت و بعد از تشکر، از او خواست تا چند روزی مهمان او و برادرش باشد. نجار گفت: «دوست دارم بمانم ولی پل های زیادی هست که باید آنها را بسازم.
موافقم (موافقم)	راضى من I agree	روی نهر ساخته بود. کشاورز با عصبانیت رو به نجار کرد و گفت: «مگر من به تو نگفته بودم برایم حصار بسازی؟» در همین لحظه برادر کوچک از راه رسید و با دیدن پل فکر کرد که برادرش دستور ساختن آن را داده، از روی پل عبور کرد و برادر بزرگترش را در آغوش گرفت و از او برای کندن نهر معدربت خواست. وقتی برادر بزرگ برگشت، نجار را دید که جعبه ابزارش را روی دوشش گذاشته و در حال رفتن است. کشاورز نزد او رفت و بعد از تشکر، از او خواست تا چند روزی مهمان او و برادرش باشد. نجار گفت: «دوست دارم بمانم ولی پل های زیادی هست که باید آنها را بسازم.
عالی	جووده ساز Fantastic	نگار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»
عالی	جووده یخشی Fine	نگار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»
عالی است	جووده یخشی بولیبیدی That's fine	نگار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.»

ادامه دارد...

غضنفر کاشانه

غضنفر کاشانه که در طرح بلاک های رهایشی رنگ تازه ای بخشیده است. برای شما یک طرز زندگی باکیفیت را پیشکش می نماید. این کاشانه بامدرن ترین و مجهزترین سیستم معماری روز اعمار و آماده فروش برای هموطنان خوش سلیقه است.

غضنفر کاشانه دارای سهولت های ذیل می باشد.

- ۱- سیستم ساختمانی مقاوم دربرابر زمین لرزه.
- ۲- دروازه های (پلود) با رنگ دلکش ورنس جladar.
- ۳- کلکین های (بی وی سی) عایق صدا و حرارت .
- ۴- مسجد شریف با همه امکانات آن.
- ۵- سالون و اتاق های مجلل با طرح های زیبا.
- ۶- آشپزخانه و تشناب عصری و مدرن.
- ۷- جمنازیوم ورزشی با تمام سهولت های آن.
- ۸- سیستم منظم آب و برق.
- ۹- محل بازی برای اطفال دوست داشتنی شما.
- ۱۰- پارکنگ وسایط وساحه سبز.

پس کسانی که یک زندگی راحت و مطمین را در یک فضای گوارا و بدون تشویش از محیط زیست آلوهه برای خانواده خویش به طور آماده آرزو داشتند، به سوی این کاشانه بستاند. اینک بلاک های غضنفر کاشانه کاملاً آماده فروش و در انتظار خانواده های خوش ذوق برای یک زندگی رویایی است.

لذت بردن از زندگی در فضای سبز و آرام بخش رنگ تازه ای به شما می بخشد.

پس بشتابید همین حالا فروش جریان دارد

آدرس: مزار شریف مسیر ساختمان جدید پوهنتون بلخ
شماره های تماس: 0793101771/0793101770

آدرس الکترونیکی : Pa@ghazanfargroup.af



غضنفر کاشانه هدیه سرشار از آرامش

خدمات بانکی غضنفر بانک

غضنفر بانک با استفاده از همکاریهای بانک مرکزی، در نظر دارد خدمات بانکداری را در هر نقطه کشور و جهان برای مشتریان خویش فراهم نماید. در حال حاضر غضنفر بانک دارای ۱۰ نمایندگی در ۷ ولایت کشور می باشد. همه این بخش ها باهم در ارتباط هستند. مشتریان می توانند برای انجام معاملات مالی خود از هر بخش غضنفر بانک استفاده نمایند.



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

شعبه مرکزی
۸۶۶ سرک اصلی شریبور، کابل؛ صندوق پستی: ۵۵۹۸

۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶
۰۷۰ ۷۸۶ ۷۸۶
۰۸۰ ۰۰۳۰ ۷۹۷
۰۷۷۵ ۷۸۶ ۷۸۶

mainbranch@ghazanfarbank.com



غضنفر بانک هرجا و هر لحظه با شماست

غضنفر بانک

بانکداری از طریق پیام کتبی (SMS Banking)

مشتریان غضنفر بانک می توانند از طریق موبایل (روشن و افغان پیسیم) به امکانات زیر دست پابند:

- از بیلانس حساب شان مطلع گردند.
- سه معامله آخر خود در غضنفر بانک را نظارت و بررسی کنند.

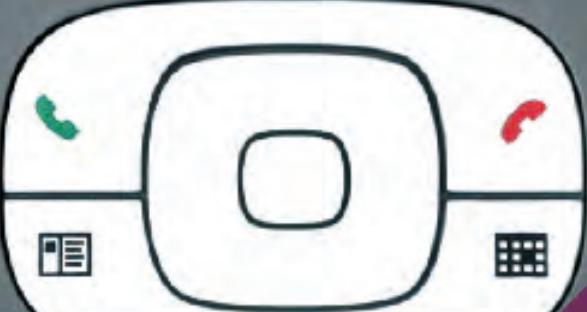
طریقه استفاده :

◀ برای نشان دادن بیلانس حساب تان این پیام
کتبی را (BAL) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.

◀ برای آگاهی از سه معامله آخر تان در غضنفر بانک این پیام
کتبی را (TRAN) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.

یادداشت: برای دسترسی به این خدمات باید شماره موبایل خویش را ثبت نمایید.

غضنفر بانک در موبایل شما



بانکداری از طریق پیام کتبی

بازدید سرپرست وزارت امور زنان از خانه های امن



پوهنمل دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان در تاریخ ۲۳ حمل ۱۳۹۰ خورشیدی از
خانه های امن شهر کابل بازدید به عمل آورد.

دکتور حسن بانو غضنفر ضمن بررسی مشکلات و قضایای زنانی که در خانه های امن به سر می برند،
از بخش های مختلف آموزشی این مرکز که شامل صنف های درسی، سواد آموزی، آموزش کمپیوچر، آموزش
های حرفی (خیاطی، گلدوزی، مهربه بافی)، اتاق معاينه و مشوره های صحی، اتاق های خواب و سایر بخش
های این مرکز بازدید نمود، وی همچون مصروفیت ها را در خودکفایی زنان از نظر اقتصادی و حفظ تعادل روانی
آنها خیلی ها ارزنده و مفید خواند.

در این بازدید سرپرست وزارت امور زنان را فوزیه کوفی رئیس کمیسیون امور زنان حقوق بشر و جامعه
مدنی ولی جرگه، خیرالنساء غمی رئیس کمیسیون امور زنان و جامعه مدنی مشرانو جرگه نیز همراهی کردند.

در کودک می‌شود. همان‌گونه که در پرورش ظاهری جنین نیاز به غذای ظاهری است، برای پرورش روح و روان جنین نیز نیاز به غذای معنوی است؛ غذایی که روح و روان کودک را با خدا و اولیای او آشنا کند، و روح عشق و زیبایی را در کودک پرورش دهد.

بعد از گذراندن نه ماه وقی نوزاد از محیط بطن مادر وارد محیط بیرون می‌شود، با یک تابی گریه می‌کند. او احساس می‌کند امنیتش به خطر افتاده است. در اینجا اولین مسؤولیت مادر پس از تولد نوزاد شکل می‌گیرد که همان در آغوش گرفتن، نواش کردن و تغذیه او است. کودک در آغوش مادر با نواش و تغذیه از شیر مادر آرامش می‌یابد. هیچ غذایی نمی‌تواند جانشین مناسب شیر مادر برای کودکان باشد، تغذیه کودکان با شیر مادر به دلیل ویتامین‌ها و مواد غذایی کاملی که دارد، نه تنها باعث رشد جسمی و صحت‌مندی نوزاد می‌گردد، بلکه تغذیه کودکان با شیر مادر تاثیرات عمیق روحی و عاطفی را در کودک خلق می‌نماید.

تنها تربیت سالم خانواده بویژه مادر است که انسان می‌تواند در مسیر رشد و تکامل انسانی گام بردارد. فرزند امانتی از سوی خداوند در دست والدین است که باید با تربیت صحیح، دین خود را مبنی بر تربیت سالم کودک، ادا نمایند. آشنایی با تربیت یکی از حیاتی‌ترین نیازهای بشری و حیات انسان است. آن کسی که تربیت نیافته، نه تنها خود را تلف کرده، بلکه از لحاظ اجتماعی زبان عظیمی از او متوجه مردم و جامعه خواهد شد. تربیت واقعی یعنی پرورش دادن، شکوفا کردن و فعل کردن استعدادهای درونی در جهت کمالاتی که خداوند آن را هدف از خلقت انسان معرفی می‌کند، می‌باشد. قلب کودک نیز همانند زمین بکری است که برای پذیرش هر نوع بذری آمادگی دارد. از این رو والدین نخستین نقش را در تربیت فرزندان دارا هستند و الگوی رفتاری او به شمار می‌آیند.

دامان مادر، بزرگترین مکتبی است که کودک در آنجا تربیت می‌شود. آنچه که کودک از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود؛ کودک از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. خداوند متعال زن را موجودی سرشار از عاطفه و محبت خلق کرد و صبر و بردازی تربیت را در دل آن نهاد تا به اصلی‌ترین وظیفه خود که تربیت افراد صالح است. با شکیایی جامه عمل بپوشاند.

به عقیده برخی از کارشناسان شریف‌ترین شغل در عالم، تربیت فرزند و تحويل دادن یک انسان سالم به جامعه است. تربیت فرزند صالح بزرگ‌ترین وظیفه مادران است، نقش تربیتی زن در اسلام پیش از ازدواج آغاز می‌شود. به همین خاطر سفارش شده دختران در سازندگی و تربیت خود بکوشند و پیش از ازدواج نقش مادری خوبیش را در نظر آورده و روح و جسم خود را برای آن آماده کنند. زیرا انسانیت فرزند در گرو تربیت کردن مادر است و افتخار فرزند سالم به مادر تعلق می‌گیرد.

منبع: اینترنت



نقش مادر در تربیت فرزند

نهاد مقدس خانواده نخستین هسته جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق، سنت و عوایط از نسل به نسل دیگر است و شمره این نهاد فرزند است که آینده جامعه توسط آن رهبری می‌شود. برای به ثمر رسیدن آن هر یک از والدین وظایفی را بر عهده دارد. در این میان مادران بیشترین سهم تربیت و تأثیر گذاری بر فرزندان را دارا می‌باشند، زیرا مادر از نخستین مراحل پیدایش به عنوان مری همراه کودک است. مادر مظهر عشق، فداکاری و ایثار است، او زیباترین کلمه در عالم خلقت است که تمام سختی‌ها و مشقت‌ها را بدون چشم داشتی تحمل می‌کند. مادر بودن لطفی است که خداوند به زنان اعطای نموده و در پرتو این لطف مادر بار سنگینی از مسؤولیت را بر دوش می‌کشد. در حقیقت مادر اصل، ریشه و سرچشم کودک است و کودک انعکاسی از وجود او است که سرمایه اصلی شخصیت خویش را از او دریافت می‌کند. برای شروع هر کاری، اگر مقدمات و زمینه‌های آن به خوبی فراهم گردد، بهتر به انجام می‌رسد. برای اینکه تربیت فرزند با موفقیت انجام شود، قبل از اینکه پا به دوران وجود خارجی نداشته باشد تا تحت تعليم و تربیت قرار گیرد. ولی توجه به رشد جسمی و وضع صحی او در بطن مادر مقدمه است بر تربیت اخلاقی و معنوی او بعد از تولد.

دوران جنینی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی کودک است و اقدامات تربیتی مادر در این دوران می‌تواند تاثیرات زیادی بر رشد و توکین شخصیت کودک بگذارد، بی توجهی به این دوران و غفلت از آن در تربیت سال‌های بعد زندگی او اثرات منفی خواهد داشت. دوران بارداری اصلی تربیت و مهم‌ترین زمان برای آغاز سازندگی و پی‌ریزی شخصیت کودک است. در دوران بارداری بین مادر و کودک ارتباط بسیار نزدیکی برقرار است. کنش فطری و باطنی موجود میان مادر و فرزند امری انکار ناپذیر است؛ چون اولین محیط و مکان امنی که کودک احساس می‌کند، در بطن مادر است به همین دلیل تمام حالات و افکار و روحیات مادر به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر روی فرزند تأثیر می‌گذارد.

یکی از نکات دیگر مهم دوران بارداری تغذیه مادر و تأثیر آن بر روحی کودک است. مادر باید سعی کند از طعام پاک و حلال استفاده نماید و در هنگام خوردن غذا نام و یاد خدا را در دل و زبان داشته باشد و مراقب باشد که از غذای حرام و نامشروع نخورد؛ چرا که مال حرام بر روی جنین اثر منفی می‌گذارد و باعث شقی شدن و به وجود آمدن اخلاقی و روحیات بد

نمايندگى هاي غضنفر بانك از شما استقبال مي كند

هموطنان گرامى!

نمايندگى هاي غضنفر بانك در شهرهای مزار شريف، شهرک بندري حيرتان، کندز، پلخمرى، جلال آباد، هرات، تخار، شيرپور، سرای شهزاده و شهرنوکابل با شفاف ترين و مدرن ترين خدمات بانکي در خدمت شهروندان سراسر کشور، نهاد های دولتی و غير دولتی و موسسات ملی و بین المللی قرار دارند.

دفتر مرکزی غضنفر بانک

آدرس: ۸۶۶ - سرک عمومی شیرپور - شهر کابل
شماره پست بکس: ۵۵۹۸

شماره های تماس: +93(0)775786786/+93(0)202101111
+93(0)798786786/+93(0) 707786786
+93(0)797860003

Info@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

نمايندگى غضنفر بانك در سرای شهزاده کابل

آدرس: سرای شهزاده - کابل

شماره تماس: +93(0)797860010
shahzada@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

نمايندگى غضنفر بانك در شهر مزار شريف

آدرس: شهزاده مارکيت - دروازه بلخ - مزار شريف

شماره تماس: +93(0) 797860080
mazar@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

نمايندگى غضنفر بانك در شهرک بندري حيرتان

درس: شهرک بندري حيرتان - مزار شريف

ماره تماس: +93(0)797860022
hayratan@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

نمايندگى غضنفر بانك در شهر پلخمرى

آدرس: هوفيان ماركت - مقابل شهرداري - پلخمرى

+93(0)797860038 شماره تماس:

polekhomri@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگى غضنفر بانك در شهر کندز

آدرس: شمال چوک عمومي - ماركت زرگري حاجي امان - شهر کندز

+93(0)797860075 شماره تماس:

kunduz@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگى غضنفر بانك در شهر جلال آباد

آدرس : چوک مخابرات - کوچه سطرنجی فروشی - شهر جلال آباد

+93(0)797860008 شماره تماس:

Jalalabad@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگى غضنفر بانك در شهر باستانی هرات

آدرس : چوک گلهها - جاده شمالي مسجد جامع - شهر هرات

+93(0) 797860070 شماره تماس:

herat@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



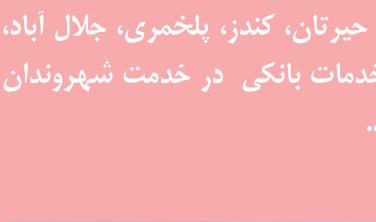
نمايندگى غضنفر بانك در شهرنو کابل

آدرس: چهار راه توره باخان - شهرنو

+93(0) 797860074 شماره تماس:

shahrenaw@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگى غضنفر بانك در ولايت تخار

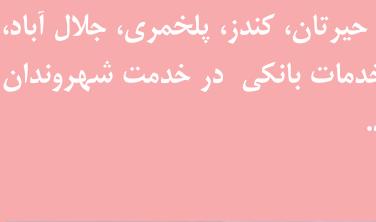
آدرس: چوک شهر تالقان - روسته خياطي - نارسيده به

مسجد جامع - شهر تالقان

+93(0) 797860073 شماره تماس:

takhar@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com





نیازهای جوانان به دو دسته تحت عنوانین "نیازهای اولیه" و "نیازهای ثانویه" تقسیم می شوند. منظور از نیازهای اولیه احتیاجات زیستی مانند احتیاج به هواء، آب، غذا، خواب، تولید مثل و برخی ضرورت‌های غریزی دیگر است. نیازهای ثانویه در حقیقت همان نیازهای روانی است که عمدتاً شامل موارد زیر می باشند:

نیاز به معنویت و توحید: جوانان ازروح پاک و قلبی روش برخوردارند و مایلند با مبدأ هستی و خالق خود را بسطه قابل درک و مستمر برقرار نمایند. بناءً این نیاز اصیل ترین ضرورت روحی آنها دانسته می شود که باید به آن توجه گردد.



نیاز به امنیت (ایمنی خاطر): برای اینکه جوانان بتوانند نسبت به محركهایی که از محیط خانواده، جامعه، آموزشگاه و گروه همسالان دریافت می نمایند، پاسخ مناسب بدهنند و از نوعی آرامش درونی برخوردارشوند و برگرانیهای خاص این سن فایق آیند باید از مصوّونیت و ایمنی خاطر برخوردار باشند.

نیازبه داد و ستد عاطفی: جوانان به همان اندازه که مایلند با دیگران رابطه مبنی بر عواطف پاک و سالم برقرار نمایند، نیاز دارند تا متقابلاً مورد لطف و محبت دیگران نیز واقع شوند یعنی دوست داشته باشند و مورد دوست داشتن قرار گیرند.

نیاز به موفقیت و پیشرفت: جوانان در تقلای نام، افتخار و کامیابی می باشند. هر عملی که بتواند این احساس را در آنها ارضاء نماید مورد قبول شان قرار گرفته و آنها را در اتخاذ گامهای بلند و اساسی به سوی آینده یاری می رسانند.

درین دوره جوانان برعکس کودکان به عوض اینکه خود را با محیط سازش دهند، در صدد آن می شوند تا محیط را برای خود سازگار گردانند. این رفتار خودپسندانه وغیر واقعی جوانان منشاً بسیاری از دشواریهای وتنش های روانی گردیده، باعث نابهنجاریهای رفتاری با دیگران می گردد.

از جانب دیگر والدین باید بدانند که جوانان امروز، کودکان دیروز بوده اند. رفتاری که امروز نشان می دهند مشخصاً به نحوه تربیت دوره کودکی و نوع رفتاری بستگی دارد که از بزرگترها در دوره کودکی آموخته اند. متأسفانه بسیاری از پدران و مادران به علت کم توجهی و ناشایی به شیوه های تربیتی نمی توانند جوانان را رهنمایی درست نمایند، وبا ارزشهای اخلاقی و معیارهای سالم انسانی که مورد قبول جامعه است پرورش دهند. بلکه با جوانان روابط خصمانه نشان داده، عامل بد رفتاری و یا فرار آنها از خانواده می شوند.^(۳)

جوانان سرمایه های با ارزش مادی و معنوی جامعه به شماره ای روشنده به همین لحاظ دانشمندان میزان پیشرفت یک جامعه را در گروه چگونگی تربیت و پرورش نسل جوان می دانند. این جامعه بتواند نسل جوان را متناسب با نیازمندیهای حال و آینده کشور تربیت نماید زمینه های آموزش و پرورش سالم را برای آنها میسر گرداند، دربرابر انواع نابهنجاریها، تفاوتات روانی و اختلالات رفتاری آنها را محافظت نماید و نیازهای آنها را برآورده سازد، درحقیقت به اهداف والا و مهمی دست یافته است.^(۴)

در کشورها جوانان به عنوان نسل بالنده و پر تحرک بامقايسه جوانان کشورهای دیگر به دشواریهای اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی، ازدواج، کار و حرفه مواجه اند. این دشواریها اثرات سوء بر روان آنها داشته روان آنها را متالم و متأثرمی گرداند. حتی به اختلالاتی مانند استرس، اضطراب، تشویش، افسردگی، انزواطلی، اعتیاد و پژمردگی روان دچار ساخته است. بناءً توجه به دشواریها ورفع تنش های روانی جوانان درحقیقت توجه به عده ترین بخش سرمایه ملی کشور محسوب می گردد.^(۵)

دوره جوانی مرحله گشوده شدن افقهای جدید، ایده آلهای و آرمانهای تازه است. مقارن با این دوره ویژگی ها، دشواریهای و نیونی از راه می رسد، و جوانان را به مبارزه می طبلد. ازین سبب جوانان بیش از هر دوره سنی دیگریهای را مراقبت، رهنمایی و کمک والدین و سایر اعضای جامعه نیازدارند. درین دوره اگر روابط والدین با جوانان قطع شوند و مورد دوست داشتن قرار گیرند. این بزرگسالان فراموش کرده اند که خود دوره جوانی را چگونه سپری کرده و چه آرزوهای داشته اند که بزرگترها به آن اهتمام نورزیده و چه خیالاتی داشتند که بزرگترها مانع آن شده بودند. امروزه که خود بزرگ شده اند باید فراموش نکنند که جوانان و نوجوانان شان در مرحله خاصی از زندگی قرار دارند، و دارای آرزوها و علایقی هستند که باید به صورت درستی تأمین و اقیاع گردد.

دوره جوانی دوره است که با توجه به مقتضیات محیط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آب و هوا و شرایط زیست در هرجامعه تفاوت می کند. این تفاوت بیشتر در مسأله زود رس بودن و یا دیررس بودن مرحله نوجوانی که کودک به آن قدم می گذارد و بالنه می شود به مشاهده می رسد. رشد دوره جوانی معمولاً با تغییرات فزیولوژیکی، روانی و اجتماعی مطرح بحث قرار می گیرد.

رشد فزیولوژیکی تغییرات سریعی است که در اثر فعالیت غده های هورمونی درون ریز و بزرگ شدن اندامها به مشاهده می رسد. رشد روانی معمولاً با علائق و امیال نوجوانان تمرکز دارد که از سرکشی حوائج جنسی، علاقه به جنس مقابل، خیالات خود پنداری، خود ایده آله، بحران هویت، آشتگی هویت و نظریه آنها حکایت می کند. رشد اجتماعی در پیوند با روابط و مناسبات جوانان با دیگران مطرح بحث قرار می گیرد، مانند روابط و مناسبات با همقطاران، همسنفان، اعضای خانواده، ازدواج، تشکیل خانواده وغیره.^(۶)

بدیهی است امیال و آرزوهای جوانان که منشأ روانی دارند تنها به علل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و عقیدتی متأثرمی گردند، بلکه تغییرات سنی این دوره نیز بر جوانان اثرگذاربوده، روان جوانان را در مسیر معین حرکت می دهد. درین دوره جوانان دوست دارند تا زمان بر وفق مرام و آرزوهای شان بچرخد، و عربه نیازهای شان درجادة صاف و هموار به حرکت افند. این توقعات اگر به موضع مواجه گردد واقع نشود، ناگزیر ناسازگاری جوانان با اعضای خانواده، همقطاران و محیط اجتماعی آغاز می شود. امروز کمتر خانواده را می توان نکنند، و کمتر استادان و معلمانی را سراغ داریم که از بی انگیزه بودن ولجاجت جوانان در پروسه آموزش شکایت نداشته باشند.

بزرگسالان شکایت دارند که جوانان برای رسیدن به آرزوهای خود حد و مرزی نمی شناسند، انگیزه های کاری ندارند، به تحصیل و آموزش علاقه نشان نمی دهند، احترام و حرمت بزرگان را رعایت نمی کنند، بیشتر به دنبال تفریح و خوشبذرگانی هستند وده ها مسأله حل نشده دیگررا به آنها نشانه می گیرند. این بزرگسالان فراموش کرده اند که خود دوره جوانی را چگونه سپری کرده و چه آرزوهای داشته اند که بزرگترها به آن اهتمام نورزیده و چه خیالاتی داشتند که بزرگترها مانع آن شده بودند. امروزه که خود بزرگ شده اند باید فراموش نکنند که جوانان و نوجوانان شان در مرحله خاصی از زندگی قرار دارند، و دارای آرزوها و علایقی هستند که باید به صورت درستی تأمین و اقیاع گردد.

دشواریهای رفتاری و نیازهای روانی جوانان سرحق فضل احمد غروب

دوره های کودکی، طفولیت و نوجوانی را به عنوان دوره آمادگی برای ورود به مرحله جوانی دانسته اند. این دوره است که جوانان باید به حیث عضو مفید و قابلیت های ذهنی خود در راه اعتلاء و توسعه توانایی های جسمی و قابلیت های کافی ندارند. اول به خاطریکه جوانان در زمینه رشد دشوارترین مرحله زندگی گفته اند. اول به خاطریکه جوانان در زمینه رشد اجتماعی و تجربه زندگی اندوخته های کافی ندارند. دوم به خاطری که درین دوره جوانان با احساسات و تمایلات منحصر به خود محصور شده اند. آنها از یکسو حوادث و رویداد ها را از دریچه عواطف می نگرند و از همان دریچه آنرا تفسیر می کنند، و به جاذبه ها و کشش های خود جایگاه و مقام خاصی قایل اند. از سوی دیگر قدردان تجربیات اجتماعی موجب شده است، که این گروه سنتی نتواند معادلات پیچیده محیط پیرامون خود را به دقت تحلیل و ارزیابی نماید. از آن رو در مواجه شدن به مسایل گوناگون به ساده اندیشی و خوش بینی افراطی کشانده می شوند.^(۷)

جوانان بیش از سایر گروههای سنتی توانایی تغییر رفتار را دارند. چون از یکسو نیروی جوانی این امکان را به آنان داده است که به خواستهای خود عمل کنند، و از سوی دیگر صفات و عادات رفتاری، در آنها کاملاً منعد نشده و به صورت عواملی پایدار در نیامده است که قابل تغییر نباشد. بلکه رفتارهای شان بیشتر جنبه سیال داشته و قدرت تغییر پذیری زیادی دارند.

دوره جوانی adolescence یک مرحله سنتی معینی است که از ابتدای بلوغ آغاز و با تکمیل رشد و پختگی جسمانی ختم می شود. جوانی مرحله از زندگی است که با رشد سریع بدنی، روانی و عاطفی همراه می باشد. گستره سنتی دوره جوانی در دختران از ۱۲ تا ۲۱ سالگی و در پسران از ۱۳ تا ۲۲ سالگی ادامه دارد. اکثر دانشمندان به این نظر اند که دوره جوانی در هر دو جنس حدود سنتی ۱۲ تا ۲۵ سالگی را دربر می گیرد. جوانی به دو دوره تقسیم شده است. دوره نوجوانی و دوره جوانی مرز مشخصی ندارد و معمولاً از حدود سن ۱۱ سالگی آغاز و تا اوایل نیمه دهه دوم زندگی دوام پیدا می کند. در حالیکه دوره جوانی از حدود ۱۶ سالگی آغاز و تا نیمه دهه سوم حیات ادامه دارد.



بخش از خدمات بنیاد غضنفر

بنیاد غضنفر با صد خانواده که در تاریخ ۱۲ حمل سال روان بر اثر لعنت کوه در ولسوالی مارمل ولايت بلخ بی جا شده اند، مواد غذایی و خیمه کمک نمود.

در تداوم به مساعدت های بشردوستانه بنیاد خیریه غضنفر، کاروان محموله غذایی این بنیاد به یاری و کمک خانواده هایی که در اثر لعنت کوه در قریه پرواز ولسوالی مارمل ولايت بلخ بیجا شده اند، رسید.

 سید گل نماینده بنیاد خیریه غضنفر گفت این کمک ها شامل، صد بوری برنج، صد بوری روغن و صد باب خیمه بوده و برای هر خانواده یک بوری آرد، یک بوری برنج، یک بوشکه روغن و یک باب خیمه از سوی بنیاد خیریه غضنفر مساعدت گردید. وی اضافه نمود: بعد از فرورفتن زمین در قریه پرواز بالا و پاین ولسوالی مارمل ولايت بلخ و بیجا شدن خانواده ها هیأت رهبری بنیاد غضنفر فوراً هدایت داد تا منطقه را از نزدیک سروی نموده و به کمک آنها بشتابیم. وی گفت بعد از بازدید ازین قریه مواد غذایی با حضور داشت ولسوال مارمل و هیأت کمیسیون مبارزه با حوادث طبیعی به صورت منظم از سوی بنیاد غضنفر برای متضررین توزیع گردید.



آسیب دیدگان این حادثه از کمک های بنیاد غضنفر که به متابه یک نهاد خیریه در عرصه کمک به بی نوایان و فقرا . اعمار و بازسازی مکاتب، اماکن دینی و فرهنگی و مساعدت برای آسیب دیده ها از حوادث طبیعی فعالیت می نماید و در شرایط دشوار به کمک بیجا شدگان شافتته است تشكرو قدر دانی نمودند.

 در همین حال ابوطارق مجلسی ولسوال ولسوالی مارمل گفت مساعدت به موقع بنیاد خیریه غضنفر برای متضررین اثرگذار بوده اکثر متضررین به خیمه و مواد غذایی نیاز داشتند که این مواد غذایی و خیمه مشکلات متضررین را تا حدی مرفوع می سازد. وی از مساعدت به موقع بنیاد خیریه غضنفر اظهار خرسندی نموده و از دولت و دیگر تاجران ملی خواست تا هر چه عاجل به آسیب دیدگان کمک نمایند.

ولسوالی مارمل که به طرف جنوب شهر مزار شریف و در حدود ۳۰ کیلو متری ولايت بلخ قرار دارد و یکی از ولسوالی های کوهستانی ولايت بلخ می باشد.



نیازبه مقبولیت و پذیرش: مفهوم نیازبه مقبولیت آنست که نسل جوان باید از جایگاه و منزلت قابل قبولی درزند خانواده، همسالان، جامعه و محیط آموزشی خود برخوردار باشند. این موقعیت باید ازسوی نهادهای مذکور به خوبی پذیرفته شوند.

نیازبه تحصیل و اشتغال: نیاز به تحصیل و اشتغال یک فلسه حیاتی است. اگر جوان بداند که چرا زندگی می کند؟ هدف خود را درمیابد و به سوی آن روان می شود. متأسفانه که این نیاز در جامعه ما به صورت کلی برآورده نشده و جوانان ما در مضيقه های تحصیلی و اشتغال قراردارند.

نیاز به خودشکوفایی: اگر شرایط برای جوانان طوری فراهم گردد که آنان بتوانند تمام ظرفیت های درونی و استعداد های ممکن خود را تبارز دهند در حقیقت به این نیاز نیل گردیده اند، وتحقیق نفس در آنها تجلی یافته است. (۶)

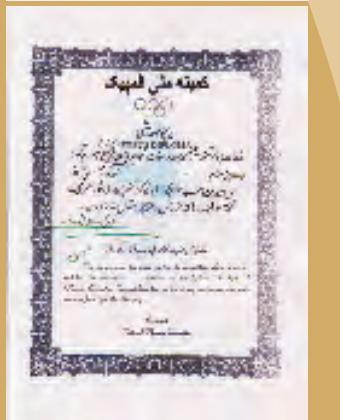
همانطوریکه بیان گردید نیازهای روانی دوره جوانان و گوناگون است. اگر این نیازها برآورده شود و ارضاء گردد، جوانان افراد امیدوار، مطمئن، با اراده پرورش یافته، تلاش و تحرک آنها درزندگی افزایش میابد. علاوه برآن، جوانان نیازهای دیگری مانند نیاز به آزادی از وابستگی و قیودات دوره کودکی، نیاز به سازگاری با تغییرات و رشد و نمود بدنی، نیاز به ابراز علاقه به جنس مقابل، نیاز به آزادی اقتصادی، نیاز به کمک و رهنمایی بزرگان در حل دشواری های شخصی، تربیتی، اخلاقی و به شادکامی دارند. این نیازها از جمله اهداف زندگی و هوس های جوانان بوده و باید زمینه رفع آنها مساعد گردد.

نیازمندۀ که جوانان در تلاش به دست آوردن آن هستند آزادی و استقلال است. اگر انگیزه این نیاز در جوانان بیدار نشود، آنها نمی توانند به رشد واقعی و کمال مطلوب برسند، بلکه همواره به گونه کودک وابسته باقی می مانند. جوانان انتظار دارند تا والدین به آنها به دیده کودک خورد سال نبینند بلکه به شخصیت، فکر و عمل آنها ارزش قائل شده و همراه آنها رابطه رفیقانه برقرار کنند و در فصلهای مختلف پیامون مسائل اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی از آنها مشوره بگیرند. هر رفتاری که این انتظار را برآورده نسازد سبب واکنش های روانی پنهان و آشکار در جوانان می گردد.

فهرست مأخذ:

- (۱) شرفی محمد رضا "دکتر"، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، چاپ سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص: ۶۳-۶۴.
- (۲) نیکزاد محمود، دانستیهای ضروری روانشناسی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۲، ص: ۲۸۰.
- (۳) اکبری دکترابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، نشرشد و توسعه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، صص: ۳۲۱-۳۲۲.
- (۴) احمدی دکترحسن و جمهوری دکترفرهاد، روانشناسی رشد، تهران، چاپ شرکت پرديس ۵۷، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص: ۱۶۹.
- (۵) احمدی دکترحسن و جمهوری دکترفرهاد، روانشناسی رشد، تهران، چاپ شرکت پرديس ۵۷، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، صص: ۲۰۶-۲۰۲.
- (۶) شرفی محمد رضا "دکتر"، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، چاپ سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص: ۱۵۳-۱۵۲.

قدر دانی مقامات و نهاد های مختلف کشور از خدمات شایسته و بشر دوستانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غضنفر گروپ



مجتمع شرکت های غضنفر گروپ

این مجتمع به مثابه یک شرکت بزرگ تجارتی در کشور که از یک قرن بدینسو فعالیت می نماید دوشادوش دولت افغانستان به منظور رشد و توسعه اقتصادی و خدمت برای مردم عزیز ما افغانستان سعی و تلاش ورزیده و بدون شک تاثیر بسزای در تقویت اقتصاد کشور داشته که این موفقیت مورد تحسین و تمجید نهادهای دولتی وغیردولتی قرار گرفته که اخیراً مشرانو جرگه کشور و دهها نهاد دولتی وخصوصی دیگر به پاس تلاش وجدیت در خصوص سرمایه گذاری داخلی، رونق بخشیدن تجارت و ایجاد زمینه های شغلی برای هموطنان عزیز ما مجتمع شرکت های غضنفر گروپ را مورد تحسین قرار داد.

بنیاد خیریه غضنفر یکی از شاخه های غضنفر گروپ میباشد، این نهاد از بدو تأسیس خدمات دلسوزانه بی مبنی بر دستگیری بینوایان، کمک و مساعدت با آسیب دیدگان حوادث طبیعی و پرداخت هزینه چاپ آثار نویسنده گان و اهل فرهنگ به منظور تشویق و ترغیب هرچه بیشتر آنها، انجام داده است که به اثر همین احساس و عواطف انسان دوستانه غضنفر گروپ ضمن تقدیر و تمجید سایر نهاد ها ریاست عمومی سره میاشت نیز به پاس کمک و همدردی برای مردم نیازمند و مساعدت با آسیب دیدگان حوادث طبیعی با تقویض سپسانه از غضنفر گروپ اظهار قدر دانی نمود.

همچنان غضنفر گروپ برای مبارزه با بیکاری جهت ارتقای ظرفیت و آموزش های مسلکی و حرفة بی برای جوانان فعالیت های چشم گیر داشته است. براین اساس ریاست شهدا و معلولین ولايت بلخ با اهدای تقدیر نامه غضنفر گروپ را مورد تحسین قرار دادند.

مجتمع شرکت های غضنفر گروپ علاوه بر کمک های بشردوستانه توجه جدی به آثار باستانی نموده و آبدات تاریخی را میراث گرانبها و هویت مردم افغانستان دانسته و در بازسازی آبدات تاریخی



اطرافشان را نیز به شکلی مثبت به کار و دار می کنند و نتایج خوبی نیز به دست می آورند.

هرگز محظوظ و گرفته نباشد:

اولین نماد درونی اعتماد به نفس، رضایت خاطر است. شما برای اینکه در خود اعتماد به نفس ایجاد کنید، باید شاد باشید. از همه مهمتر، از زندگی احساس رضایت داشته باشید. بدون تبسم از منزل خارج نشوید. تبسم و خنده‌دن، "هورمونی" را در مغز ترشح می‌کند که ترشح این هورمون هنگام درد، سبب تسکین درد می‌شود. بهخصوص هنگام وقوع مشکل، لبخند بزنید.

از خود پرسشهای منفی نکنید:

هرگز نگوئید چرا این گونه حوادث همیشه برای من اتفاق می‌افتد؟ چرا نمی‌توانم این کار را به درستی انجام دهم؟ حاصل به زبان آوردن چنین جملاتی کاهش اعتماد به نفس است وقتی اعتماد به نفس اندکی داریم احساس بی کفایتی می‌کنیم و برای کار و فعالیت انگیزه‌ای نیرومند و پایدار نخواهیم داشت.

انگیزه و علاقه داشته باشید:

هیچ جیز ارزشمندی، بدون شور و اشتیاق بدست نمی‌آید. شور و اشتیاق باعث ایجاد انرژی می‌شود.

شکرگزار باشید :

وقتی شکر می‌کنیم روح عالم در ما ایجاد انرژی می‌کند و آن انرژی موهبت‌های بعدی را به طرف ما جذب می‌کند.

تلاثن کنید :

همه امیدها، رویاهای و هدف‌ها در گرو سخت کوشی است هر چه بیشتر تلاش کنیم، موفقیت بیشتری کسب خواهیم کرد.

بر ترس غلبه نمایید:

یکی از موانع بزرگ اعتماد به نفس، ترس است. بهترین و مؤثرترین راه غلبه بر ترس، اقدام است. کارشناسان امور اجتماعی براین باورند که تصمیم قاطع و غلبه بر ترس شما را به پیروزی نزدیک می‌کند. به طور مثال اگر از کنفرانس دادن می‌ترسید، تنها راه حل شما کنفرانس دادن است. بار اول ممکن است از ترس، صدایتان بلرzed و نفس، کم بیاورید؛ اما به مرور زمان دفعه بعد برایتان آسانتر خواهد بود.



راه های افزایش اعتماد به نفس

مرتضی رحمانی

نیروی خودبادی کلید اعتماد به نفس است این نیرو به شما کمک می‌کند که با مشکلات و موانع برخورد کنید و بر آنها پیروز شوید، این نیرو چنان قدرتمند است که اگر عمیقاً وارد ذهن خود آگاه شما شود می‌تواند زندگی تان را متتحول کند. به خود ایمان داشته باشید. چنانچه کارشناسان امور اجتماعی بر این باورند که اعتماد به نفس تنها راه پیروزی است. بر این اساس هر انسانی می‌تواند در زندگی خویش بیش از آنچه که هست موفق شود برای آغاز باید تصمیم گرفت، گام دوم تسلیم و سپردن خود به خدا و زندگی کردن بر اساس خواست و اراده است. سپس خداوند را راهنمای و شریک معنوی خود بدانید. همیشه بیاد داشته باشید که با کمک خداوند پیروز می‌شوید به شرطی که باور کنید که می‌توانید پیروز شوید.

برای افزایش اعتماد به نفس توصیه های زیر پیشنهاد می‌گردد:

تصویر خوبی از خود در ذهنتان بسازید:

اگر می‌خواهید هر روز رشد کنید و شخصیت کامل‌تر و بهتر باشید، نسبت به تصمیم و آینده‌خود با بیان مثبت سخن بگویید. نگوئید: "مضطرب هستم" به خود بگوئید: "هر روز و هر شب شخصیت من از هر جهت، بهتر و بهتر می‌شود و اعتماد به نفس من روز به روز بیشتر و بیشتر می‌گردد".

ایمان تان را نسبت به دین مقدس اسلام تقویت کنید:

در این دنیا هیچ نیرویی قوی تر از ایمان نیست به شرط آنکه از عمق جان، واقعی و صادقانه باشد. با ایمان داشتن به ارزش‌های دین مقدس اسلام به نتایج باور نکردنی خواهید رسید، ایمان به اسلام تسکین دهنده و آرام بخش روح و روان آدمی است.

امیدوار باشید:

افراد نا امید نتایج منفی را به طرف خود جذب می‌کنند در حالیکه کسانی که امیدوار هستند و به زندگی عشق می‌ورزند، دنیا



سویفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضو کمیته سویفت می باشد که خدمات و امکانات مصون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

غضنفر بانک با سویفت کود (GHBKAFKA) در مورد انتقال پول (دلار آمریکایی و یورو) به سراسر جهان با بانک کامرز واقع در فرانکفورت جرمنی ارتباط مستقیم دارد.

انتقال مصون و سریع پول از طریق سویفت در غضنفر بانک

ارایه لیتر آف کریدت

ارایه گرنتی های بانکی

دریافت چک های خارجی

خود را به دیگران وابسته نکنید:

اعتماد به نفس با هر نوع وابستگی منافات دارد. شما به کار خود وابسته نیستید. با خود تأکید کنید کار شما است که به انرژی و توانایی شما وابسته است. هیچ کس نمی تواند اسباب آرامش و رضایت شما را فراهم کند به جز خودتان، مراقب باشید دوست داشتن و علاقه شما ابتدا متوجه خود شما باشد و بعد متوجه دیگران. خود را تحت هیچ شرایطی به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نکنید. شما دیگران را همیشه به خاطر روح انسانی و رفتار او باید دوست بدارید تا این دوست داشتن، روح انسانی شما را درهم نشکند.

از خداوند کمک بخواهید :

معتقد باشید از آنجایی که پروردگار یکتا ما را خلق کرده است همواره سلامت و موفقیت ما را بازسازی می کند.

در برابر مشکلات مقاومت نکنید:

استقامت مدام ، ناتوان ترین افراد را تا رسیدن به موفقیت یاری می دهد زیرا نیروی پایداری نهفته آن ، سرانجام خود را نشان خواهد داد و ثابت خواهد کرد که : « موفقیت به دست نمی آید مگر با استقامت و تسلیم نشدن ». چنانچه شکسپیر گفته است : « باران مدام ، سنگ سخت خارا را می شوید و از هم می پاشد، سنگ، سخت است اما قطره های باران مدام فرود می آید و این مدام است که سنگ را می شکافد ».

منبع : اینترنت



خود را حقیر نشمارید:

کسانی که خود را حقیر می شمارند هیچ گاه کارهای فوق العاده انجام نمی دهند. زیرا هنگام ارزیابی خود پائین ترین نمره را به خود می دهند، یقیناً اخذ نمره کم ناکامی در بی دارد. آنکه خود را حقیر می شمارد و حقیرانه می اندیشد. ایده هاییش حقیرانه است. اما آنکه خود را قوی می پندارد و به بزرگی خویش می اندیشد توانایی اش روز افزون است.

به دیگران کمک نکنید:

کمک به دیگران، این نکته را در ذهن تثبیت می کند که من آنقدر توانا هستم که می توانم به دیگران کمک کنم. اعتماد به نفس واقعی زمانی در شما شکل می گیرد که بخشی از وقت خود را به دیگران اختصاص دهید. البته کمکهایی که دیگران را به شما وابسته می کند، به هیچ وجه کمک نیستند، در حقیقت نوعی ظلم و ستم به شمار می روند.

خود را سرزنش نکنید :

بعضی افراد با خود می گویند : « چرا این کار را کردم؟ » چرا این راه را نرفتم ». هر کدام از این سوالات اعتماد به نفس شما را کاهش می دهد. هیچ گاه اجازه ندهید یک اشتباہ موجب شود دیگر خودتان را باور نداشته باشی. هنگامی که مرتکب اشتباہ می شوید بینید چه چیزی می توانید از آن یاد بگیرید. سپس آن را به حساب یک تجربه گذشته و نأسف را کنار بگذارید و دوباره به تلاشتان ادامه بدهید.

دایماً چیزهای تازه ای یاد بگیرید :

شما باید دایماً چیزهای تازه ای یاد بگیرید و راحهای تازه ای بینید تا کیفیت زندگی خود و دیگران را بهتر سازید. همیشه در پایان هر روز سوالاتی را از خود پرسید: مثلاً « امروز چه چیزهایی آموخته ام؟ یا « چه پیشرفت‌هایی کرده ام؟ ». »

خود را با دیگران مقایسه نکنید :

سعی کنید همیشه خود را با هدفهای خود مقایسه کنید نه با دوستان. همواره باید بینید که قابلیتهای شما چیست و خواسته های شما چیست، نه اینکه دیگران چه کرده اند و چه می کنند.



۱۵. مفردات در معما
۱۶. منشآت ترکی
۱۷. منشآت فارسی
۱۸. نسائم المحبه که ترجمه ترکی نفحات الانس جامی است.
۱۹. نظامالجواهر
۲۰. حالات پهلوان اسد
۲۱. حالات سید حسن اردشیر
۲۲. مفردات در فن معما
۲۳. قصه شیخ صنعن
۲۴. مناجات نامه
۲۵. میزان الاوزان
۲۶. مکارم اخلاق

نمونه از غزلیات امیر علی شیر نوایی

غزل

گُوزونو بلا قرا بولوبور
کیم جانه قرا، بلا بولوبور
مجموع دوانی درد بولدو
در دینی منه دوا بولوبور
عشق ایچره اونون فداسی بوز جان
بیگانه یه آشنا بولوبور
تاقیلیدی بوزون هواسی جانیم
اوز ساری اونا هوا بولوبور
باقی تاپار اول کی اولدو فانی
رہرویه بقا، فنا بولوبور
تا دوزدو نوایی آیت عشق
عشق اهلی آرا نوا بولوبور

امیر علی شیر نوایی شاعر، ادیب و وزیر بزرگ ترک در سال ۸۸۰ هجری مصادف با ۱۵۰۱ میلادی بعد از عمری آفرینش و آبادانی از جهان چشم بر بسته است.

برخی از محققین تعداد آثار او را تا سیصد و هفتاد نوشته‌اند. از جمله تألیفات اوست:

۱. اربعین منظوم.
۲. تاریخ انبیاء، به ترکی
۳. تاریخ ملوک عجم، به ترکی
۴. ترجمه اللげ الترکيہ بالفارسیة
۵. خمسه نوائی که در تقلید و استقبال از خمسه نظامی سروده و آن پنج مثنوی است به زبان ترکی جغتائی به نامهای: حیره‌الابرار، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، سبعه سیاره، سد اسکندری یا اسکندرنامه.
۶. خمسه‌المتحیرین و آن رساله‌ای است به زبان ترکی جغتائی در شرح حال عبدالرحمان جامی و با در نظر گرفتن یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، بدین نام خوانده شده است.
۷. دیوان ترکی غزلیات که شامل چهار دیوان به نامهای: غرائب‌الصغر (یا غرائب‌النوائب)، نوادرالشباب، بدایع الواسط، و فوائدالکبری می‌باشد و آنها را بترتیب در خردسالی و جوانی و سن کمال و سالخوردگی و انزوا نظم کرده است.
۸. دیوان فارسی محتوی شش‌هزار بیت
۹. سراج‌المسلمین
۱۰. عروض ترکی
۱۱. مثنوی لسان‌الطیر
۱۲. مجالس النفائس که تذکره‌ای است به ترکی در شرح حال قریب به سیصد و پنجاه تن از بزرگان و شعرای معاصر خود
۱۳. محکمه‌اللغتین در مقایسه دو زبان ترکی و فارسی
۱۴. محبوب‌القلوب

امیر علی شیر نوایی

شاعر و ادیب بزرگ زبان فارسی و ترکی

(به مناسبت گرامیداشت پنجصد و هفتاد مین سالروز ولادت امیر علی شیر نوایی)

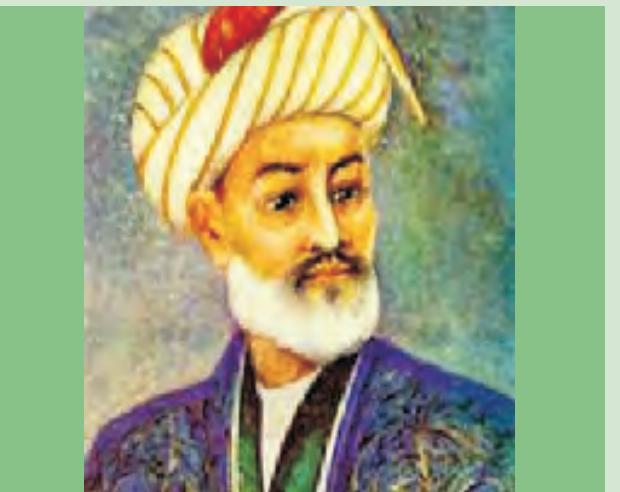
سید حیدر بیات

امیر علی شیر نوایی یکی از شاعران بزرگ تاریخ ادبیات فارسی و ترکی است. نوایی چه در نظم و چه در نثر آثار گرانبهایی از خود بر جای نهاده است. مجالس النفائس او یکی از مشهورترین تذکره‌های تاریخ ادبیات است که اصل آن به زبان ترکی جغتایی است ولی ترجمه فارسی آن به کرات منتشر شده و تقریباً تا اکنون چهار ترجمه فارسی از این کتاب در دست است.

اشعار ترکی نوایی به زبان ترکی جغتایی (چاغاتای) می‌باشد. در مورد زبان جغتایی میتوان گفت: این زبان بعد از ترکی قاراچانی و ترکی خوارزمی در آسیای میانه ظهور یافت و به عنوان زبان ادبی و مکتوب در این سرزمین به کار گرفته شد و بعد از یک دوره رونق هشت‌تصدیاله با روی کار آمدن زبان ازبیکی جدید که بر اساس همین زبان جغتایی و نیز لهجه‌های محلی ازبیستان شکل گرفت، به یکباره از میان رفت. در واقع زبان جغتایی یکی از مهمترین زبانهای ادبی و مکتوب ترکی است که مقایسه آن با ترکی عثمانی و آذربایجانی قبل مقایسه نخواهد بود و نیز بینا نخواهد بود که اگر گفته شود رونق این زبان مدیون امیر علی شیر نوایی است.

تأثیر آثار امیر علی شیر نوایی در گسترش این زبان به حدی است که در دوره قاجاریه چندین شاعر ترک در تهران به این زبان شعر سروده اند و علاوه بر آن چندین لغتنامه برای شرح و توضیح آثار این شاعر بزرگ تدوین شده است که مشهورترین آنها لغتنامه سنگلاخ نوشته میرزا مهدی خان استرآبادی منشی نادر شاه است.

نگارنده به هیچ وجه قصد تحقیق و تفحص در این باب را نداشتم اما آشنایی با سایت نوایی مرا تشویق نمود که دویار به نوایی بیندیشیم و گزیده ای از غزلیات ترکی نوایی را که در فرانسه توسط حمید اسماعیل اف و jean-Pierre balpe منتشر شده است و ضمن ارائه ترجمه فرانسوی اصل غزلها را به خط عربی و احتمالاً از روی یک



نسخه خطی آورده است، بخوانم، این نوایی خوانی که یک روز کامل مراد از کارهای انباسته شده ام بازداشت، بسیار لذتبخش و در عین حال درد آور بود. چون برای لذت بردن از اشعار زیبا و بسیار زیبای نوایی باید حتماً با ترکی جغتایی آشنا بود که امکان آن برای همه وجود ندارد و نیز ضمن خواندن این اشعار متوجه مسئله دیگری نیز شدم و آن اینکه ترکی جغتایی بر عکس ترکی آذربایجانی و عثمانی، با عروض سازگاری بسیاری دارد و پسوندهای «غه»، «کا» و ... به راحتی جاهای خالی افاعیل را پر کرده و شعرها بسیار خوش آهنگ و خواندنی می‌شوند و چه بسی موقیت این زبان ادبی بزرگ شرقی به غیر از تأثیر نوایی در این نکته نیز نهفته باشد.

نوایی در شعر فارسی «فانی» و در شعر ترکی «نوایی» تخلص می‌کرد که در تاریخ ادبیات نیز البته با تخلص ترکی خود شناخته می‌شود. آثار ترکی امیر علی شیر نوایی که در فرهنگ معین آمده است به شرح ذیل است که البته ممکن است این لیست کامل نباشد.



کشف المحبوب هجویری

مصطفی ذاکری

کشف المحبوب تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی چلائی هجویری، یکی از مهمترین کتب صوفیه است، هم از جهت احتوا بر امehات مسائل تصوف، هم از لحاظ معرفی بزرگان فرق صوفیه، هم از نظر سبک نوشتاری و کهنگی نثر، و هم از جهت نظریات بدیع مؤلف. کشف المحبوب، شامل سه بخش است: بخش نخست، مقدمه مؤلف در سبب علت تألیف کتاب. بخش دوم، دربردارنده اطلاعات کلی در باب تصوف و تراجم احوال صوفیان معروف تا زمان هجویری. بخش سوم، که در حقیقت، قسمت اصلی کتاب است و نام کشف المحبوب ظاهراً به مناسبت همین بخش بر کتاب نهاده شده، شامل یازده «کشف» است. هجویری در این یازده کشف، مسائل مختلف تصوف را مورد بحث و بررسی قرار می دهد.

کشف المحبوب نخستین بار در سال ۱۹۲۶ م به اهتمام ژوکوفسکی در لنینگراد انتشار یافت. چاپ قابل توجه دیگری هم به اهتمام دکتور محمد حسین تسبیحی در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام آباد صورت گرفت. چاپ جدید و مصحح این کتاب با استفاده از چند نسخه دیگر، با مقدمه دکтор محمود عابدی انتشار یافته است. این کتاب یکی از مهم ترین کتب صوفیه است که هم از جهت احتوا بر امehات مسائل تصوف و هم از جهت معرفی بزرگان این فرقه و هم از لحاظ سبک نوشه و کهنگی اسلوب پاکستان. ۱۳۷۹ - ۱۳۸۶ : خاطی سه نمایش انفرادی خط در پشاور توسط مطبوعیم یک جلد قرآن مجید و چاپ آن

قابل یادآوریست که آثار ارزشمند استاد چشتی علاوه بر داخل کشور در خارج از کشور نیز توجه جهانیان را نسبت به خود جلب کرده است، بویژه در کشور عراق آثار وی مقام نخست را به خود اختصاص داد و مفتخر به دریافت گواهینامه بین المللی در نمایشگاه هنری این کشور شد.



آشنایی با خطاط، نقاش و مینیاتوریست برجسته کشور خواجه قمرالدین چشتی



فعالیت های نمایشگاهی :

- ۱۳۵۴ : اشتراک در نمایشگاه خطاطی و نقاشی در تالار کابل نندراری - حایز مقام اول جایزه مطبوعاتی کشور .
- ۱۳۵۵ : اشتراک در جایزه مطبوعاتی - حایز مقام اول و حفظ اثر هفت قلم وی در آرشیف ملی افغانستان .
- ۱۳۵۶ : خطاطی قانون اساسی رژیم سردار محمد داود خان .

- ۱۳۵۸ : اشتراک در جایزه مطبوعاتی - حایز مقام اول .
- ۱۳۶۰ : اشتراک در نمایشگاه هنری مسکو و حفظ اثر وی در موزیم شرق .

- ۱۳۶۶ : اشتراک در سمپوزیم های بین المللی هنر های خط و تذهیب منعقده عراق، هند، آسیای مرکزی و ترکیه .
- ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰ : خطاطی یک نسخ قرآن مجید و یک جلد کتاب با هدایت داکتر نجیب الله رئیس جمهور وقت کشور .
- ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹ : سه نمایش انفرادی خط در پشاور پاکستان .

- ۱۳۸۸-۱۳۸۶ : خطاطی یک جلد قرآن مجید و چاپ آن توسط مطبوعیم

استاد خواجه قمرالدین چشتی در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در منطقه دوازه لاهوری شهر کابل چشم به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در لیسه عالی استقلال سپری کرد و آخرین مدرک تحصیلی خود را از دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل اخذ نمود. استاد چشتی هنر های طراحی، نقاشی، تذهیب و انواع خطوط از قبیل نستعلیق، نسخ، کوفی، ثلث، ریحان، دیوان و خطوط جدید را زیر نظر اساتید گرانقدر کشور از جمله محمد اسرائیل رویایی، میر عmad حسینی، میر عبدالرحمان حسینی و استاد پوپلزائی فرا گرفت.

استاد چشتی علاوه بر این که ۲۳ سال از عمر پیرار خویش را در لیسه عالی استقلال وقف آموزش نمود و همواره در بخش کارهای هنری با روزنامه ها و جراید ملی کشور همکار بود، در ادارات زیر نیز از دل و جان مایه گذاشت و فعالیت های هنری خود را به نمایش گذاشت که سرمشق نسل آینده کشور در بخش هنر به شمار می رود.

۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ عضو هیأت ژورنال در بخش خوشنویسی و عضو هیأت رهبری اتحادیه هنرمندان افغانستان ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ خطاط و طراح پروژه های تعلیمی رادیو (BBC) در کابل از این طرف به عنوان آموزگار هنر در انسٹیتیوت فیروز کوه

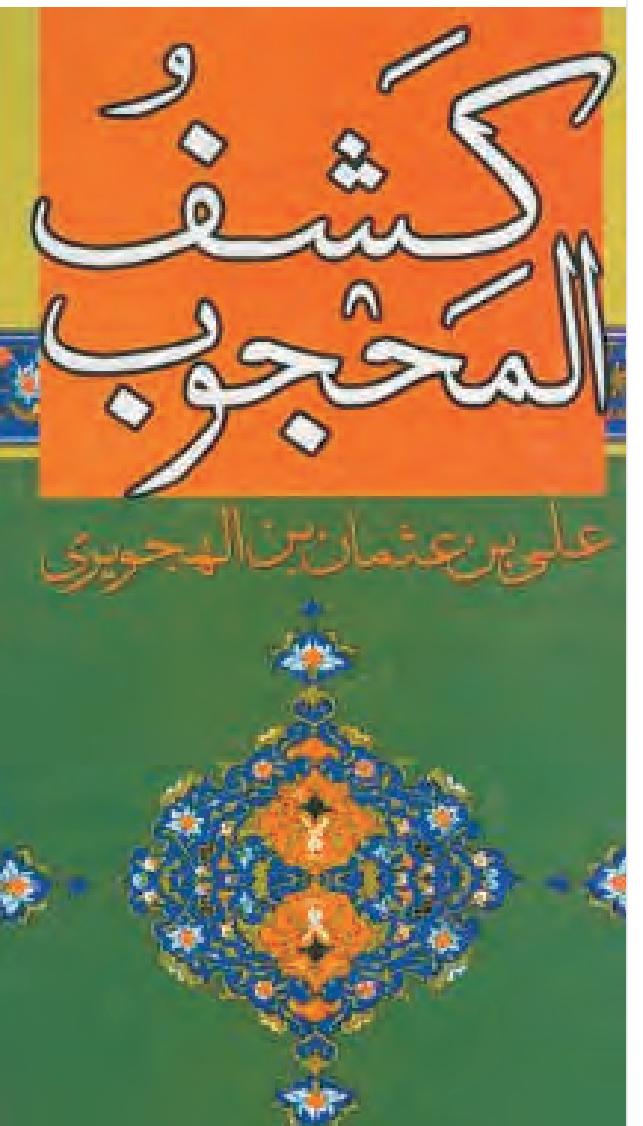
که هنوز این اصطلاح متدالو نشده بوده است و سرانجام باب آخر یعنی باب یازدهم درباره سماع و رقص و وجود و نظر در روی سادگان و خرقه دریدن و امثال آنهاست که ظاهراً این دو کشف آخر از همه مهمتر است که بعد از هجویری باب این بحث ها هر روز بیشتر گشاده شده است.

هجویری از کتب صوفیان پیش از خود مانند *اللُّمَع* تأليف ابونصر سراج طوسی (متوفی ۳۷۸ق) و *طبقات الصوفية* تأليف ابوالرحمن سلمی (متوفی ۴۱۲ق) و رساله *فُشیَّرِيَّه* تأليف ابوالقاسم قشیری استفاده کرده است. کتاب کشف المحبوب مورد استفاده غالب متصوفان قرار گرفته است چنانکه در تذكرة الأولیاء عطار و نفحات الأنس جامی به خصوص از قسمت شرح حال های صوفیان که در کشف المحبوب آمده، بسیار استفاده شده است.

در فارسی، قبل از کشف المحبوب کتاب شرح تعریف تأليف امام ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری در علم تصوف نوشته شده است که در چهار مجلد تنظیم شده است و نام اصلی آن نورالمریدین و فضیحة المدعین است و در حقیقت شرحی است بر کتاب التصرف لمذهب أهل التصوف کلامبادی، اما گویا هجویری این کتاب را که بسیار با کشف المحبوب وجه اشتراک دارد، ندیده بوده است. در هر حال باید گفت که کشف المحبوب دومین کتاب فارسی موجود در زمینه تصوف است که اینک در دست است.

کشف المحبوب از کتبی است که مورد توجه صوفیان و عرفان بوده و نسخه های خطی متعددی از آن در کتابخانه های جهان موجود است و از کتبی است که در سده نوزدهم میلادی در هند چاپ شده و سپس بارها در کشورهای مختلف جهان چاپ شده است؛ از آن جمله چاپ ژوکوفسکی شهرتی به دست آورده بود و از بهترین چاپ های این کتاب محسوب می شد. چاپ قابل توجه دیگری هم به همت محمدحسنین تسبیحی منتشر شده است. اما اینک چاپ جدید آن با تصحیح دکتور محمود عابدی در سلسله انتشارات سروش انتشار یافته است. این چاپ از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه سلطنتی وین که احتمالاً در سده هشتم نوشته شده است فراهم شده و با چند نسخه دیگر مقابله گردیده و به صورت ظریف و روشن چاپ شده است.

مجله آئینه میراث، شماره ۲۷



(صفوت) و بحثی درباره ملامتی گری آورده است و سپس به شرح حال بزرگان تصوّف از ابتدای زمان خود در هفت باب پرداخته است: باب اول آن به پیشوایان اولیه تصوّف یعنی چهار خلیفه اول اختصاص دارد و در باب بعدی به اهل بیت پرداخته است و سپس بر اهل صفة و بعد به چهار نفر از صوفیان تابعین مثل اویس قرنی و حسن بصری پرداخته است و در باب بعد ۶۴ نفر از اتباع تابعین و آنگاه ده نفر از متأخران را نام می برد و از آنان مطالبی عرفانی نقل می کند و تعدادی از معاصرین خود را نیز در باب بعدی ذکر می کند و سرانجام در باب آخر، فرقه های مختلف صوفیه را نام می برد، شامل نام ۱۲ فرقه، که بسیاری از آنها اکنون وجود ندارند و در عوض فرقه های دیگری امروزه به جای آنها موجود است. به نظر نیکلسون، از این ۱۲ فرقه فقط فرقه ملامتیه در آثار قبل از هجویری معروف شده است و هجویری این فرقه را به نام قصاریه نامیده است.

قسمت سوم: که در حقیقت قسمت اصلی کتاب است و نام کشف المحبوب ظاهرآ به مناسب همین قسمت بر این کتاب نهاده شده است شامل یازده کشف است یا بهتر بگوییم یازده کشف حجاب یعنی برطرف کردن اشکالات و حجاب هایی که در پیش چشم صوفیان ساده و مردم عادی وجود دارد و باید حقیقت آن را آشکار کرد تا صوفی با بینش درست تری بدانها بینگرد. نخستین کشف برطرف کردن حجاب در معرفت خداست، یعنی خداشناسی واقعی، چنانکه یک عارف باید داشته باشد و رفع هرگونه سوء تفاهماتی در این زمینه، لذا در این مبحث مانند یک متكلم یا حکیم سخن می گوید و نظریات مختلف را محک می زند و دلیل بطalan هر کدام را شرح می دهد و سپس عقاید مشایخ صوفیان را در این زمینه نقل می کند که چگونه به معرفت خدا رسیده اند. هجویری در همه مباحث این کشف های یازده گانه، همین روش را در پیش می گیرد و لذا با خواندن این کتاب می توان به افکار عارفان و صوفیان چهار سده اول هجری در تمام این زمینه ها واقف شد. کشف دوم در توحید و سوم در ایمان و چهارم در طهارت و توبه و پنجم در نماز و محبت به خدا و محبت خدا به خلق و ششم در زکات و جود و سخاست و هفتم در روزه و هشتم در حج و نهم در آداب صحبت و معاشرت با یکدیگر در سفر و حضر و آداب سخن گفتن و ازدواج و غیره، و دهم در شرح اصطلاحات صوفیان است، از قبیل حال و وقت و مقام و تمکین و محاصره و قبض و بسط و علم و معرفت و شریعت و حقیقت و امثال آنها. در اینجا از طریقت، سخنی به میان یامده است و معلوم است

زندگی او به دست نمی آید. نه تاریخ تولد او معلوم است و نه تاریخ وفات او و نه چگونگی زندگی او. فقط نیکلسون در مقدمه کتاب تذكرة الاولیاء فوت هجویری را در سال ۴۶۵ هجری ذکر کرده است، اما برخی از محققین در بررسی های خود بدین نتیجه رسیده اند که تأليف کتاب کشف المحبوب قبل از ۴۶۵ ق.غ.ش. و بعد از ۴۶۹ ق به پایان رسیده است، در این صورت تاریخ فوت او باید بعد از آن یعنی حداقل در ۴۷۰ ق بوده باشد.

هجویری در رعایت شریعت و اعمال دینی طبق قواعد مذهب حنفی بسیار پامی فشارد و اصرار می کند و در شرح مسائل تصوف همه جا مراجعات شریعت را لازمه و مقدمه آن می شمارد و حتی در مواردی مثل سماع و رقص و خرقه دریدن که از آداب رایج صوفیان بوده است، بین مراجعات شرع و رسم صوفیان به سختی توفیق برقرار می کند و ناچار می شود که حرمت آنها را طبق مواری شرع پذیرد، اما برای سالکانی که به مدارجی از عرفان دست یافته و در حال بیخودی و وجود دست بدین کارها می زند ارج و قربی قائل شود.

کشف المحبوب درحقیقت شامل سه قسمت است:

قسمت اول: شامل مقدمه کتاب و سبب نوشتن کتاب است که به گفته دکتور پورجواودی، یکی از صادقانه ترین دیباچه هاست و در آن مطالبی جالب درباره وضع کتاب در جامعه و سرقت ادبی و حقوق مؤلف مطرح شده است مؤلف در آن با خوانندگان کتاب صمیمانه مطالبی را مطرح کرده است که گرچه به موضوع تصوف ارتباط ندارد، اما پرده از روی مشکلات نویسندگان آن زمان برداشته است. او ابتدای در چند سطر مختصر مطالبی کلی درباره این کتاب ذکر می کند چون: نام خود، استخاره و طلب خیر کردن از خدا در تأليف کتاب و اجابت مسؤول سؤال کننده ای که از او خواسته است کتابی در این باره بنویسد و امثال آنها. سپس جزء به جزء این مطالب را به تفصیل تمام شرح داده است که چنین شیوه ای در مقدمه یا دیباچه هیچ کتابی دیده نشده است. دکتور پورجواودی این مقدمه را در مقاله ای به تفصیل تجزیه و تحلیل کرده است.

قسمت دوم: شامل اطلاعات کلی در باب تصوف و شرح حال صوفیان معروف است که تا زمان هجویری نام بردار بوده اند، در ابتدای این قسمت شش باب درباره مسائل مقدماتی تصوف چون معنای علم، فقر و تصوف و آداب خرقه پوشیدن و فرق میان فقر و صوفیگری